

هنر

ارگان نشراتی اتحادیه هنرمندان ج . د . ا

شماره
اول

۱۳۶۱

هنر

مجله‌ی دوماهه

ارگان نشراتی اتحادیه هنر مندان

ج . د . ا

زیر نظر هیأت تحریر

مدیر مسؤول : ش . رهگذر

سکرتر مسؤول : ر. راصع

آمر چاپ : وکیل حشمت

باهم میخوا نیم :

۲۰۹۳

هنر در سنگر انقلاب

مجله «هنر» پس از این بحیث ارگـــان نـشراتــی اتحادیـــه هنر مندان جمهوری دموکراتیك افغانستان به نشر میرسد. اتحادیه هنر مندان جمهوری دموکراتیك افغانستان که رسالت تاریخی تشکل و سازماندهـــی گروهها و محافل گسترده هنرمندان را به عهده دارد اینك بانشر مجله هنر در زمینه انعکاس آفریده های هنری و سمتدهی آفرینش هنری وایجاد پیوندهـــا میان اتحادیه و تـــوده هـــای وسیع زحمتکشان از طریـــق پخش و اشاعه دستاورد هـــای مثبت ،پیشتاز و انقلابی هنری به پیکار بر خاسته است .

«هنر» تلاش مثمر خواهدنمود تا همه استعداد ها را در راه بارور ی هنرو تعهد بیشتر آن در سنگر انقلاب وآرمانها ی انسان زحمتکش افغانستان انقلابی پرورش و سمت دهد .(هنـــر) تلاش خواهدورزید تا همـــه آفرینش هنر را در ستیز بی‌امان، در صف پیشاپیش نبرد هنر ی به خاطر تحقق آرمانها ی شکوهمند انقلاب ثور و به خصوص مرحله نوین وتکاملی آن بسیج سازد .

«هنر» خواهد کوشید تـــا غنا ی ارثیه ها ی فرهنگی گذشته وطن محبوب ما را حفظ وتکامـل بخشیده و با انعکاس آفریده های هنر ی روحیه دفاع از دستآورد های انقلاب ،روحیه عالی وطــن پرستی ، زحمت کشی ، انســـان دوستی و آشتی ناپذیری نسبت بدشمنان انقلاب و میهن را در زحمت کشان کشور تشدید و پرورش دهد . اتحادیه هنر مندان جمهور ی دموکراتیك‌افغانستان برخور میدانند تا از امکانات مــو-جوده هر چه بهتر و بیشتر برای انکشاف و شگوفانی انواع هنر به‌سود توده ها استفاده مقتضـــی نماید. هنر امروز ، هنر انقلابی است این هنر ، هنر رزمنده راه پیروز ی بر عقب ماندگی‌هاوامحا ی بقایای فیودالی و اعمار جامعه نوین کشور است .

دشمنان انقلاب و میهن امروز در نبرد رویاروی موضع خود را از دست داده وتلاش های خود را درعرصه عوامفریـبی وا تکـاء روی دروغ وتــخــدیر اذهـــان مردم هنوز هـــم ادامه میدهد. هنر بـا انعکاس حقایق انقلاب ثور و به خصوص مرحله نوین آن‌وآرمان های توده های‌ملیونی کشور به خاطر صلح ،ترقی اجتماعی‌ورفاه در جبهه پیکار مقدس ایدولوژیك علیه ضد انقلاب در فش افراشته و در ایــن پیـکار سهم ســا زنـدهٔ خودرا می گیرد.

«هنر» تلاش خواهد ورزید تا در ترویج اندیشه های پیشتاز عصر ما در میان هنر مندان‌کشور سهم شایسته خودرا بگیرد .

اتحادیه هنر مندان‌جمهور ی دموکراتیك افغانستان با نشر مجله هنر به خاطر رشد معنویات مردم و تکامل هنر در پی آن‌است تا ثروت و ارزش های پیشتاز و مترقی هنر جهان را در اختیار توده های وسیع مردم قرار دهد.

ـ هنر ـ

«هنر» بر این است تا پد یده های حیات اجتما عی را به طـو ر راستین ا نعکاس د هد ، قهر مانی های افتخار آفر ین و تار یخـــی رزمنــدگــان ح .د.خ.ا سر بــازان قوای مسلح ،سپا هیان انقـــلا ب نیرو های مقاومت ، بر یگــادهــای نظم اجتما عی ،ساز مان دموکراتیك جوانان وزنان و رو شنفکران میهن پرست را در طلیعه تابنا ك هنر حکایتگر باشد .

«هنر» در راه بالا برد نحیثیت بین المللی کشور، بسط وتوسعــه وجاودانه نگا هدا شتن دو ستــی میان کشو ر ماو کشور هـــا ی سو سیا لیستی در راس اتحا د شو روی و دیگر نیرو ها یترقی خواه جها ن کهبرای تا مین صلح د موکرا سی و تر قی اجتما عــی تلاش میورزند، نقش نافذ و فــعال ایفا مینماید .

هیأت رئیسه اتحادیه هنر مندان ج.د.ا



پیام تبریکیه

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به شرکت کنندگان کنگره موسس اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان

رفقای عزیز ! شرکت کنندگان محترم کنگره موسس اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان !

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، درود های گرم خود را به مناسبت این رویداد با اهمیت تاریخی بشما و تمام هنرمندان کشور فرستاده موفقیت شمارا آرزو میکنند . کنگره شماکه هدفش متحد ساختن هنرمندان بخشهای مختلف حیات هنری در یك سازمان اجتماعی داوطلبانه وخلاق و بسیج آنها در راه تحقق آرمانها واهداف والای انقلاب ثور میباشد اهمیت به سزایی‌دارد زیرا هدف واقعا عظیم و شرافتمندانه را دنبال میکنند .

مقام هنرمندان در جمهوری دموکراتیك افغانستان بس عالی وارجمند است . حزب و دولت آنهارا به حیث کمك کنندگان مطمئن خود در امر توضیح اهداف والای انقلاب وافشای دروغبافی ها وافترا آت دشمنان انقلاب تلقی میکنند . این وظیفه تمام بخشهای هنری است که در راه بالا بردن حیثیت بین‌المللی کشور ها و بسط وتوسعه همکاری آن با اتحاد شوروی ، دیگر کشور های سوسیالیستی و کشور های دوست وتمام نیرو های ترقی خواه جهان که برای تامین صلح ، دموکراسی وترقی اجتماعی تلاش میورزند خدمت بی شایبه و بی دریغانه نمایند .

نقاشان ، موسیقی نوازان ، کارکنان سینما، هنرپیشگان ومعماران به اتفاق دیگر گروپهای شاغل در هنر و کلتور ملی کشور مادر تطبیق دگرگونی های فرهنگی‌به حیث جزء مهم پلانهای حزب‌برای اعمار جامعه نوین ، جامعه صلح آزادی ، وترقی ، عدالت ، برادری وبرابری در افغانستان سهم‌فعال میگیرند .

انقلاب ثور به خصوص مرحله جدید تکاملی آن شرایط مساعدرا برای رشد و شگوفانی هنر کشور کثیر الملة ما افغانستان فراهم آورده است ، این وظیفه سترگ بر هنرمندان کشور است‌که‌میراث غنی فرهنگی وطن محبوب ما را حفظ وتکامل بخشیده توده ها و مردم را توسط آثار هنری خود با روحیه وطنپرستی ، زحمتکشی، وظیفه شناسی و آشتی ناپذیری نسبت به دشمنان جمهوری دموکراتیك افغانستان ، تربیه‌نمایند.

بزرگترین خوشبختی هرهنرمند و هنرپیشه در اینست که برای خلق خود خدمت نماید .

پدیده های حیات اجتماع را به طور راستین در اثر خود انعکاس بدهد و قهرمانانی را در آثار خود نشان بدهد که برای مردم سرمشق و نمونه آموزنده‌باشند.

کشور ما پرورشگاه هنرمندان بزرگ ، استادان با استعداد هنر ها ، فنون و صنایع ظریفه ملی میباشد . این وظیفه هنرمندان وبه خصوص اتحادیه هنرمندان است که از فعالیت و خلاقیت هنرمندانه آنها حمایت وپشتیبانی نمایند واز زیبایی شناسی اجتماعی و مهارت هنری آنها بیاموزند .

شکی نیست که نقش اتحادیه شما در بسیج و تجهیز محافل





نمای اولین کنگرهٔ موسس اتحادیه هنرمندان جمهوری دیموکراتیک افغانستان که روز ۳۱ سنبله ۱۳۵۹ باقرائت پیام کمیته مرکزی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بکار خود آغاز کرد.

وسیع هنرمندان در راه اجرای تحولات عمیق فرهنگی اعم از محو بیسوادی، پرورش ذوق هنری مردم، رشد و تقویه تیاتر و سینمای ملی، نمایشات هنری، کنسرتها، حفظ و ترمیم آثار تاریخی و معماری قابل ملاحظه خواهد بود. اتحادیه شما باید به نسل جوان هنرمندان که تازه به فعالیت خلاقانه هنری پرداخته اند، توجه خاص مبذول داشته کمک لازمه را در مطالعه عمیق حیات مردم و کشف مطالب جالب برای آثار شان فراهم نماید.

در حال حاضر همبستگی تمام نیرو های وطنپرست کشور ما به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان روز به روز تحکیم میابد. بنا بر تصامیم پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب برای ریشه‌کن ساختن کامل ضد انقلاب و برقراری نظم کامل اجتماعی تدابیر لازمه اتخاذ می گردد. رشته های عمده اقتصاد ملی، انکشاف میابد و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از اطفال و نوجوانان حمایت خاص نموده سعی و کوشش میورزد تا دوره طفولیت و جوانی آنها خوشبخت باشد.

طبیعی است که تمام هنرمندان واقعی کشور به این پرابلم های مبرم حیات کشور خویش علاقه زیاد از خود نشان میدهند. هر انقلاب واقعی اجتماعی موجب اعتلای استعداد ها و قدرت های روحی جامعه، ارتقاء و رونق هنر وادبیات می گردد. همینطور نیز در کشور عزیز ما امروز تمام هنرمندان واقعا وطنپرست کشور در سنگر دفاع از انقلاب قرار گرفته در اولین صفوف ایجادگران زندگی نو، جای دارند.

انقلاب ایجاب میکند که برای تجسم و ثبت تاریخ روحیه عالی انقلابی زمان ما و تجلیل و مجسم ساختن قهرمانان آن آثار واقعا انقلابی اعم از پوستر های انقلابی سیاسی، ترانه های رزمجویانه انقلابی و فلم ها و نمایش های مملو از شوق و شعف شورانگیز انقلابی مردم ما خلق وآفریده شوند. آثار عالی انقلابی که موجب شهرت ملی مولفین خود شده بتوانند، در مبارزه نو با کهنه پدید میایند.

اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان باید اعضای خود و تمام هنرمندان کشور را دعوت نماید که سطح معلومات و مهارت حرفه ای خود را از راه آموزش وتجدید تربیت بالا ببرند. در صورت امکان کوپراتیف های داوطلبانه تولیدی خود را تاسیس نمایند و در پیشبرد و رهبری امور اتحادیه خود سهم فعال بگیرند. موسسات و ارگانهای مربوطه دولتی حتی الامکان مساعدت خواهند نمود تا برای اعضای اتحادیه شرایط لازم کار و زندگی فراهم گردد.

دوستان گرامی!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان موفقیت های مزید هنری شمارا آرزو نموده یقین کامل دارند که تاسیس اتحادیه شما موجب رشد وشگوفانی هرچه بیشتر هنر کشور ما به نفع مردم نجیب آن خواهد گردید.

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

((ببرک کارمل))

بیانیه اساسی که توسط رفیق عبدالمجید سر بلند معاون شو رای وزیران جمهوری دیمو کرا تیک افغا ـ نستان در کنگره موسس اتحادیه‌هنر مندان قرائت گردید .

در مورد ایجاد اتحادیهٔ هنرمندان ج ـ د ـ ا و وظایف کار مندان خلاق در حفظ وگسترش دستاوردهای انقلاب ثور

رفقا ، هنر مندان ار جمند محبوب کشور ، مهما نان ار جمند کشور های دو ست !

امروز برا ی ما یك روز بزر گ و تاریخی است که در تاریخ افغا نستان کنگره‌موسس اتحادیه هنرمندان دایر شده است .درین تالار نقا شان ، ارتیستان ،کمپوـ زیتران ، سینما گران ، مهندسان و تمام آنها ئی که نمایند گی‌هنر فنی و متنوع افغانستان را بعهده دا رند ، جمع آمده اند .

ما وظیفه نجیبانه ای دار یم که آن عبارت از متحد شدن در اتحادیه خلاق برای خدمت هر چه بهتر بمردم ، رشد استعداد ها ، ادامه عنعنات پر افتخار اسا تید رسامی ، موسیقی ، تیاتر ،فلم‌ـ بر داری و معماری میبا شد .

کنگره از توجه و غمخواری بزرگ دولت جمهوری به فر هنگ مردم شهادت میدهد . باید بصر ـ احت تائید شود که تنها دولتی میتواند باین پیمانه به زند گی معنوی و انکشاف کلتو ر ز حمتکشان ـ علاقمند باشد که با اطمینان کامل و باتکا بتو ده های مردم بسوی فردا بنگرد .

در تیز های کمیته مر کز ی ح . د . خ . ا ـ بمنا سبت دومین سالگرد انقلاب ثور تذ کررفته است که (تمام آن چه در میراث فرهنگی غنی وطن محبوب ما بهتر وبا ارزش است حفظ ـ و انکشاف داده شود . برای فراهم آوردن شرایط کار خلاقانه تمام دسته های روشنفکران ـ افغا ـ نستان بطور دایمی غمخوا ری بعمل آید .)

هنر مندان که یکی از گروپ های روشنفکران افغا نستان اند همراه با کارگران ، دهقا نان کسبه و نما یند گان وطنپر ست سرمایه ملی از اهداف انقلاب ثور که برای وطن محبوب مان راه پیشرفت اقتصاد ی واجتماـ عی و احیای کلتور را باز نموده صمیمانه پشتیبا نی مینما یند .

بعد از شروع مرحله دو م انقلاب شرایط فوق العاده مساـ عدی جهت رشد قدرت خلا قانه رو شنفکران بوجود آمده است . در اصول اساسی تذکر رفته که جمهوری دمو کراتیك افغا نستان سیاست ایجاد جامعه‌نوین رامبنی بر صلح و آزادی ، پیشر فت و عدالت ،برادری و برابری‌پیش گرفته است . مراعات قا نونیت انقلابی ، آزادی کامل اعتقا دات مذهبی و احترام به اسا سات دین مقدس اسلام واقعا عملی میگردد.

کمیته مرکزی و حکو مت ج ـ د ـ ا ـجهت تحکیم و حدت کار گران دهقا نان رو شنفکران و اقشار دیگر جامعه ، تمام نیرـ و های دمو کرات وو طنپر ست کشور و تمام ملیت ها وقبا یل افغا نستان ، تدا بیر عملی اتخاذ نمو ده است .

بدین اساس پروسه ایجا د جبهه ملی پدر وطن تحت رهبری ح . د . خ . ا ـ ادامه داردبا ـ اطمینان میتوان گفت که تما م طبقات زحمتکش وافراد وطنپرـ ست کشور ما بخاطر مبا رزه برای حفظ وتحکیم دستا ور د های انقلاب بدور حزب و دولت متحد شده انـد .

اقدا مات مهم در ساحه اقتصاـ د ، تدا بیر برای بهبود زندگی زحمتکشان ، دمو کراتیزه ـ ساختن حیات اجتماعی ، قدر ت های امپر یالیستی وضد انقلاب داخلی را نا راحت نموده است . انها در راه ساختمان زند گی نوین مردم افغا نستان میخواـ هند مانع ایجاد نما یندو درواقع علیه جمهوری ماو دستاورد های آن به جنگ اعلان نا شده پر داـ خته انـد .

دشمنان مردم ،خود را در حرف ، محافظین اسلام و پیشتیبانان استقلال افغانستان اعلان میدارند ولی عمل آنها ضد اسلامی بودن وبی فرهنگ بودن آنها را اشکار میسازد . تلاش خاینانه برای انفجار مقبره شاه ولایت ماب در مزار شریف وقتل هزاران معلم ، انجنیر ، طبیب وروحانی محترم که بدست اینها صورت گرفته ثابت میسازد که آنها میخواهند روشنفکران مارا اغوا نموده برای عملی نمودن اغراض رذیلانه وضد مردمی و ضد انسانی شان از آنها سو استفاده نمایند .

طبق فیصله های پلینوم سوم کمیته مرکزی ح . د خ . ا تدابیر قاطع وجدی جهت مبارزه با ضد انقلاب و برقرار نمودن انتظام اجتماعی در تمام ولایات کشور اتخاذ شده است . شك وتردیدی نیست که باند های مسلح و ضد انقلابیونی که مخفیانه عمل مینمایند با همکاری فعالانه توده های مردم کاملا سر کوب خواهند شد این امر مانع اساسی را که در راه رشد اقتصاد و فرهنگ کشور واقع گردیده از بین بر داشته و سطح زندگی مردم رابالا خواهد برد . باوجود توطئه های دشمنان انقلاب ما ، افغانستان دموکراتیك به واقعیت عینی تبدیل یافته و عامل مهم در مبارزه مردم آسیا علیه امپریالیزم بین المللی و در راس امپریالیزم امریکا ومتحدان آن خواهد شد . حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان در مرحله دوم انقلاب - یك عده اقدامات مهم را در سیاست خارجی اعلام داشت که برای حل صلح آمیز مناسبات بین دول در منطقه موثر بوده و از طرف قوای مترقی جهان به نیکی استقبال شده است .

مادر این مبارزه عادلانه تنها نمی باشیم . دوست وفادار وآزموده شده ما اتحاد شوروی همراه ماست . اتحاد شوروی در لحظات دشوار خواهش مارا برای رسانیدن هر نوع کمك پذیرفته و قطعات محدود قوای خود را اعزام نمود تا از افغانستان انقلابی در برابر حملات خارجی دفاع نماید. این کمك بی غرضانه اتحاد شوروی مارا در ساختمان زندگی نوین وصلح آمیز یاری میکند .

حمایت و گسترش دستاورد های انقلاب ثور و تحکیم پایه های جمهوری دموکراتیك افغانستان وظیفه مقدس ووطنپرستانه هرفردبا وجدان میهن ما است .

ما آینده درخشانی را انتظارداریم مردم ما با باوری کامل بسوی فردا مینگرند وعزم راسخ دارند که پروگرامهای تحولات اجتماعی و اقتصادی راکه ازطرف حزب پیشنهاد شده در عمل پیاده نمایند ولی پیشرفت اقتصاد ، سطح عالی زندگی مردم ، شگوفانی فرهنگ و انکشاف دموکراسی واقعی خود به خود بوجود نمی آیند . اجرای این امر بسیج تمام وسایل مادی و مهمتر از ان بسیج قدرت جسمانی و معنوی مردم افغانستان را برای نیل به این مقاصد تقاضا می نماید.

استقبال پر جوش مردم از انقلاب ، قهرمانی قوای مسلح ما در نبرد علیه ضد انقلاب - ووحدت متزاید جامعه ما شهادت میدهد که ما نیروی کافی داریم تا میهن خود را از تنگنای جهالت ، بیفرهنگی و فقرکه میراث سیاست استعمار گرانه ممالك امپریالستی و طبقات حاکم فیودالان و مالکین داخلی میباشد ، بیرون آریم .

هنروران ما باید به آینده با امید وایمان کامل بنگرند ودر دل شنوندگان ، تماشاچیان و خوانندگان خود خوشبینی و عشق به زندگی را بیشتر بوجود آورند . این وظیفه رسامان نقاشان ، ارتیستان ،فلمبرداران و مهندسین است که در تحولات کلتوری در جمهوری دموکراتیك افغانستان ، بطور فعالانه سهم بگیرند . برای رسیدن به این هدف ما باید یك اتحادیه خلاق و فعال راایجاد وبرای رهنمائی مردم خود ازان حداعظم استفاده نمائیم.

پروگرام تحولات کشوری ج - د - ا - خیلی وسیع بوده و جوابگوی منافع واقعی مردم ما- ووظایف دور نمای انقلاب ثور میباشد .

۱ - مادر یك مدت بسیار کوتاه وظیفه بزرگی را که امحای بیسوادی بزرگسالان کشور - است ، انجام میدهیم . کنگره معلمان که چندی قبل دایر شد پروگرام مفصل تعلیم را در سراسر کشور تصویب نمود .طوری که معلوم است بخاطر بر آورده شدن این مقصد دولت مبلغ زیادی را تخصیص داده و قانون ومقرراتی در مورد بتصویب رسانیده است . نمایندگان اقشار مختلف روشنفکران هرچه بیشتر میکوشند درمبارزه برای امحای بیسوادی شخصا سهم فعال بگیرند . امحای بیسوادی نتیجه بزرگ اجتماعی خواهد داشت و برای انکشاف

هنر ، عامل بزرگی خواهد گردید ومادر آینده تماشاچی ،شنونده‌و خوانندهٔ باسواد و دارنده اساسات هنر را دارا خواهیم بود . ما با قاطعیت میتوانیم بگوئیم که در این زمینه تقاضای هنری مردم بیشتر و اساسات هنر قوی تر خواهد شد .

۲ – در سالهای نزدیک موسسات کلتوری و تنویری توسعه می یابند وحتی در بعضی موارد مجدداً از نو ایجاد خواهد شد برای حضار محترم بکلی روشن‌است که‌ما از رژیمهای ضد مردمی ظاهرشاه و داود درین زمینه چه میراث های درد آوری را در دست داریم .

اینها عبارت از چند تیاتر و موزیم محدود و کمتر از صد سینما که آن هم غالبا فلمهای خارجی را نمایش میدهند ، چند کتابخانه ناقص در ولایات ویک مطبعه کمظرفیت میباشد و بس. اکثریت مردم اهمیت کتاب ، سینما ، تلویزیون و رادیو را نمیدانند . با بوجود آمدن امکانات دولت به ساختمان سینماها ، مراکز تلویزیون ورادیو ، ایجاد مراکز فرهنگی ، کتابخانه ها . مکاتب هنری و موسیقی و غیره اقدام مینماید . این امر درک و فهم هنر حرفوی را برای‌اقشار وسیع مردم آسانتر خواهد کرد .

۳ – جمهوری دموکراتیک افغانستان با آن عده از روشنفکران و طن‌پرست که در رژیمهای سابق بکار خلاقانه پرداخته بودند ، احترام قایل و از آنها پشتیبانی بعمل میاورد . ما متکی براین اصل هستیم که کلتور دولت دموکراتیک وملی ما تمام ارزش های مترقی هنری جامعه گذشته را – میراث میگیرد و آنرارشد وتکامل می‌بخشد هر-

– هنر –

فردی که میخواهد برای مردم هنر آفرینی کند از طرف دولت دست یاری وهمکاری بسوی او دراز خواهد شد .

همچنین ایجاد یک سلسله مدارس عالی و متوسط هنر حرفوی در کشور از وظایف مهم فرهنگی انقلاب ثور میباشد . بدون شک در آینده ضرورت مبرم به نوازندگان ، رسامان ، ارتیستان ، مهندسین ،وامبرداران وديگر هنرمندان احساس خواهیم کرد .

۴– درکشورما که دارای ملیت ها و اقوام گوناگون است تامین برابری واقعی بین تمام ملیت‌ها و اقوام در ساحه کلتور ، اعم از تدریس بزبان مادری ، انکشاف ادبیات هنر و ازادی کامل رسوم و عنعنات محلی ، دارای اهمیت مخصوص میباشد .

از لحاظ ملی مختلف النوع بودن هنر در افغانستان ثروت بزرگ ما میباشد و ما از آثار زیبای معروف شناخته شده در سطح جهانی پشتونها ،تاجیک ها ترکمنها ، ازبکها ، نورستانیها، هزاره ها بلوچها ، قرغزها وسایر باشندگان کشور افتخار داریم .

ارتباط عمیق هنری از قرنها بدینطرف بین مردم افغانستان وجود دارد و امروز این رابطه باید نزدیکتر و مثمر تر واقع گردد . هریک از رسامان ، ارتیستان ، موسیقی نوازان و دیگر هنرمندان جداً حق ایجاد آثار را بزبان مادری و عنعنات ملی دارند و از جانب دیگر به تمام خلقها و اقوام امکان داده خواهد شد که بزبان مادریشان روز نامه و کتاب بخوانند، پروگرامهای رادیو را بشنوند وبه فعالیت های‌هنری بپردازند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به دین مبین اسلام احترام گذشته اساسات آن را عمیقا رعایت و حفظ نموده برای تمام افراد متدین جهت انجام عنعنات ورسوم دینی‌آزادی کامل‌داده‌است تمام مساجد معروف ،مدرسه ها، زیارتگاه ها ، کتابخانه ها وکتابهای باستانی اسلامی که برای مسلمانان مقدس و برای تاریخ فرهنگ و هنر افغانستان ارزشمند است مورد مراقبت وحفاظت دولت قرار گرفته است .

انکشاف روابط بین المللی افغانستان در رشته های هنر وادبیات و علم ودانش از وظایف جدی پالیسی کلتوری محسوب میگردد .طوری‌که‌معلوم است‌قبل از انقلاب از این ارتباط بطور – مصنوعی جلوگیری میشد وهمزمان با محدویت ما قبل فیودالی در کشور فقر و بیفرهنگی که باعث وجدتوریستان ثروتمند ممالک سرمایه داری میگردید ، بصورت غیر عاقلانه تبلیغ میشد جمهوری – دموکراتیک افغانستان تبادله فرهنگی‌بین‌المللی را بطور قاطع عملی مینماید .

بین ما واتحاد جماهیر شوروی ارتباط کلتوری قوی که عنعنه چند ساله دارد بر قرار است و علایق فرهنگی با سازمان های سوسیالستی وممالک روبانکشاف ومستقل توسعه می یابد.

همچنین روابط با محافل هنری و ادبی هند وکشور های دیگر منطقه در آینده استحکام وتوسعه خواهد یافت . این وظیفه ماست که توده‌ها را بادستاورد های

فرهنگ جهان آشنانما ئیم و همزمان فرهنگ ملی خود را در خارج کشور معر فی بکنیم .

در پروگرام تحو لات فر هنگی ج ـ د ـ ا ـ موسیقی ، تیاتـر ، ادبیات ، سینما تو گـــرافی و مهند سی مقام ارزنده دار نـد

نقش اجتماعی هنر عبــارت از اینست که بخدمت مردم قـرار داده شود . واقعیت و حقا نیت را انعکاس بدهد . به افکار واراده و احساس مردم تاثیر بگذار د تا انها برای حفاظت و انکشـــا ف دست اورد های انقلاب ثور فعالانه جلب شو نـــــد .

هنر باید بمثابه کتاب در سی زندگی ، وسیله پر توان تر بیه افراد جمهوری مادر مرکز اهداف والای انقلاب ثور قرار بگیرد . باید تابلوها ، مجسمه هـا ، سرود ها ، آثار موسیقی ، فلمها و نمایشنا مه‌ها ، آن چیز هـای زیبا را که در زندگی مو جـو د است و جامعه را به پیش حر کت میدهد ، باز یبائی تصو یر نمایند .حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان وحکومت جمهوری دموکراتیک افغا نستان از کار مندان هنری دعوت بعمل می آورند تا در آثاری که می آفرینند با یـد سیمای قهر مانان مبارز زمان ما یعنی سیمای کار گران ، دهقانان ، کسبه زحمتکش ، سربازان قهرمان اردوی افغا نستان وخارندوی ، رو شنفکران که بخا طر اعتلای فرهنگی مردم مبــار زه میکنند ریشسفیدان ،روحانیون، جوا نان پرافتخار وزنان نجیب و زحمتکش کشور ما را تر سیم کننـــــــد .

هنر واقعی همیشه با مردم ، این آفرینند گان تمام ثرو تها ی مادی و معنوی جامعه علاقه نـاگسستنی دارد هم اکنون کار مندان گرو پهای مختلف هنر امکـا ن آنرا دارند که آثار خود را برای توده های وسیع زحمتکش عرضه کنند ، نه برای دسته ارستو کرات محدود و فرهنگ دو ستا ن ثرو تمنـــــد .

بنابر این معیار ارزش آثـار بدیع هنری اینست که این آثار بکدام پیمانه برای مردم قا بـل فهم و دوستدا شتنی هستنـد و چگو نه احساس وافکـار وارا ده توده ها را متحد مینما یند وبرای مبارز بخاطر شگو فانی افغانستان دمو کراتیک‌سوق میدهند.

ولی باید تذکر داد که درقبال فراهم آوری امکا نات وسیـع جهت رشد و انکشاف مکا تیـب و متود های خلاق هنر در افغـانستان ، باید بطور قاطع علیـه هنر های ضد مردمی و ضدانسانی که امپر یالیزم جهـا نـی پخش میکند ، مبارزه صـــورت گیرد . آثار پارنو گرافی وخلاف عفت و ترغیب کننده عیاشـی و بد اخلاقی ، راسیزم ، استعما ر جوئی ، نقشهای اتومی نظا میکران به احساس دینی و ملی مردم ماتو هین مینما ید واذهان مردم را مسموم میسازد . درجامعه ما برای اینگونه هنر های انحرافی جای نخواهد بود . عملی شـد ن تحولات کلتوری اقدام مهمی برای رشد جامعه دمو کراتیک ملی مـا خواهد بود وبه رشد اقتصاد ی ، بهبود زندگی اجتماعی و بالابردن سطح زندگی توده های زحمتکش مسا عدت خوا هد نمود .

دولت ما به پیشرفت کلتور و هنر اهمیت مخصوص را قا یـل بوده در نظر دارد که هرقدر تبعه جمهوری ما با فرهنگتر ، باسواد ترو تربیت دیده باشد همان قدر مدافع استوار میهن . کارمندخوب و شرکت کننده فعال امور جامعه و نمونه عبرت نسـل جـوا ن خوا هد بـــود .

هنر مندان و هنر دوستـــان ار جمنـــــد !

امروز گرو پهــای مهم روشنفکران ما داو طلبانه با هـم متحد میشو ند این امرتنها گویای وحدت تشکیلا تی نیست بلکه کیفیت تازه ای در زندگی کـارمندان خلاق است .اتحادیه وظیفه دارد که از امکانات مو جوده هر چه بهتر وموثرتر برای انکشاف و شگو فانی انواع هنر استفـاده نمـــا یــد .

هنر امروز ما هنر مبـــارز و انقلابی است . این هنر بمرد م ما برای وحدت بخاطر پیرو زی برعقب ماندگی و امحای بقا یای فیودالی و ساختمان جا معـــه نوین کمك مینما يد .

همز مان بااین ، هنر سلا ح معنوی در مبارزه علیه دشمنـان ما نیز میباشد . دشمن در نبر د رویا روی موضع خود را از دست داده و شدت مبارزه را در ساحـه اید یولوژی تمـر کـز داده و میخواهد هنر و نمایند گـان آن را فاسد نموده ودر جهـت ضد انقلاب و مردم بکشانند .

اتحاد یه باید کار خود را طوری سازمان بدهد که‌پاکی‌معنوی تمام انواع واشکال هنر را حفظ نموده این سلاح مهم را همیشه پرو بطرف دشمنان ما متو جـه بنماید . مقصد عمده هنر عبارت از اینست که زندگی را بصورت واقعی انعکاس دهد . تنها همین گونه هنر میتواند ادامه یابد واز احترام و حمایت مردم بر خوردار بـا شـــد .

انکشا ف فر هنگ‌و هنر تما م خلقها و ملیت های کشور ما از مهمتر ین وظا یف محسو ب می گردد .

هنر مرد می ما نند مروا ر ید درخشا نی است که هر گوشه ا ی از آن ازطر ف هر ملتی سفته گر دیده است .

اکنون وقت آن رسیده که رو ی این مو ضوع فکر بکنیم که پیش از انقلاب ثو ر و ضع ر شد هنر افغا نستا ن چگو نه بو ده و بعد از انقلاب که زنجیر ها را ا ز هم گسسته وبزند گی تازه وا رد شده ایم ،چگو نه است ؟ ما از نیاکا ن خود سپا سگزا ر یم که میرا ث‌بزرگ هنری را به ما به یاد گار مانده اند.آیا شخصی را می توا ن پیدا کرد که هنر را دوست ندا شته باشد ، آ نرانفهمد وبه‌آن احتیا ج ندا شته باشد ؟ حیا ت‌بدو ن هنر نا ممکن است و جا معه به هنر ما نند آب و نان ضرور ت دارد. آثار هنر ی راتنها انسان به خا طر انسان میافریند .

حزب‌و دو لت ما تصمیم قا طع گرفته اند که انوا ع هنر ها ر ا رشد وتقو یت بخشیده وآثارهنری رابدستر س تمام مردم‌قرار د هند.

زما مدارا ن رژیمها ی گذ شته از هنر و هنر مند و نمایند گا ن بر جسته هنر پیشین به مثل‌استاد قاسم، عبدالرحمن بینا، ا کرم‌ نقاش ،سید شر یف‌حا ر ث که همه ایشا ن درفقر وبینوا یی از حیات چشم پو شیده ا ند . هیچ پاسدار ی نکرده اند.

راه ما را هیست که در اصو ل اساسی جمهور ی دمو کرا تیک افغا نستا ن تعیین گر دیده‌است، مابه اربابا ن هنر خود خوشنو دی وسعاد ت آرزو مند یم آ نها سر ما یه های بزرگ کشو ر و مثل ما تر بیت یافته این آب و خاکند .

ماحق ندا ریم که نا مهای‌بهزاد، استاد مشعل ، سلجو قی، استا د غو ث‌الدین، همایون‌ا عتماد ی ، جیلانی روحانی ، استادکریمشا ه، شبنم غز نو ی ،غلام علی‌ا مید، یوسف کهزاد ،سید محمد ایشان، اسد الله صا فی ،حفیظ الله‌و فا، استاد بیسید ، استاد ر فیق صاد ق ، استاد هاشم‌وهنر مندا ن دیگر را فرا مو ش بکنیم بلکه‌آنها را همیشه بیاد داشته باشیم ، از آنهاپشتیبانی به عمل آور یم وبرای شان ارزش قایل باشیم.

استعداد ثرو ت مردم است و حفاظت وغمخوار ی را تقا ضا میکند . هنر مندا ن حق دا رندکه کمک‌وغمخوار ی و تو جه انسا نی توقع نمایند.

کمیته مر کزی ح.د.خ .اوحکو مت ج.د.ا به هنر و هنر مندا ن ار ج والایی قایل اندو از دیگرا ن نیز دعو ت به عمل میاور ند تابه هنر وهنر مندا ن چنین علاقه نز د یك‌و غمخوارانه داشته باشند .

حال باپیشر فت انقلا ب ثو ر طرح انکشا ف آینده هنر د ر افغا نستا ن پیشرو ی ما قرا ر گرفته است . در تاریخ میهن ما این او لین بار است که هنرمندان مابااین عظمت در یك‌تالا ر ز یر یك سقف جمع آمده اند تا جهت همکار ی به‌یکد یگر برای رشدهنر وبنیاد گذار ی اتحاد یه هنر مندا ن مشوره نمایند . هنر مندان از مدت زیاد ی باین طر ف می خواستند که اتحاد یه ای دا شته باشندو لی رژیمها ی گذ شته باین خواست بر حق شا ن‌اهمیت قایل نبو دند اکنو ن که حز ب و دو لت انقلابی ما کمر به خد مت مردم افغا نستا ن بسته است‌برای تشکل واتحاد اقشا ر اجتما عی هر گو نه کمك لاز م را مینما ید چنا نکه تدو یر کنگر ه موسس اتحاد یه هنر مندا ن یکی از ا ین اقداما ت حزب و دو لت بشما ر میرود .روشن است که با دا یر نمودن کنگره وظیفه ماخاتمه نمی یابد بلکه این او لین قدم جهت متحد شدن هنر مندا ن به خا طر ایجاد مناسبا ت دوستا نه‌وهمکاری بین کار مندان هنر است .

مهندسی ، نقاشی و مجسمه سازی:

کار مندان خلاق همیشه می توا نند وظیفه خود را باسا نی انجام‌بد هند بشرط آ نکه احسا س نمایند که دو لت برای حفظ یاد گار های تاریخی کلتور ی‌و هنری دست میزند .نقا شی و مجسمه ساز ی در افغا نستا ن نمو نه‌های بزرگ و تاریخ چندهزار سا له دارد.

یاد گار های مهند سی‌شهاد ت مید هند که افغا نستا ن مهد هنر شرق بوده است حفر یا ت‌باستا ن شناسی ثا بید نمود که غزنی‌از مشهور تر ین و قدیمتر ین شهر های مشر ق ز مین است آثار هنر قد یمی که تاروز گار ما رسیدنمونه های زیبا ترین صنعت مجسمه سازی، مهندسی و مینا تو ری‌را معنی مینما ید . در ین‌یاد گارهای بر جسته گذ شته می توا ن قصر

لشگرگاه را در بست، مناره هــای غزنی، منارجام، مسجد هرات،مقبره گوهر شاد، مسجد و مقبره خــواجه ابو نصر پارسا در بلخ و غیره را نام برد. آثار میناتوری بـهزاد در هرات ، آثار طلا تپه که از بیست هزار اقسام مختلف، مجسمه بـــا عظمت بودا در کوه با میان و غیره وغیره نیز از آثارفوق الذ کـــر قدیمه محسوب می شوند.

شاگرد میناتور یست زیر دست کمال الدین بهزاد قاسم علـــی مهند س معا صر عصمت الله‌سراج نقاشا ن بر جسته ترین دو ران‌اخیر عبدالغفور بر شنا، مـجسمه سازان محمد حیدر ، محمد اندلی ر ضــا قندهاری، و کیل فــرالزی، سعید مشعل ، استاد غوث الدین را کـــه توان و زنـد گی خود بــرای هنـر صرف نمودها ند همه میشنا سند.

نیاکا ن ما میرا ث بزر گی را بما بیاد گار گذا شته اند. هزا ر ها سال گذ شته ما نام همه آنهارا نمیدا نیم و نه همه یاد گار هــای تاریخی به مارسیده اندو لی مابایذ وارثان لایق این آفر ینشها ی‌بزرگ باشیم‌به جوانا ن بیا موز یم و بـا استفا ده از ین آثار کلا سیك‌آنها را در س بد هیم و لی باید گفت‌که نمایندگا ن هنر تصو یری امر وز وظایف تازه ای نیز دارند. بـایـد آثار گذ شته را آموخته در مجسمه هاو تابلو های خود تعمیرا ت‌عصری وتحولا تی را که امروز ماشا هد آن هستیم نیز تصو یر بنما ییم هنر می تواند وو ظیفه دا رد که مردم‌را به زیبایی دو ستی د عـوت‌وتربیت بکنند.

دایر نمودن نمایشگاه هاد ر کابل و شهر ها ی دیگر کشو ر ساز ما ن داد ن نمایشگاه هـا ی کوچك سیار درولا یا ت ازوظایفی است که‌د ر پیش روی ما قـر ا ر دارد هنر مند ی که اثر خود رادر نقاط دور دست کشو ر نما یشــ مید هد فکرو الهـا م تازه بر ا ی ادا مه کار خود کسب میکند ما به نسل بزر گسا ل هنر مندا ن‌خلاق خود محمد عظیم ابکان، عزیزاباکان میر حمد ین خان، میر یار بیگ‌خان وبسیار دیگر استادا ن احترام‌خود راعرض دا شته به نقاشا ن معاصر مانند خیر محمد یاری، محمدیوسف کوهزاد، قربانعلی عزیزی ا ستـاد عبدالغفور، غوث الدین ، غلام محمد میمنگی ،محمدعلی عطار وغیره‌که‌کار بزرگ گذ شتگا ن را ادا مه میدهند بدیده قدر مینگر یم.

همچنین از و ظایف ماست که استا دان نو را تر بیت بکنیم‌زیرا که هنر چند ین قر نه ما بدست آنها سپر ده می شود بنا بر این باید به شعبه هنر های ز یبا ی پو هنتو ن که درآنجا دوکتو ر شمهرانی کار خلا قانه را انجا م میدهد و همچنا ن به‌م کاتــب رسا می و نقا شی کابل کمــك همه جانبه صور ت بگیرد.پروسه تحصیل از صنف اول تا ختــم پو هنتو ن باید به طور وا حــد صور ت بگیرد تا جوا نا ن را بهتر ین استادا ن ،تعلیم وتر بیه بد هند و هنر ما بد ست‌اشخاص با اعتماد و با استعدادو خرد مند رشدو شگو فا نی داده شو د . به مجرد متحد شد ن دریك‌اتحادیه خلاق بایست در مورد کمك بــه انوا ع دیگر هنر ، منجمله‌تربیه هنر مندا ن تیاتر نیز فکـــر کرد.

همچنین از عنعنات بــزرگ وباستانی هنر تو ده ای ما نیـز باید یاد آور بشو یم هرو لا یت عنعنه مخلوق خود را دارد.

قالین های مزار شر یف وشبرغان، سر پل و هرات ، کنده کاری قندهارو غز نی ،مصنو عا ت‌چوبی نور ستا ن خسبا فی های ننگرهار را تمام جها ن میشناسد .

چقدر دستا ن با استعدا د و زحمت کش اینگو نه آثار هنری‌را ایجاد میکنند ،چقدر مردم ما باین شا هکار ها علاقه‌د ارند که هر کدام چون گلی در سر ز میــن افغا نستا ن رسته اندو بارنگ زیبا و ما هرانه استعداد هــای خلق دران ارائه یافته اند . قد ر شنا سی از این استعداد هاو به کمال رساند ن آنهاو ظیفه آیند ه اتحاد یه خلاق می باشد.ضرو ر است که‌باآثار خلاق خلقهــا ی افغا نستا ن و جهان آ شنابشوند دایر کردن مسابقات نما یشــ بهتر ین آثارو تعیین جایزه بــه آنها وو قتا فو قتا تشکیل داد ن نمایشگاه ها در تشو یق استعداد ها نقش ارزنده‌ای‌دارد .

اتحاد یه ای که ایجاد میگر دد روی این مو ضو ع باید فکربکند.

سخنی چند را جع بـــه مهندسی :

یاد گار ها ی مهند سی‌گذشته را هر روز باچشما ن سر مــی بینیم که آنها چون وصایای‌نیاکان عنعنا ت عا لی قد یمی را حفــظ نموده اند .وقتی خوا هد رسیدکه

مااین یاد گار ها ی پر ارز ش را تر میم بنماییمو لی در حال‌حاضر در پیشرو ی ماو ظا یف در جه اول بسیار مهم پرو بلمهای اجتماعی قرار دارند . در ز مینه البته کار ها یی صور ت گر فته وکار ها یی انجام داده خوا هند شد.

سیمای پایتخت ما شهر کا بل تغیر خوا هد خورد و زیبا تر خوا هد شد .پو هنتو ن‌وانستیتوت پولی تخنیك ،تخنیکم میخا نیکی، میدان هوا یی ،هو تل ها،فابریکه خانه ساز ی برای این منظو ر فعا لیت دارند و سا ختما ن‌خانه های رها یشی ادا مه دارد.تاسیس بناها ی عصر ی و زیبا با استفاده از مواد تازه و مصا لح عنعنوی ملی به خصو ص هنگام رو یه کاری از قبیل کا شیکاری با رنگ آبی ، مر مر سیاه وغیره‌توام‌ترویج خوا هد شد .

تو سعه پایتخت طبق نقشه اسا سی عملی میگر دد که به همکار ی متخصصین شو رو ی ترتیب شده است .ما میدا نیم که این کار تنها اولین مر حله انکشا ف مهند سی معا صرونوین افغا نستا ن است .

هنر موسیقی :

شهری وحتی کو چکتر ین قریه دور دست راپیدا نخوا هیم کرد که در آ نجا صدای دلنوا ز وشو خ سرود عاشقا نه شنید ه نه شود، آهنگ تنبور و رباب غیچك و دلر با و یا مسابقه‌دلچسپ دهل‌و زیر بغلی به گو ش‌نرسد . جه آ هنگ و سرود هاواستا ن های مو سیقی در کلتور مردم ما سابقه طولانی دارد .سرود ها از نسل به نسل ، از پدر به‌پسر ، از استاد به شاگرد انتقال یا فته اند. عنعنا ت مو سیقی ملی افغا نستا ن بز رگ است آ هنگ ونغمه ها ی فرحفزاو رو حبخش که‌بانسا ن سرور و شاد ما نی می بخشد ،بیشمار اند . موسیقی این روح مردم ، این یاد بو د گذ شتگا ن این سرود فر حبخش روز مره این دعو ت به آینده ای تابنا ك می باشد.

ما از استا دانی که عمر خود را صر ف این هنر کرده اند ا ز قبیل‌ا ستا د قاسم،استاد سر آهنگ ،استاد در ی لو گر ی ، استاد اول میر، استاد نتو، میرزا نظر ،استاد محمد عمر ، استا د شیدا وغیره‌وآنها یی که امروز فعا لیت دارند از قبیل حفیظ‌الله خیال ، استاد رحیم بخش،استاد هاشم ،بازگل بد خشی، بابه نعیم سیف الدین، ناشنا س ، ظا هر هو یدا ، استاد مهو ش‌و دیگران قد رشنا سی خوا هیم نمود .

اکنون که‌س مرایند گا ن‌موسیقی نوازا ن ازپشتیبا نی حکو مت‌خود برخورد ارند و به شخص خو د شان و فعالیت خلا قانه ایشا ن غمخوار ی احساس کرده اند ، می توا نند کار های بسیار را انجام بد هند . مابز ند گی فقیرا نه‌ای خوانندگا ن و نواز ندگا ن‌خاتمه خوا هیم داد و سعی خوا هیم‌کرد استعدادشا ن غنی وزندگی شان بهبود یابد.

در مدت کوتا هی افغان مو زیك در شش ارکستر خود یکصد و پنجاه آ هنگساز و نواز نده را جمع آورد که آ هنگها ی کلا سیك و معاصر تمام مردما ن کشو ر را اجرا میکنند .اولین بار کدرکودکان ایجاد شده است ، را جع به‌بسیار چیز ها امروز می توا ن گفت که اولین مر تبه ایجاد شده اند . چه بسیار آ هنگ و سرو د های جدید افغانی در تلویز یو ن‌و راد یو وکست ها ثبت گر دیده اند.اکنون این نغمه ها نمی میر ند وبرای‌نسل های آینده عصر هاباقی خوا هند ماند وآنها را مردما ن تمام جها ن استماع خوا هند نمود .پیش ما ودو ستدارا ن سرود ها ی احمد ظاهر وفضل احمد نی نواز که نابهنگام و فاجعه آمیز تر ك حیات گفتند با قی مانده است .ماتام‌آنها را با احترا م‌بزبان میاور یم وبه قاتلان آ نها نفر ین ها میفرستم.

افغا نستا ن نواز ندگا ن وخوانندگان زیادی دارد که اگر ما اینجا نام تمام خوانندگا ن محبو ب مان رابگیریم وقت‌بسیار بکار است‌ولی آنچه که قبلا گفته‌شد این معنی‌را ندارد که تمام کار ها ی ما خو ب وسا ده هستند اشخا صی که د ر این رشته مصروف اند باید کار ها ی‌زیاد انجام بد هند که با تشر یك مسا عی هنر توده ای حفظ شود .آ هنگسازا ن‌ونواز ند گا ن‌و آواز خوانا ن جوان تمام ملیت ها ازولا یا ت افغا نستا ن بایدتربیت شوند .امکان نباید داد که حتی‌یك استعداد مرد می ضا یع گر دد . مسا عی افغان مو زیك و مکتب مو سیقی جهت جلب نمودن‌بهترین استعداد ها درقسمت نوا زندگی وسرایند گی که از انظار بدورمانده اند به منظور ا نکشاف وپیشرفت

مو سیقی افغانی متحد شو د ،و انسجام یا بد . ا تـحادیه موظف است که‌برای مسا عی مشترك و کار خلا قانه ارتقا ی سطح مسلك هنر مندا ن و تو سعه دا نش آنها همکار ی نماید .آنهارا بابهتر ین آثار توده ای وکلا سیك کمپـو ز سازان و نو ا زند گـان و قـبل از همه با مردما ن همسا یه که از لحاظ عنعنا ت و هنر قرابت دارند آشنا نمایند .برای انجام این امر فعالیت موثر هر شخص و قبل از همه استادان سر شنا ختـه مو سیقی مثل استاد سر مست ، ننگیالی ،استاد فاروق اسدو کار- مندا ن اجتما عی‌ضرورت است .

اشکال جدید فعا لیت استادان موسیقی مارا مخصو صا باید تذکر داد.منظور ما نه تنها کنسر ت های آنها در تیاتر ها ، تلویز یو ن و رادیو بلکه شرکت جستـن آ نـها در کنسر تها ی جشنی‌درقطعا ت اردو این محافظین میهن مـــاو فابریکه ها می باشد . بنابر ا ین از ایشا ن سپاسگذار یم و شا د باشیها ی خو یشرا به آ نهاتقدیم میداریم.

جای خو شنود ی است که د ر سرود ها محتو یا ت تازه کـــه منعکس کننده ار ما نهای انقـلاب وپیروزیها ی می باشد به‌و جو د آمده اند .ضرور است که در باره امروز ما در باره سر بازا ن‌قهرمان وجسور ما ، در باره تحو لا تــی که پیش چشما ن ماصور ت مــی گیرند ، در باره کاروزند گی‌و طن محبوب ما افغا نستا ن ، سر ود های بیشتر ایجادبشو ند .و ظیفه اتحاد یه است که در مو ردفعالیت مشتر ك در سا حه مو سیقی ، ترتیب پلان آینده کار فکر بکندو وظا یفی را که قبل از همه جهت ترقی و پیشر فت مو سیقی انجام داده شود ، به طور جدی مو ر د بحث قرار بدهد.

در کشور ما نمایش تیا ترتاریخ قدیمی دارد . هنر امروز تیاتر ی که بعد از سا ل ۱۹۱۹ یعنی‌کسب استقلال به‌و جود آمده در سا ل های ۱۹۴۰-۱۹۵۰ تو سط ر شید لطیفی، عبدالرحمن بینا و دیگـــر در اما تورا ن افغا ن تشکل یافت.

بازهم صحبت خواهیم کرد.



نویسنده : ای. ای .
ساو ستیا نـو ف

نظر یهٔ باز تاب و هنر

گرداننده به دری پوهاند محمد رحیم ، الهـام

تیوری علمی باز تاب مو یــد ضوابط مشخص فلسفی ییست که دا هیت شعور انسان ، طرزعملها و خصو صیت شنا خت انسان را ازجهان توضیح میکنــد .اصـول اساسی این تیوری بـاز تــاب عبارت انداز اساس نظری فهم سیما های خاص هنر بـه حیث شکل خاص شنا خت انسان از واقعیت . ار تباط فی ما بین قوانین عام اساسی تیوری معرفـت و طرز تحقق آنها در هنر عبارت ازارتباط فی مابین عام و خـاص است .تیوری هنر مختص بودن باز تاب هنری ـ مجازی واقعیت را توضیح و سیما هایی راآشکار میسازد که شکل هنر را ازسایر اشکال شعور اجتما عی متما یـز میگر دا نند .

ما هیت مشخص باز تــاب هنری ـ مجازی جهان بیشتـر از همه ازخصو صیات پدیده هـای باز تا بیده ،یعنی موضوع هنـر ر یشه میگیـــــر د .

محمول هنر جهان وا قعـی ، محیط طبیعی وا جتماعی انسا ن است ازاین لحاظ هنر با سـایـر اشکال شعور اجتما عی همگو ن است . اما محمول هنرو موضوع هنریك چیز نیستند .موضـوع هنر جهان خارجــی محســو س اشکال مربوط بهروا نشنا ســی انسان است . به این صـورت ، تعریف موضوع هنر دوبخـــش دا رد : یکی وا قعیت عینـــی و دیگر درك آنبه اشکال معین .به نظر ما ، خوبی این تعر یـف در ما هیت دو جنبه یی آن است . زیرا جهتیا بیهای یك جنبهیی در مورد مسا له هنر به مطلـــق انکاری اهمیت محمول هنـر یـا هنر مند منجر گردیده است .

تصور هنر ، به نهجی کــه انسان به حیث مو ضوع خـاص آن دانسته شود ، ساحه زیبایی شناسی را به طور قابل ملا حظه یی ضیق میسا زد .

تاریخ هنـر وادبیـات نشـان میدهد که موضوع هنر انسـان در نظام روا بط اجتما عـی او ، انسان در محیط اجتما عی وطبیعی اوست . انسان در هنر تمــام وا قعیت (طبیعی و اجتما عـی) راباز سازی میکنـد ودر واقـع خو یشتن را در جها نی کـــه افریده است میگنجا ند .انکشاف دا نش و تخنیك در گستــر ش ساحه زیبا یی شنا سی وخصوصیت درك انسان ازپدیدم هـای گو نا گون زنده گی تا ثیر بـــه سزایی دا رد . اما محمول اساسی هنر تکنو لوژی نیست ، بـلکـه انسان ، خرد و جهان عقلی اوست فضای خارجی ،سر عت هـای که پیش ازاین غیر قابل تصوربودند ، وبنا بر این توا نایی روز افزون انسان در شناخت فـراخنای جهان طبیعی ، اعمـــاق بحر ها و کهکشانهـای ستـاره گان ، تمام اینها نمیتوا ننـــد مستقیما محمول هنر گرد نـد ، بلکه تنها از طریق انسان ، بـه حیث جهان روابط ، تجـارب ، اعمال و اخلاقیات ، بـه حیـث تا ثیر متقا بل خصو صیت هــا محمول هنر میگر دند . تنها به این صورت اکتشا فات دانش و تخنیك بخش محمول هنر و حایز تخنیك هیچگا هـــی ر شـــد اد بیات و هنر را مستقیمـــا تثبیت نکرده اند . اینها صر ف بر رشد فر هنگ به صورت غیر مستقیم تاثیر کرده میتوا نند ، چنا نچه در مورد سینما و تلویزیون که تخنیك نویـن اساس مادی آنها را فـراهم گـردانیـد دستا ورد های دانش ، تخنیکهای نوین و مواد نویـن)مثلاپـلاستیك)در جنبه های تخنیکـــی هنر بـه کار برده شدهمیتوانند به حیث مثال ، مواد مصنو عیو پولیمر هـای نوین تـزئینهـای تیاتر را بهبود بخشیده است ،و مانند آن . و سایل مادی مهیـا برای هنر مندان گرا فیك ، در

اثر ترقی ماشینها ی نسخه
بر داری خیلیها گستر ده ترو
گو نا گونتر شده است .
ممکن است دست آورد ها ی
دانش و تخنیك حواس انسان
را تیزتر و تخیل ابدا عیش
را غنیتر سازد . این سخن را
کشف درجه های جدید شدت
رنگها و تر کیبات جدید رنگها
(مثلا در هنر تحسی) و ظهو ر
عوامل کمکی غیر منتظره دراد-
بیات و هنر ها به اثبات میر-
ساند . دگر گونی وا قعیت
و مفا هیم وا قعیت اشکا لی رابه
طور غیر مستقیم دگر گون
میسا زد که در آن نما یش داد ه
شده باشد و سا ختار تخیل را
تجدید مینما ید . ژانر های نو-
ین شکل گر فته ، روابط بین
اشکال گو نا گون هنر دگر گون
شده ، اشکال نوین هنر پد یدار
شده میتوا ند .

اما دگر گونی در تصورات انسان
از هنرو حساسیتش به تنا سب
دگر گونی در خود وا قعیت
و مفاهیم علمی آن به کندی قابل
ملا حظه یی به و قوع میپیوندد.
انسان در برابر دگر گونی
وا قعیت و مفا هیم علمی آن ، به
حیث یك مو جود اجتما عی ساکن
در یك محیط مشخص و متعلق
به یك طبقه معین به ابراز عکس
العمل میپر دا زد . دستا وردهای
نوین دا نش و تخنیك در تفکر
و عواطف هنری نه به صور ت
مستقیم ، بلکه از طر یق نقش
هنر به گونه گون طر یق
تو سط ساحه یی که مو قف میانه
یی رابین زیر بنای اقتصا دی
وایدیو لوژی - ساحه روا -
نشنا سی اجتما عی - اشغال
میکند ، تثبیت میگر دد . زیرا
واقعیت درنظرهنرمند نه‌صرف‌به
حیث جهان خارجی ، بلکه به
حیث جها نی که از نگاه عا طفی
تجربه شده و بر اساس آن عقلا
توجیه گردیده است ،نمودار -
میگر دد. بگذارگفتار ، هیگل‌رادر
باره نقاشی به‌یاد آریم . به‌نظر
هیگل (در سخن از توانایی نقا-
شی درهمگو نسازی جهان-
درون انسان) چنان مینمود که
تضادی در این واقعیت و جود
دا رد که بزر گترین هنر مندا ن
به کثرت و در اول محیط خارجی
انسان را به حیث محمول نقا شی
خو یش بر میگز یدند . کو هها ،
دره ها ، علفزار ها ، جو یبار ها ،
درختان ، تپه‌ها ، کشتیها ، بحر ،
ابرها ، آسمان ، عمارات ، اتا-
قها ، امثال آنها را . معهذ ادر
تمام این آثار هنری جو هروا -
قعی آنها خود این اشیا نیست ،
بلکه نشاط و تعهد هنر مند و
عوا طف اوست ، که در اثر
انعکاس یافته و نه تنها یك کا-
پی‌ساده وتصنعی اشیا را تقد یم
میکند ، بلکه در عین زمان جهان
درونی او را نما یان میسا زد .

هنر در صور خیال وا شکال
خویش روحیات اجتماعی وسمت
عوا طف عامه را متمر کز واحتوا
میکند . در نشان دا دن مسا یل
وا حتیا جات چندین بعدی عصر
کمك میکند . به سان آیینه
حسا سی است که رو حیات
اجتماعی و تکامل آنرا منعکس
میسا زد .

د شواری تحقیق در مسا یل
تیوری هنر در این وا قعیت
مضمر است که در عین حال مسا-
یل روا نشناختی نیز انـد .
قضا وت ، اند یشه ورا ستی به
شکلی در هنر نمودار میگر دند
که رنگ عا طفی داشته با شند .
وحدت فکر و عاطفه ، خود آگا ه و
نا خود آگاه ، تقلی وشهودی
تمام سا ختار هنر را پر میکند
درك هنر مند از جهان ، عملیه
ابداعی و درك پذیر نده از اثر
هنری . این به فراوان شیوه ها
این حقیقت را توضیح میکند که
زیبایی شناسی تا کنون فا قد
اصطلاحات د قیق است . بسیا-
ری از تعریف ها مشو ش است
و مردم در باره جوهر زیبا یی .
این پدیده فر یبا و جاویدا نی
هنر منا قشه میکنند . و فی
الواقع ، کدام افزاری میتوا ند
چنان عاطفه و چنان الها می را
اندازه گیری کندکه هنرمندرادر
عملیه تخلیق استیلا مینما ید ،
یا حظ و لذتی را سنجش نما ید
که بیننده و شنو نده از برخورد
باز یبا یی میبر د ؟

تیوری اطلا عات هنر را
مجموعه چند فقره از چیز ها یی
(از قبیل کلمه ، صوت ، رنگ ،
پدیده فضائی وغیره) میدا نند
که به کمك مجرا های متنوع
(دیدن ، شنیدن ، بسودن) به
حیث یك وسیله ارتباط ، یك
وسیله انتقال اطلا عات ، بین
مردم عمل میکند . گو نه ها ی
انتقال اطلا عات مطابق به معاییر
گو نا گون : زمینی ، فضا یی ،
فضائی - زمینی ، عادی‌وغیر
عادی ، یعنی واجد اطلا عات تا-
زه ، و غیره ، اختلاف دا رند .
توسط این گونه های بر قراری
ارتباط ، اطلاعات به صورت
مقداری قابل سنجش معلو م
میشود . اما تیوری اطلا عا ت
عناصر ایدیو لوژیکی وعاطفی
هنر راطرد میکند دراین تیوری

زیبایی به ساختمان چند پارچه از اطلا عات، و ابداع هنری به بنای گونه‌ها ی معینی از بر قراری ار تباط، تقلیل میابد. محتوای عاطفی و عنصر فردی ابداعی یك اثر، تخیل وسایر سیما های کیفی اثرهنری تمام آنها دراین تیوری‌از تحلیل زیبا یی شنا ختی خار ج ساخته میشو ند.

شاید تیوری اطلا عات یك افزار فرعی سودمند زیبایی شنا سی باشد، ولی نمیتوا نند ادعا کند که تیوری زیبا ئی شناسی کمال مطلو ب معا صر است، زیرا درك حسی هنر مند و بیننده در داخل خود نه تنها واجد اطلا عات مسا یل سنجش مقداری، بلکه تحول کیفی‌آن- ارزیابی عا طفی و تشخیص حسی جهان وا قعی - نیز است. هنر را نمیشود به اطلاع تقلیل داد، زیرا برای انسان به‌طرح سوا- لات میپر دازد، به وی لذ ت میدهد و طرز دید عا طفیش را بر جهان تا یید میکند.

نا گفته پیدا ست که صور ت خیال هنری عکس حقایق و پد- یده در آیینه یا تو لید دیگر باره فوتو گرا فیك آنها نیست. از طریق مشا هدات و تا ثرات، و به کمك حا فظهٔ عا طفیش واقعیت عینی به هنرمند ازبرای ابداع خیال هنری مواد مید هد.

هنرمند موادی را که از زنده‌گی گر فته است بر اساس جهـا ن بینی طبقاتی خویش و درك قوا- نین مسلط بر وا قعیت عینی، تغییر کیفی مید هد.

هنر موضوع خود را در خا- صیت و جوهر عملیه مشخص تا- ثیر متقا بل انسان بر جهان خار- جی میبابد. این تاثیر متقا بل به

-هنر-

اشکال گونا گونی تحقق میبا بد که در زیبایی شنا سی توسطیکی یا ترکیبی از مقوله های زیبا، عالی، قهرما نانه، ترا ژیك کمیك، وا مثال آن اماده میشود مقو لـه هـا ی اسـا سی زیبا یی شناسی توجیه و کلیه تیوریکی خصوصیت تا ثیر متقا بل انسان و جهان وا قعی را ایضاح میکند. اما منا بع بـا معنایی هنررا نیز نشان میدهند. وسر انجام، اگر صورت خیا ل عادی اداکی فقط انعکاس شی باشد، پس‌صورت خیال هنری نتیجه شناخت قضاو تی هستی توسط انسان، نتیجـه ادرا ك ذهنیش و ارزیا بی «عیـن» (آبجکت) میبا شد. به الفا ظ دیگر، محمول شنا خت تو سط دانش و هنر یك چیز - جهـا ن خارجی است، اما مو ضو عات شناخت و همگو نسازی در آنها تفا وت دارد.

شناخت هنری عملیه یست‌که قوا نین و روابط طبیعی پدیده ها را نمودار نمیسازد، بلکه معنای این پدیده ها را برای انسان نمو دار میسازد. دا نش میکو- شد تا جوهر پد یده ها را بدون نظر داشت بر طرز تلقی ذهنی انسان راجع به آنها درك نما ید. هنر ارتباط فی ما بین انسان و جو هر یك پـد یـده را نمو دار میسا زد. این هم مهم است که تفا وتهای معین ازلحاظ تیوری معرفت را در مورد محتو یات هنر و دا نش به خاطر دا شته باشیم. در حالی که محتوا ی دانش وا قعیت عینی است، هنر محتوای دو بعدی شنا خت دارد؛ دانش جنبه های ارزش شنا ختی هستی و خود شنا سی هنر مند که نمودار نظام شخصی واجتما- عی (طبقاتی) ارزیا بیها ی جهان واقعی است. هنر را دیا- لکتیك شناخت و ارز یابی جهان واقعی مشخصیت میبخشد.

تفا وت بین شناخت علمی و هنری نه تنها در مو ضوع شنا- خت نهفته است، بلکه در چگونه گی (وضع) شناخت و همگو- نسازی وا قعیت نیز مضمر است.

درحالی که شکل شناخت علمی انتزاعی و منطقی است، شکل شناسی هنری مشخص و مجازی است. تفکرعلمی‌در مقولات‌منطقی (مفا هیم و ارزیا بی، نتا یج و غیره) عمل میکند، اما هنـر واقعیت را در صور خیال هنری، که به وسیله ذاتیت اسا سی آنها، مشخصیت حسی آنها وبه وسیله تاثیر مستقیم شان بـر حواس انسان، بر بینایی و شنوایی، تشخیص میگر دند، انعکاس مید هد. در عین زمان صورت خیال هنری تفکر محض نیست، بلکه تعمیم هنری، نفوذ در جوهر اشیا و افشای معنا ی ژر فتر حاد ثات زنده گی است. صورت خیال هنری عبار ت از اتصال دیا لکتیکی تفکر اساسی واند یشه انتزاعی در شکـل مشخص - حسی بیان زیبا یی شنا ختی است.

خالی از دلچسپی نخوا هد بود اگر شوا هدی را در نظر گیریم که روا نشنا سی، علم وظایف الاعضا و تیوری اطلاعات معاصر به دست مید هند و ثابت میکنند که استعداد انسان برای گز ینش و تحدید اطلا عاتی که از جهان حاصل میکند و بـرای تعمیم بر داشتها یش از واقعیت بیش از پیش در سطح شنا خت حسی و جود دارد. شا ید بسیا- ری از ممیزات تعمیم در ایـن

سطح به حیث مقدمه مطا لعـه ما هیت ویژه تعمیم هنری بـه کـا ر رود .
نخستین و مانو سترین چیز به ما احساس است و در آن نا- گزیر کیفیت نیز است . درمرحله احساس ، تعمیم شکل همگو- نسازی دارد ، که ازیکسو تو سط این حقیقت مشخص میگر د دکه تعمیم بر اساس کیفیت مو کد ، و از سوی دیگر به وسیله این حقیقت که گز ینش وتحد ید در احساس بر اساس ضا بطـه آنچه که در فعا لیتها و ضرور- یات حیات انسان دلنشینتـر و مطلو بتر است صورت میگیرد . این حقیقت ثابت میسازد که در احسا سها گز ینش وتحد یـد ابتدایی و غیر شعوری تا ثیرات وا قعیت با روابط خاص بیـن انسان وعین (شی) به وسیلـه ارزیابی ابتدایی عین‌شی تو سط انسان همراه میباشد . عمل گز- ینش بـا لذات ضروری اسـت ، زیرا آنچه برای انسان ضرور ی است توسط آن تثبیت میگر دد.
در عین زمان تعمیمها وهمگو نساز یها در سطح احسا سهـا تنها مجازی ابتدای محض نیستند بلکه پدیدم های اشاری ، غیـر مجازی ، انتزاعی نیز اند . اینا پدیده ها کیفیت خارجی عا می را افاده میکنند که هنوزاز عین مفـرد تجر یـد نشده اند ، بلکه قبلا تعمیم ابتدایی تجربه اجتما- عی انسان را ، به شمول تجر بـه علامه سازی از رنگ و صـو ت موجود در جهان خارجی ، افاده میکنند .
برای تشخیص شرایط عینـی تعمیم هنری ، باید تمام خصو- صیات تعیمیم را در مر حلـه ادراك ، در راس « اصل تکامل »
را که مشخصه آن را تشکیـل فعالانه صورت خیال به وسیلـه ثبات مو قتی ، عواطف و ترکیب اجزای مجزایی که توسط جو هر مشترکی به هم اتصال یا فتـه اند در نظر بگیر یم .
نقش و خصو صیت تعمیم در عملیه ادراك به حدی اسا سـی است که بسیاری از محققان ، در راس روا نشنا سان ، مفهـوم « ادراك مولد » را به قیـا س « تفکر مولد » معرفی نموده اند. در پر تو این روش مساله تکوین صورت خیال یك شی خـاص را مساله زایش صورت خیال یـك شی نوین تکمیل مینما ید . نـه تنها ادراك یك شکل ، بلکه دیدن یك شکل نوین ، یعنی عملیـه تکو ین صورت خیال در ادراك ، مورد تحقیق قرار گرفته است .
در ادراك مولد ، در زایـش صورت خیال نوین نظام بصری سهم به خصو صی میگیـر د . « این سهمیگیری به تولیـد دو باره واقعیت منحصر نیسـت . نظام بصری وظایف مهم تولیدی را به سر میر ساند و مفا هیمی از قبیـل تفکـر بصـری یـا « تخیل تصو یـری » نیکـو - لای کو کول » به هیچ صـور ت غیر واقعی نیستند.
تحقیقات در باره فعالیت های نظام بصری نشان مید هد که - عملیه ادراك مشتمل بر کـشف و تجرید پارچه های اطلا عاتی ست که با اهداف فعا لیتها ، بازرسی اطلا عات تجرید شده ، و ساخت واقعی یك صورت خیال مطابقت داشته میبا شد . مهمترین صفات ادراك عبارت اند از توا نایی در باز سازی صور تهای خیـا ل و نمونه های جهان خارجی و توا- نایی در دگر گون سازی طـر ق
ساختن و تشخیص آنها . عیـن یك چیز به حیث نمونه نخستین بسیاری از صور تهای خیـا ل ادرا کی اجرای وظیفه میکند .
در ضمن انکشاف ادراك فرد اشخاص مختلف‌معیارهای چگونگی شکل و مطا بقت مختص بـه خود را ، که عاد تا جهان بینـی فردی نامیده میشوند ، بـرو ز مید هند . اعمال بصری ، مبتنی بر تجربه ادراکی قبلی ، جـا ی اعمال واقعی را میگیرند ،عناصر مولد یت را احتوا میکنند ، و در تشخیص وظایف پیچیده تر رو- انی از قبیل به یاد داشتن و فکر کردن سهم میگیر ند .
تعمیمها در سطح مفکو ره دا - رای خصو صیت ابداعی و عبارت از مشا هداتی از حیات اند کـه به حیث اساس نخستین گام در تشخیص ارادم ابداعی هنر مند اجرای وظیفه میکنند . قبلا در یـن مر حلـه نظر قضـا وتی زیبایی شنا ختی به حیث خصـو صیت ممیز صورت خیال هنری ظهور میکند . مفکوره به حیث حلقـه وصلی فی مابین هستی اجتما عی هنر مند وپد یده شنـا ختـه وا قعیت عمل میکند .
مشخصه مراحل تعمیم مجر د و تصوری را فعا لیت تغییرکیفی تشکیل مید هد که در جریان آن تغییر صورت خیال علامه یی به تفکر علامه یی یك گام کیفـی نوین در عملیه شنا خت بوده ، وحدت متضاد عام و خاص را در کلی منحل مینما ید . خصیصـه تعمیم تصوری تجد ید بیشتـر مواد حاصله از وا قعیت است که در روا نشناسی « ضا بطـه قیف » نامیده میشودو به انتخاب

اسا سیترین محتوای تفکر تصوری و تیور یهای علمی منجر میگردد . هنر از باز مانده صورتهای خیال حسی مشخص که آن را تفکر تصوری تجر ید کرده باشد ، باز مانده یی که به خاطر بد یهی بودن خو یش تصورمجرد شده نمیتوا نند و اساس یک « زبان دومی » را تشکیل میدهد، استفا ده میکند .

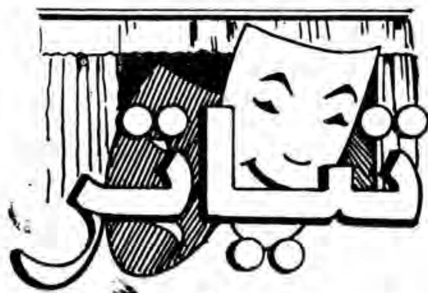
رو شن است که طرح فوقدر باره عملیه تعمیم از نظر خصوصیت موقتی است : به مرحله ها تقسیم شده است ، در صور تیکه از قرار معلوم ، شنا خت انسان را امتزاج و نفوذ متقا بل حسی و تعقلی مشخص میسا زد .فعالیت هنری به شخصیت انفعا لی متامل ربطی ندارد ، بلکه بـه شخصیت مبدع که فعا لیتش را از یکسو عملیه شنا خت وسطح دانش مکتسب و از سوی دیگر استعداد مولد تخیل ابداعی هنرمند تثبیت میکند ، تعلق دارد .

مطا لعه ماهیت متعلق بـه شنا خت و جوهر صورت خیال هنری باید تحلیل ابداع ، فعالیت ذهنی هنرمند و رسیدن به حقیقت هنری را باهم بیامیزد . آنچه در هنر صورت میگـر د فعا لیت تخیل ابداعی مو جود در شکل عقلا موثر هنر و شکل خاص اثر ،که ثمرات تخیل ابدا عی را تحقق میبخشد ، میبا شد .

تر جمه شده از :

Marxist—Leninist Aestheties anathe Arts (E.I. Savostyanov), Pro- gress Publishers. Moscow, 1980. PP. 141—148





تیـاتـر و ادبیات

در تاریخ ادبیات هر یک از کشورهای اروپایی فصل‌های به تیاتر اختصاص داده‌شده وبنابر این در نظر مورخان ادبی جهان تیاترمانند شعرورومان یکی‌از رشته هایا انواع ادبیات شمرده میشود . بااین حال تیاتر ازجهات‌مختلف باانواع دیگرادبی تفاوت‌دارد وازاینجاست که بعضی ازمحققان تاآن حد پیشرفته اندکه‌ادبیات نمایشی را تنها یك جز ،آنهم جزء کوچکی از هنر نمایش بشمارند .

برای آنکه در این باب دقیق تر قضاوت کنیم ابتدا باید ببینیم که منشا تیاتر چیست آیا در آغاز پیدایش این هنر نویسنده ای وجود داشته که قلم بر داشته و عبارت های نمایشی را روی کاغذ اورده و سپس کارگردانان وبازیگران از روی ان صحنه ای ایجاد کرده اند ؟ تاریخ هنر تیاتر نشان میدهند که این فرض درست نیست .

ریشه تیاتر به اعصار اولیه حیات بشر بر میگردد وذوق تقلید یابه اصطلاح حکمای قدیم اسلامی محاکاه که اساس آنست نه تنها در انسانهای نخستین وجود داشته بلکه در بعضی از جانوران نیز دیده میشود . کار بازیگر جز تکمیل این استعداد طبیعی‌نیست وبنا براین نمیتوان هنر تقلید را از بنیاد ، ابداع نوع بشر شمرد .

رقص که یکی از عوامل ابتدائی تیاتر است جز تکرار حرکات حیات به شیوه ای موزون و منظم نیست . رقص ـ زبان تن است . در اساطیر یونان باستان و آسیای کهن رقص مظهر افرینش و افرینندگی است . شوق‌و شور وجود وایجاد که‌در زبان حافظ‌به (مستی عشق) تعبیر میشود ـ عامل اصلی پیدایش رقص بوده واز اینجاست که نزد ملت های قدیم چه اسیائی وچه اروپائی غالبا رقص نوعی عبادت یا از جمله مراسم دینی شمرده میشده چنانکه رقص دیونیزوسی در یونان باستان ورقص شیوا در هند و رقص امنو ـ واز مه در جاپان به خدایان منسوب ومربوط بوده است .

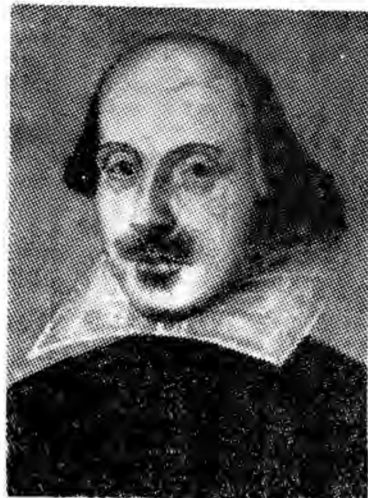
این رقص مذهبی که به طریقی ادای حمدو ثنای نیروی آفرینش بود ، کم کم به رقص جادوئی تبدیل شد : حرکات موزون به قصد طلب و قوع امری یاواقعه ای یابه قصد دور داشتن و پرهیز از وقوع امری یا حادثه ای .

نقش های روی سنگ که از عصر حجر برجای مانده رقاصانی را نشان میدهد که پوست جانوران پوشیده وکله انها را روی پیشانی خود گذاشته اند . اینگونه رقص با ماسك هنگامی انجام میگرفت که شکارچیان دیرزمانی در کمینگاه می ماندند و شکاری پیش نمی امد . صیادان در حین رقص صحنه به دام امدن شکار ها واصابت سلاح را به انها تقلید وتکرار میکرد ندتا به این وسیله و قوع حادثه ای را که آرزو داشتند ، پیش بیندازند واین عمل ممکن بود تا حصول مقصود چند هفته دوام بیابد . این آداب هنوز نزد بعضی از قبایل ابتدائی وجود دارد .

مرحله دیگر از رقص جادوئی تنها به قصد تسریع یا تغییر حوادث اینده نبودہ بلکه تجدید امور گذشته و استفاده از نیروی ارواح گذشتگان نیز دران منظور



الکساندر پوشکین‌وویلیام شکسپیر



ازپیشاهنگان تیاتر



ماکسیم گورکی

بوده است . اینجا بشر از مرحله تقلید گذشته به مرحله انتقا ل و تجدید میرسد برای این منظور از اداب زندگی نیا کان و زبان و لباس ورقص های ایشا ن استفاده میشود . در این مرحله است که (هنر نمایشی) بـه وجود می آید . اصل ترا ژیـدی یونان نیز ظاهرا یکی از همین اداب ومراسم جادویی یاماقبل دینی بوده است و لفظ انهم ازین معنی حکایت میکند . زیرا کـه ریشه لغت تراژیدی در زبان یونانی به معنی (آواز بز) یـا (بز خوانی) است . گویـا در آغاز برای انجام دادن این رسم کـه ازعقاید اساطیری سر چشمه گرفته بود ، پوست بـزی دربر کرده وکله او را برسر می گذا شته انـد .

ازین اشارت های کوتاه بـه اصل وریشه تیاتر ، میتـوا ن نتیجه گرفت که مبدا ومنشا این هنر با شعرو نویسند گی یکی نیست وتیاتر پیش از نمایشنامه نویسی بوجود امده است .

اما جنبه فنی تیاتر بـا انـواع مختلف ادبیات تفاوت های اصلی دارد . هنرها را به دو گـروه اصلی میتوان تقسیم کرد :

هنر های مکانی وهنر هـای زمانی . هنر های مکانی انهاست که در مکان جایگیر میشو ند . وسیله ادراك انها حس بینا ئی است وجنبه های مادی و عینـی دارند . اجزای آنها ثابت است و در کنار یکد گیر قـرار دارد .

اما گروه دیگر از هنر ها که زمانی خوانده میشوند جایگا هی در فضا ندارند . وسیلـه ادراك انها حس شنوا ئی است . جریان انها در زمان واقع میشود . اصل درین هنرها توا لـی است یعنی هر جز دنبال جـز پیشین قرار میگیرد . ازین گروه موسیقی وادبیات یعنـی نظم و نثر را باید شمرد . ممکن است کسی ایراد بگیرد که ادبیات نوشته میشود وهر نوشته ای ناچارجائی را میگیرد بنا بر ایـن ادبیات را چگونه در گروه هنـر های زمانی میتـوان جـای داد.

گـذشتـه ازیـن شعـرو - زمان را باچشم می خوانند پـس چرا وسیله ادراك انها را تنهـا حس شنوائی می شمارند ؟ پـاسخ انست که بی شك اثار ادبی برای شنیدن ایجاد شده وپیش‌از ان که خط اختراع شود و جـو د داشته است .

اما بعضی از هنر هاست که در هیچ یك ازین دو گروه قرار نمی گیرد . رقص وهمه هنرهای - نمایشی ازین قبیل است .

این‌هنـر هااز جنبه وقـوع‌در مکان وادراك بوسیله حس بینایی‌در گروه اول جای دارنـدواز جهت جریان در زمان وادراك به وسیلـه شنـوا یـی درگروه دوم قـرار می گیـر نـد . بنابر این باید برای هنر هاگروه سومی قائل شد که مرکب از دو گروه نخستین است ومیتو ان‌به آنها عنوان (هنرهای‌مـرکی) داد

تیاتر یکی از هنر های است که در گروه ترکیبی قرار دار د ویکی از ارکان مهم ان (حرکت) است . حرکت بمعنی انتقال بازیگر از محلی به محلی دیگر در صحنه نمایش یا حرکاتی که به قیافه واعضای خود مید هد تبارز میکند وار سطو در کتا ب (پوئتیك یا بوطیقا یا فن‌شعر) از آنها گفتگو کرده و حکمـا ی اسلامی مانند ابن سینا ایـن اصطلاح را به عبارت (اخذ بوجود) ترجمه کرده انـد .

تفاوت مهم دیگر میان تیا تر واثار ادبی در جنبه اجتما عی آنست .برای اجرای تیاتـر نه تنهـادر اکثر موارد همکاری‌و شرکت گروهی ضرورت می‌افتد بلکه در عمل ، تیاتر بـرا ی استفاده جمعی اجرا میشود بـه عبارت دیگر مخاطب این هـنر اجتمـاع است بـه‌خلاف اثارادبـی که استفاده والتذاذ از آنـها ممکن است بصورت فردی انجام گیرد ومحتاج اجتماع نیست . مگر داستان سرائی ها و شعـر خوانی ها در مجامع که بهره ای از فن نمایش دارد .

اینجا این سوال پیش می اید که‌پس‌نمایشنامه بانمایش یاتیاتر چه رابطه دارد ؟

پاسخ آنست که نما یشنا مه جزئی از نمایش است نه تمـا م آن . برای تبدیل نما یشنا مه‌به نمایش وجود بـاز یـگران کـه اجرا کننده آنند وکار گردان و صحنه پرد از وکار کنان دیگری

لازم است وحال انکه در انواع ادبی وجود یك شاعر یا یك نویسنده با یك شنونده یا خواننده کافی است که این هنر یك بار صورت وقوع بیابد .

پس رابطه تیاتر با آثار ادبی تنها از ان جهت است که بازیگر آن سخن یعنی کلمات گفتار ماده اصلی ادبیات است . اما از حیث نحوه تاثیر تیاتر در مخاطب نیز میان آن با انواع گونا گون ادبیات اختلاف هست واین اختلاف نتیجه همان جنبه اجتماعی یا انفرادی این هنرهاست . میدانیم که القأبسیاری از عواطف در اجتماع مسری است . شعر غم انگیزی که کسی در تنهائی بخواند ممکن است تاثیر خفیفی در او ایجاد کند اما اگر همان شعر را خواننده در مجمعی بخواند شاید همه شنوندگان را چنان متاثر کند که سیل اشك از دیدگان ببارند . از ینجاست که تاثیر تیاتر در روحیه جامعه به مراتب از انواع گونا گون ادبیات بیشتر است .

اینجا باز هم به سوال دیگری بر میخوریم که آیا تیاتر هنر مستقل است یا نوعی وجزئی از ادبیات شمرده میشود ؟

به گمان اغلب رابطه این دو هنر از نمایشنامه شروع میشود. همینکه افریننده هسته اصلی نمایش اندیشه خود را به یاری کلمات بر صفحه کاغذ اورد ، عملی انجام داده که یکیاز انواع ادبیات است . وجزئی از هنر و نمایش نیست . اکثرا می پرسند که پس نمایشنامه را جز کدام یك از انواع هنر باید شمرد ادبیات است یا تیاتر

نمایشنامه دردو نهایت به ادبیات می پیوند دیگی انگاه که جنبه فنی آن از نظر هنر نمایش ضعیف باشد یعنی نمایشنامه که اجرای ان در صحنه تیاتر نتیجه مطلوب ندهد یاناقص باشد. چنین نمایشنامه جزء هنر تیاتر نیست اگر چه این عنوان یا این اسلوب را داشته باشد . اما اگر برای خواندن خوب وقوی است ازهنر های ادبی شمرده میشود به هنر تیاتر . بعضی از شاعران و نویسندگان اروپائی قطعاتی با عنوان (کمیدی) نوشته اند نه به نیت آنکه روی صحنه نمایش بیابد وخود در عنوان ان قطعات قید کرده اند که (اجرا کرد نی نیست) .

دیگر هنگامی که متن نمایشنامه گذشته از انکه همه دقایق وفنون هنر تیاتر را در بر دارد و اجرای ان در صحنه همه نتایج ونکاتی را که در هنر تیاتر لازم است حاصل میکنند ، از جنبه قواعد واصول ادبی نیز جامع همه شرایط باشد . این گونه نمایشنامه ها در دومنطقه قدر ومنزلت دارند ، یکیدر منطقه تیاتر و دیگر در قلمرو ادبیات مانند اثار جاویدان نویسندگان بزرگ تیاتر از دو هزار و پنجصد سال تا کنون .
حالا بر میگردیم به تحولات آثار نمایشیدر چند سبكادبی.

کلمه کلاسیك معانی مختلف دارد . گاهی به مفهوم اثر یست که به عنوان نمونه و مظهر کامل مورد پسند همگان واقع گردد . وگاهی به تمام اثاری که نمونه ادبیات مانند آثار جاویدان نویسندگان ومایه افتخار ادبیات ملی ان کشور اطلاق میگردد . اما معنی واقعی کلمه کلاسیك (نقطه مقابل لغت روما نتیك) در واقع بعد از انکهدستهاز ادبای نوپرداز و نو یسندگان در فرانسهوسایر کشور ها ظهور کردند ، نویسندگان وادبای متعارض و مخالف آنان بنام کلاسیك یادشد.

عنوان کلا سیك بدان روش ادبی گفته میشود که قبل از ظهور سایر روش های ادبی (از قرن ۱۵ تا ۱۷) در اروپا مروج و شالوده ان بر تقلید و پیروی از ادبیات باستانی یونانی وروم استوار بود وهنرمندان و نویسندگان قواعد و مقررات هنر وادب قدیم یونان وروم را سر مشق قرار داده بودند . از نگاه هنرمندان و نویسندگان کلاسیك هنروقتی حایز ارزش واقعی میبا شد که چیزی به انسان بیاموزد و یابه اخلاق وی خدمت کند ویك اثر هنری وقتی به نضج وپختگی میرسد که در ان بعضی دساتیر و اصول پیروی شده باشد . یعنی هنرمندو نویسنده وقتی میتواند اثر در خور ستایش وشایسته دیدن ومطالعه کردن را ایجاد کند وهنگامی اثر مذکور را میتوان زیبا خواند که قواعد و دساتیر روش کلاسیك را بهوجه احسن مراعات نماید .

اصطلاح کلاسیك غیر از ساحه تیاتر در رشته های از قبیل شعر ، موسیقی ، نقاشی ،مجسمه سازی وغیره نیز معمول است که ذکر آن در ینجا مورد ندارد و ماتنها در باره مشخصات تیاتر کلا سیك سخن میرانیم .

نمایشنامه های کلاسیك دارای ممیزات خاص اند چنانچه درام های کلا سیك موافق عقلو

استد لال ومنطق بوده نیرو ی تخیل در ان خیلی محدود بود .
در درام های کلا سیك هیچگا ه قهر مانان غیر عادی و استثنائی مورد مطالعه قرار نمی‌گرفت‌بلکه همواره اشخاص درام از افرادبر- جسته و عمومی انتخاب میشـد .
یعنی اشخا صیکه ممیـزات و مشخصات وسجایا و خصا یـل انان جنبه عمومی و انسا نـی میـدا شـت .
لذا شرح ونما یش قبا حـت ها وزشتی ها ومفاسد اخلا قی در درامه های کلاسیك راه ندا شت و هیچگاه روی صحنه ظا هـر نمیشد . بر خلاف ملکات فاضله و صفات حمیده وحسنه مـورد ستایش ونمایش قرار میگرفت. به عباره دیگر درام های کلاسیك حاکی از شرح وقایع مربوط بـه طبقات ممتاز بوده وشرح حوادث و تموج ونوسان حیات طبقـا ت پائین وبینوا وبیدست پادر ان صورت نمی پذ یر فت .
گذشته از ممیزات فوق نما- یشنامه های کلا سیك روی سه اصل دیگر نیز اتکا می کرد . که این سه اصل از نگاه درامه نو - یسان کلا سیك اهمیت بسزا ئی داشت وانکه میخوا ست شهکـار تردید نا پذیری ایجاد کند کـه پس از گذشت هزاران سال زنده وزیبا بماند ، باید ازین سـه اصل پیروی - میکرد . این سه اصل بنام قانون سه وحدت نیز یاد میشود ومنظور از ان وحدت موضوع ، وحدت زمان وو حدت مکان است . دو اصل اول الذکر از اثار ارسطو به ارث مانـده است ودر امی که فاقد این سـه وحدت می بود نمی توا نسـت مقبول خاطر منتقد ین و هنر- مندان کلا سیك واقع شـود .
منظور از وحدت مو ضوع آنست که حوادث فرعی باید شا مـل حـواد ث اصلـی نگـرد د و ضوع درام باید از حوادث ووقا- یع فرعی اضافی بکلی بری باشد چه باعث عدم ارتباط و موجـب تشتت وپرا گندگی وقایع اصلی و برجسته که اصل موضوع ازان نشات مینما ید . گردیده ودرام را در انظار سست و بیـروح جلوه میدهد . حوادث وو قایع‌که مـو ضوع درام را تشکیـل میـد هـد بـا ئیسـت چنان بهم مربوط وممزوج وتو- حید حوادث دران طوری بعمـل امده باشد که کوچکتر ین مطلب انرا نتوان از بین برد ویاتغیـر داد .
منظور از وحدت زمان آنست که مدت و قوع واقعه ویا مـو- ضوع درام باید تقریبا معـادل وقت نمایش ان باشد ویا حدا- کثر از بیست وچار ساعت تجاوز نکند چه تمثیـل وا قعـات و حاد ثا تی که سال ها را در بر گیرد در یك درام دو ویا سـه ساعته چندان طبیعی نمی نماید و عدم توافق زمان نما یش بـا مدت و قوع حادثه ، درام را از حالت عادی و طبیعی بیـرون اورده و حـاصـل آن دور از حقیقت میبا شـد .
و حدت‌مکان عبارت از آنست که حادثه ویا موضوع درام باید در مکان واحد رخ داده باشـد . ایـن قـا نـو ن را(ماگی) منتقـد ایتـا لـو ی در سال (١٤٥٥) رویکار اورد. به عقیده نا مبرده اگر وقـت و زمان نما یش کوتاه باشد ومکان های که در انها وقایع به ظهور میر سد مختلف و خیلی از هـم دور باشد ، درام و بخصـو ص ترا ژیدی از وضع اصلـی و حقیقی خود دور می افتد پـس تاحد امکان حاد ثات و واقعا تی را باید به حیث مو ضوع انتخاب کرد که در مکان واحد اتفـا ق افتاده با شد .
تیاتر کلا سیك از (١٦٦٠) سیر تدریجی خود را در فرانسه پیمود وتا سال (١٨٥٠) بـه اوج ارتقای خویش رسید و از درامه نویسانی که در ین مـدت یکی بعد دیگری در عرصه تیاتر کلا سیك به میان آمده اثار بر- جسته و جاویدا نی از خود بیا- دگار مانده انـد از کور ئی را سین و مولییر میتوان نام برد . کلا- سیسزم تاثیر وا قعی خود را در قرن (١٨) در ایتالیا بخشید و در عرصه تیاتر (گلـدونی) کمیدی نویس و « الغیـر ی » ترا ژیدی نویس در ان نقـش عمده داشتند .
از بزر گترین درام نو یسا ن انگلیسی میتوان از (در اید ن ١٦٣١ - ١٧٠٠) و بیکسـن (١٥٦٠ - ١٦٢٦) نام بـرد . تیاتر کلا سیك بالا خـره در (١٨٥٠) نسبت به علل آتـی


تالما در نقش نرون

روبه اضمحلال گذاشت . مو ـ ضوع ـ درام های کلا سیك جز اقتباس و تقلید از اثار رومی ها و یونانی ها نبود وهیچ یك از دراما تیست های کلا سیك کدام مو ضوع ازاد را در حیطه درا م در نمی آورد ند .

از بین بردن سه و حدت و تحول افکار نیز از مدا ومت خسته کننده تیا تر کلا سیك کاست و جای انرا تیاتر رومانتیك اشغال کرد .

آغاز قرن نزد هم را با ید شروع عصر جدیدی در ادبیا ت اروپا دانست که دامنه آن تا به امروز کشیده شده است . این دور ه جدید که باید انرا عصر روما نتیك نام داد عصر طبقه بور ژوازی شمرده میشد . درین دوره تجمل وزندگی اشرا فی همه اهمیت و نفوذ خود را از دست داد قلمرو اثار ادبی گسترش یافت حالا دیگر شا ـ عران و نویسند گان و هنرمندان از طبقه های گونا گون جا معه بودند . ادبیات روما نتیك در قرن نوزده در کشور های اروـ پائی یکی پس از دیگر به ظهور رسید .

در اغاز کلمه رومانتیك از طرف طرفداران مکتب کلا سیك برای مسخره کردن به نویسندـ گان جدید اطلاق میشد و معنی نخستین ان مترادف با خیال انگیز وافسانه ای بود .

ظهور مکتب نخستین رو ماـ نتیسم در انگلستان بود و از انجا به المان رفت واز انجا در فرا نسه رسوخ کرد و سر ـ انجام تا سال (۱۸۵۰) بر ادـ بیات اروپا مسلط شد .

میدان اصلی مبارزه میا ن کلا سیسم وروما نتیسم صحنه تیاتر است (ویکتور هو گو) در سال (۱۸۲۷) با مقدمه که بردرام (کرمول) نوشت این مبارزه را شروع کرد و بد نبال ان نبرد واقعی برسر نما یش درام دیگر او بنام (ارنانی) در گرفت . ویکتور هو گو مقد مه ای بر درام (کرمول) نو شته است که خود کتاب کو چکی است و اهمیت ان خیلی بیشتر از اصل درام کر مول است .

این مقدمه را باید مرا منامه مکتب روما نتیك شمرد و همین مقدمه باعث شده است که هو ـ گو را پیشوای روما نتیسم بشمار ند درینجا صفحه‌یی ازین مقدمه را نقل میکنیم ؛

دوران سه گانه تاریخ بشری

در روی زمین پیو سته یك نوع تمدن ویا ساده تر بگو ئیم یك جامعه وجود نداشته است . بشریت مانند هر یك از بزرگ شده ، ترقی کرده ورشد نموده است . زمانی طفل بود ، دوره ای به سن وسال بلوغ رسید و اکنون شاهد پیری پر عظمت او هستیم . پیش از عهدی که جامعه امروزی انرا (عهدقدیم) مینامد ، دوره ای هم و جود داشته که قدیمی ها انرا (قرن افسانه) نامیده اند و حال انکه اگر (عصر اولیه) نامیده میشد درست تر بود واین سه دوره متوالی است که تمدن از اغا ز تا کنون بخود دیده است . پس چون شعر پیو سته در اجتماع بوجود می آید ما نیز باتوجه به وضع اجتماعی تشخیص میدهیم که شعر در هر یك از سه عصر ، عصر اولیه ، قدیم وجدید چه مشخصاتی می تواند داشته باشد باید بگو ئیم که شعر نیز سه دوره دارد که هر دوره ان با یکی از عصر های اجتماع تطبیق میکند اشعار غنائی ، حما سه ، درام عصر اولیه . تغز لی و غناـ ئی است . عهد قدیم حما سی است ودورهٔ جدید درا ما تیك اشعار غنائی عصر اولیه نغمه ابدیت را ساز میکند حما سه تاریخ را تجلیل می نماید درام زندگی را تصویر میکند . صفت اولی طبیعی بودن ، صفت دو ـ می سادگی و صفت سو می حقیقی بودن است ـ تاریخ نو ـ یسان در دوره دوم بو جود امده اند وو قایع نگاران و منتقدان در دوره سوم . قهرمانان اشعار غنائی اشخاص بزرگ و عظیم الجثه ای هستند مانند آدم ـ قابیل ونوح . قهر مانان حماسه ها پهلوا نانی غول صفت اند مانند آشیل ـ اتره و اور ست و قهر مانان درام به جز انسا ن های معمولی چیز دیگری نیستند مانند ها ملت ، مکبث واوتللو . شعر غنائی ایـد یال را در نظر میگیرد ـ حماسه عظمت و بزرـ گی را ودرام واقعیت را بالاخره باید گفت که این شعر سه گانه از سه منبع بزرگ ـ سر چشمه میگیرد . بقراط، هومر و شکسپیر . . .

ما جرای نبرد (ارنانی) را تئوفیل گویته به سال (۱۸۹۷) در کتابی بنام (تاریخ رو ما ـ نتیسم) نوشته است که اینك قسمتی از این نوشته را نقل میکنیم ؛

بیست و پنجم فبـــرور ی (۱۸۳۰) این تاریخ در مغـــز های ما با حروف اتشینی نقش شده است . تاریخ اولین شب نما یش ار نا نــــی . . .

شاعر جوان با جرئت غـرور آمیز وبا نبوغ بزرگ خویـــش شر ف و افتخار را از جلب توجه و مو فقیت بالا تر می شمرد .

او کمك دسته های اجیر ی‌را که مایه موفقیت نما یشنامه ها میشدند با عناد ولجا جت ردکر- ده بود ، کف پای مز دور ئیـن به سهم خود شان ذوقی نظیــر ذوق اعضا اکادمی داشتند . انها بطور کلی کلا سیك بود نـــد . امامانمی توانستیم راضی شویـم که (ارنانی) تـك و تنها بدون کمك با مردم کج فکری کـــه در سا لون جمع شده بودند و لـوژ نشین های ارام ومستی کـه در زیر پرده نزاکت ، دشمنی وکینه خود را پنهان کرده بودند و خطر شان کمتر ازدسته اول نبود، به مبارزه پردازد .جوانان پرحرارت رومانتیك که (مقدمه کرمول)را باایمان تعصب الودی خوانـــده بودند به هم‌که پیشنهاد کرد ند که‌اجازه دهد خدمتی باوکنند. استاد جوان نیز در قبول ایـن پیشنهاد مـا نعی نـــدیـــد جوانان به‌دسته هـای کـوچك تقسیم شدند ،دردست هـریك‌از انها علامتی از کاغذ چهار گوشه وجود داشت که بروی ان کلمـه هیرو نوشته شده بود (هیـر و امضای روما نتیك ویکتور هو- گو بود)

این‌جوانان روشنفکر و فهمیـده که‌علاقه دیوانه واری به‌هنـر و شعر داشتند عده ای نویسنـده، دسته ای نقاش وعده‌ای موسیقی دان، مجسمه سازو معمار بودند همه آنها در باره مسائل اد بـی صاحب نظر بودند امامتا سفانه دربعضی ازروز نامه‌های کوچك وبی ارزش عصر ،مقاله هاهجو آمیزو انمود شده بود کـه ایـن جوانان دسته ای ول‌گردند و از گوشه وکنار جمع اوری شده‌اند. آنها وحشیان کثیف وبی فکـرو دیوانه نبودند که‌در بـــرابـــر (تیاترفرانسه) چادر زده باشنـد بلکه شـــوالـیه های آیـنـده قهرمانان فکرو مدافعان عصــر آزادی بـودند .همه‌زیبا ،آزادو جوان‌بودند. با سئونیت وبـه امیـد اینکه سرو صدایی تولید شود و وبهانه‌یی برای دخالت پلیس‌بد- ست ایدر های تیاتررااز ساعت دوی بعداز نصف شب‌باز کرده بودند در میان تاریکی ویاحداقل نیمه تاریکی سالونی که‌چراغ‌های آن‌روشن نشده‌بود، شش‌یا هفت سا عت انتظار واقعـا کـــا ر مشکل و طـا قـت فـر - سایی بودحتی‌به فرض آنکه‌دران ساعت آخر شب ارنا نی ما ننـد آفتاب در خشانی طلوع میکرد . گرسنگی رفته‌رفته خود نمـایـی



ادموند کین



کارل گلدونی

میکرد ،آنهاکه‌محتاط تربودندچا- کلیت وحتی بعضی هابه قول‌کلا- سیك های‌بدبخت کلبسه های‌مغز سیردار آورده بودند .بالاخـر چهل‌چراغ بزرگ باسه طبقه‌چراغ ودر خشندگی مخصو ص منشو- ری‌خود به‌ارامی ازسقف‌پائین‌آمد وچراغ‌های جلو صحنه دیواری‌از نوربین عالم خیال ودنیای حقیقت کشـــیـــد.

درجلو صحنه شمعدان های متعدد روشن بود و سا لون آهستـه - آهسته پرمیشد. نزدیك جایگاه ارکستر وبالکون تیاتر ازادبا و اعضا اکادمی پرشده‌بود گو یـد غرش طـو فـان سنگینـی در سـا لـون شـروع میشد لحظه بازشدن‌پرده فرارسیده بود هردوطرف چنان سرشار بودنـد کـه خطر شروع‌زدوخوردی پیش ازآغاز نمایش میرفت .

بالاخر صدای سه‌ضربت چـوب شنیده شد.

تنها یك نگاه به قیافه تماشاگران کافی بودنشان دهدکه نمـایش امشب نمایش عادی نیست .

دوسیستم ،دونیت ،دونیرو باهم روبرو شده بودند حتی‌اگربگوئیم دو تمدن‌مبالغه‌نکرده‌ایم .این‌دودسته همانطورکه‌اغلب دراختلافات‌ادبی دیده‌میشداز‌ته دل نسبت به‌همدیگر احساس دشمنی میکردند . آماده بودند که با هم بجنگند وگریبان همدیگر را بکیرند هرکس نسبت بدیگری حالت خصمانه ای‌داشت .

ببازو هافشار می‌آمد ویك‌تماس کوچك کافی بودکه‌نزاع شدیدی آغاز گردد ...

• • •

کلاسیك هاحقیقت رافقط ازیك جنبه موردتوجه قرارداده وازاین حقیقت آنچه رابانمونه معینی از زیبایی تطبیق‌نمیکرد، بی انصافانه بدورانداخته بودند به‌معایبی‌که در زندگی دیده میشود و چیز های مضحك و زشت اجازه ورود به صحنه نمیداد ند و حال انکه (درام روما نتیك) که می خواست مانند طبیعت رفتار کند در صحنه را بروی هر چیزی که در زندگی و جود داشت باز کرد . برای کلا سیسم جنبه های فردی حائز هیچکو نه اهمیتی نبود . این مکتب فقط به صفات کلی اهمیت میداد . برای تیاتر قرن هفدهم (حرص) و (خست) وجود داشت اما درام قرن نوزد هم (یك مرد حریص) یا (یك مرد خسیس) خاص‌را با تمام مشخصات به خودش بروی صحنه می اورد .

روما نتیسم به جای قیافه های ایدیالی کلا سیك ، انسان هائی را می‌گذارد که زند گا نی فردی و مشخصی دارند و تحت تاثیر محیط و عصر خود واقع میشو ند .

از ینرو هنر مند رومانتیك با توضیحاتی خصوصی و مشخص و منحصر به فرد قهرمان خود را معر فی میکنند . نخستین نیمه قرن نوزد هم در تاریخ تیاتر اروپا روی هم رفته دوره بی اهمیتی است . در اغاز این دوره نمایشنامه های جدیدی که در همه جابا موفقیت بسیا ر اجرا میشد اثار نو یسنده گانی بود که نوشته های شان اکنو ن یکسره فراموش شده است .



ژان راسین

این نوشته هادر حقیقت شعار درام های تماشا ئی بود ند که ما هرانه نوشته شده بو د تا تماشا گران عادی از انها خوششان بیاید ونیز منبع درامد های کلانی برای تیاتر های بزرگ باشد . زیرا در این هنگام دیگر مردم عادی تالار های نمایش را پر می کردند این نمایش هانه از نظر اد بی اثربرجسته ئی‌بود نه‌از نظرنمایشی اما برای مردم سر گرم کننده و لذت بخش بود .

البته چنین نبود که شا عران حقیقی و نویسندم گان با ذوق توجهی به تیاتر نداشته با شند مثلا چندتن از شاعران روما نتیك انکلستا ن نما یشنا مه های نو شتند که شا ید بهتر ین آنها نما یشنامه های (شیلی) باشد . امابهر حال نتوا نستند در تیاتر موفقیت زیادی بدست آور ند و به طرزی دور از انتظار شکست خورد ند . همان طورکه نما یشنامه نویسان عصر الیزا بت اول به طرزی دور از انتظار مو فق شده بود ند .

• • •

گرچه هنر پیشکان بزر گی چون (أدموند کین) در لندن و (تالما) در پاریس نمایش های کلاسیك را زنده کردند و کاری کردند که هنر باز یکری به درجه بلندی ارتقا یابد اما نمایش علی رغم آنچه گو یته و شیلر انجام داده بودند پیشر فتی نکرد . تا یکی از شب های سال (۱۸۳۰) ـ هیچ اتفاق مهمی در تیاتر نیفتاد . در این شب مشهور ـ نما یشنامه (ارنا نی) و یکتور هو گو برای نخستین بار اجرا شد و اشوبی برپا کرد .

هوگو دانسته و سنجیده همه قید و بند های نما یش کلاسیك را شکسته بود . و چون میدانست که سرو صدا بلند میشود دو را ندیشی کرده بود وچارصد جوان پر شوررا که دانشجو ی رشته های هنری بود ند به تیاتر اورده بود تااز این نما یشنامه روما نتیك پشتیبا نی کنند . هوگو بیشتر شاعر بزر گی بود تا نما یشنامه نویس بزرگ . اما کار انقلابی او زندگی تازه‌ای به تیاتر فرانسه بخشید .

ملو درام های تاریخی پرهیجان الکساندر دوما نیزدراین امر سهمی داشت . گرچه به زودی نما یشنامه های پسر ش جای انها را گرفت . (دوما پسر) همان کسی است که نما یشنامه معروف واشك انگیز (خا نم کا ملیا) را نوشته است .

نویسنده ای که در ابتدا کمتر از دیگران موفق بنظر میر سید اما در حقیقت نمایشنامه نویس بزر گی بو د (الفر د دو موسه) است که نما یشنامه های نیمه روما نتیك و نیمه کمیدی او در نیمه دوم قرن نزدهم بارها اجرا شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت . در این هنگام تیاتر دیگر در همه جا زندگی را از سرگرفته بود . یکی از نما یشنا مه نو یسانی که در نخستین شب پرا شوب ـ نمایش (ارنا نی) هوگو در تیاتر حاضر بو ده (اوژن سکریب) بود . او عضو برجسته گروه مخا لفان و یکتور هوگو بود . در سال ها ی (۱۸۳۰ ـ ۱۸۶۰) سکر یب مردم پسند ترین نما یشنامه نویس فرانسه بود . میگو یند با کمك همکار انش چار صد نما یشنامه نوشته است .

در قرن نوز دهم سکریب و جا نشین او (ویکتورین ساردو) فرما نروای تیاتر بازاری در فرانسه وسایر کشور ها بودند.

تیاتر بازاری تیاتری بود که برای سر گرم کردن سر مایه داران و کاسبکار های مرفه که عده شان در پایتخت ها در افزایش بود ، بوجود امده بود . این تما شاگران ابله نبود ند اما قدرت تخیل ندا شتند وهرگز نمی خواستند تیاتر در باره زندگی چیزی که به دانستنش بیر زد به انها بگو ید .

بدی نما یشنامه های سکریب وسار دو این بود که جز سا ختمان و سبکی استادا نه هیچ چیز نداشتند . این نما یشنامه ها از زندگی و شخصیت های زنده مایه نمی گرفتند . نویسنده ابتدا صحنه های موثر و موقعیت های خیره کننده را در نظر میگرفت و سپس برای انها شخصیت های سا ختگی می افرید . در پایان قرن نزدهم این نوع نمایش در همه جا تماشا خانه های کوچکتر اما گرا نتر را در اختیار گر فت .

ریالیسم

ریا لیسم عبارت است از مشاهده دقیق واقعیت ها ی زندگی ، تشخیص درست علل و عوامل انها وبیان و تشر یح و تجسم انها .

روما نتیسم از یك لحاظ همان راهی را میرفت که می بایستی در آینده ریالیسم با ثبات و استحکام در ان قدم نهد ؛ یعنی به جای تشریح دنیا ی مجردی که اشکال و رنگ ها یش در پشت پرده ای از قوا عد محدود و عرف ادبی در هم ریخته باشد ، دنیائی را تصویر میکرد که دارای اشکال و رنگ های واقعی بوده واز گذ شته تاریخی یا دوره معاصر الهام میگر فت . ولی در راه رسید ن به اوج یا هدف دو مانع و جود داشت ؛ نخست جنبه (درونی) روما نتیسم و دخالت احساسات



مولیر

خود نویسنده در تجسم دنیا ی خارج دوم تسلط تخیل بر واقعیت و تحت شعاع قرار دا دن آن . ریالیسم این دو جنبه مکتب روما نتیك را در هم شکسته بدور انداخته است . یعنی ریالیسم را باید پیرو زی حقیقت واقع بر تخیل و هیجان شمرد . این مکتب ادبی بیشتر از این لحاظ حائز اهمیت است که مکتب های متعدد بعدی نتوانسته است از قدر و اعتبار آن بکا هد و بنای رومان نویسی جدید و ادبیات امروز جهان بر روی آن نهاده شده است .

ریا لیسم در عالم تیا تر هنر نمایش اغلب کشور های اروپائی در این دوره حا ئز اهمیت است . در روسیه استرو فسکی (۱۸۱٤ ـ ۱۸۸۷) که پایه گذار تیاتر واقعی روسیه بود بیش از (۳۰) نما یشنا مه مختلف نوشت که اغلب انها کمیدی های در باره عادات و اخلاق مردم بود . این نمایشنامه ها تازمان چخوف صحنه ها ی تیاتر روسیه را اشغال میکرد .

استرو فسکی در نما یشنا مـه های مانند (گرگ ها وبره ها) (خود مانی) و غیره ، تا جران روز مسکو را با پول پرستی ها و تنگ نظری ها وعقب ماندگیش تصویر میکرد . قهر ما نان نماـ یشنامه های او دستخوش خیال پردازی های نو یسنده قـرا ر گرفته وبه سوی کمال خوبی یا کمال بدی رانده شده انـــد .
تیاتر رومانی تقریبا در همـان اوایل رشد خویـــش ، دارای نو یسنده بزر گی شد .
(کار جیـال ۱۸۵۲ ـ ۱۹۱۲) با لحن طنز آلود وبیان توا نای خویش دنیای کا سبان و تاجران و دلالان ـ را تصویر کرد . نوـ شته های کار جیال بسیار عمیق است و جملات زیادی از اثـــار او در میان مردم رو مانی بصوـ رت ضرب المثل در امده است .
در کشور های اسکاند ینـا و عقاید ریا لیست های فرا نسـه وسیله برای حمله به کلا لیبسا وبحث از مسائل اجتما عی و آزـ ادی زنان در دست نو یسندگان شد . نخستین نما یشنامه ریاـ لیستی در کشور های اسکاندـ ینا و نما یشنامه (ورشکستگی) در سال (۱۸۷۵) اثربیورنسـ (۱۸۳۲ ـ ۱۹۱۰) نویسند ه نروژی بود که روما نها و نماـ یشنامه های متعددی نو شت و در شمار ـ نویسند گان در جـه اول کشور خویش درامـــد .
پیش از او ایبلـــس ۱۸۲۸ ـ ۱۹۰۶) با نما یشنا مـه هـــا وداستـانهای متعددش شهـــرت جهانی یافتـه بـود امارپالیسم مشخص دراثارش بچشم نمیخوـ رد.در سوئد .استـــرینـد بـرگ (۱۸٤۹ ـ۱۹۱۲)رومان نویس نما یشنامه نویس و شاعر سو ـ ئدی بزرگترین‌نویسنده آن‌کشور است وریالیسم دراثار اوروشنتر ومشخص تـــراز اثاردونویسنـــدهٔ نـــروژی بـــا لاســـت .
رومان معروف او(اتاق سرخ)نام دارد دراین کتاب محافل‌تاجــران استکهلم رابالحن طنزالودی‌نشان داده اســـت .

تیاتر ریالیستیک

هنگامی که‌رفتن به‌تیاتر بصورت عادتی اجتماعی درآمد ومردم‌پول بهتر وبیشتری پرداختند وهنرـ پیشگان دستمزد های زیاد تری گرفتند ،دگرگونی بـزرگـی در تیاتر روی داد . هنر پیشگان با دقت انتخاب میشدند وهفته‌هـا تمرین میکردند تانقش های‌خاص را بازی کنند پیش‌ازآن هنرپیشه هاکه اعضای گروه بودند درهمه نقش‌ها بدون تفاوت ظـاهـــر میشـــــد نـــد .
تیاترکه اکنون ازانحصار طبقات متوسطو بالاخارج شدمدر اختیار همه‌مردم قرار گرفته بودبه‌سادـ گی‌وحقیقت نمایی گرایش پیـدا کرد . نمایشنامه های بـه روی صحنه‌آمد که‌اتاق یك‌فرد معمولی وحوادث زندگی اورانشان میداد هنر پیشگان به‌جای پوشیدن‌لباـ س های پرزرق‌وبرق وسخن‌گفتن بالحن ادبی وکتابی ،لبـــاس افراد معمولی اجتماع رابـرتـن میکردند وبه‌زبان خودآنها سخن می‌گفتنـــد .
بااین همه هنوزهم نما یش های بازاری وعامه پسند تیاتر ها راپر کـــر ده بـــو د نـــو یسنـده قـــو ی و پـــر استعـــدا د لازم بود تابا نما یشنامه هـــا ی خودیکباره جریان تیاتر زمـــان‌را دگـرگـــون کـــنـد .
این‌نویسنده هنریك ایبسن نروـ ژی بود که‌با نمایشنامه های خود تاثیر عظمی برتیاترجهان گزاشت این تاثیر ازدو نظراســـــت. یکی این که‌اندیشه ئی کنجکاووـ جدی را وارد نمایش کرد .
آنچه در نمایشنامه های ایبسن جریان ـ دارد بسیار جـــد ی و تفکر انگیز است .
دیگر اینکه جـــای ان کـــه قهر مانانش را در طی چند یـن صحنه به نقطه بحرانـــی و اوج نمایش بکشاند ، نما یشنا مـه هایش را با شروع بحران اغا ز میکند . تماشا گران از گفـت و گو ی قهر مانان با ماجرا اشنـا میشو ند . سپس ایبسن بخـش عمده و اصلی نما یشنامه را بـه حل بحران اختصاص میدهـــد .
این روش به نما یشنامه هـــا ی ایبسن غنایی میدهد که بسیا ر مورد پسند تماشا گرا نی اسـت که خود را بر ای اند یشیـــد ن اماده کرده اند . بر عکس کساـ نی که تنها برای خند یدن یا در یافت اندیشه های معـدود و ـ معین به تماشا میروند ، از انها خو ششان نخوا هد امد .
نکته شگفتی آور اینکه نما یـش نامه نویس بزرگ دیگری هـــم که باایبسن برا بری میکنـــد از شبه جزیره اسکا ندیناوی بر ـ خاست او گست استر ینـــــد برگ سوئدی بـــود . استرینـــد بـــرگ گر چه چیزی ها ئـــی از ایبسن اموخت اما نما یشنامه هایش کاملا نوع دیگری است .
ایبسن و استر یند بـــر گ از نما یشنامه نو یسانی اند کـــه برای ما مسائل گونا گو نـــی را طرح می کنند اما مارا رها میـ کنند تا خود آن مسا ئل را حـــل کنیـــــم .

در آغاز قرن بیستم گــر وه (تیاتر هنری مسکو) به ســر پرستی کسنستانتین استـــا ـ نیلا فسکی (۱۸۶۳ ـ ۱۹۳۸) کار گردان بزرگ اتحاد شورو ی نما یشنامه هارا به سبك كا ملا جدید وبی سابقه به صحنــــه آورد . نام این گروه همو‌ا ره با نام انتون چخـــوف (۱۸۶۰ ـ ۱۹۰٤) نو یسنده بزرگ روس همراه است . قهر مانان چخوف اشخاص بزرگی نیستند که صاـ حب اراده نیرو مندی بـا شند انها آد مهای ضعیف و گاه تر ـ سووا بله هستند . اما چخـو ف عمق وجود انها را میکاود و بـه ما نشان میدهد . در نما یشنامه های چخوف شادی و اندوه ، ودـ لسوزی و تمسخر بایکد یگــر آمیخته شده انـــد .

نویسنده بزرگ دیگر روسی که پایه گذار نوع خــــاص از ریالیسم درادبیات شوروی است ودر نمایش نامه هایش بیشتــر افراد طبقات پائین اجتمـا ع را نشان میدهد مـاکسیم گورکـی (۱۹۸٦ ـ ۱۹۳٦) است .

ما کسیم گورکی آفر ینندە ریاـ لیستی است که تنها به عکــس بر داری از محیط و توصیف بی طرفانه قانع نیست بلکه او تمام احساس خود را همراه واقعیـت به انسان تلقین میکند . گورکی نمونه با شکوهی است از کساـ نی که از دانشکدە های اجتماع فارغ التحصیل شده است .





هـر و ری شتا بـند ه
در
نمایش نامه شب وشلاق

افغان ننداری بعد از اجرا ی دوپیس از ادبیات تیاتری کلاسیك فرانسه ، در نخستین هفته های سال روان - برای دومین بار بعد از پیروزی انقلاب «شب نشلاق »را به استیج اورد که اثری است درنوع خود همراه ویژگی های چند - ویژ گی های که باید انرا درمجموع بهارتباط بیشتر کارهای نویسنده در زمینه قصه و نمایش به طرح آورد و در روال تیا تری - شگرد اجرای آن و هدف جوئی اش به کاوش و بررسی گرفت . نخست بهمحتوای اثر بپر دازیم .

سوژه شب و شلاق - پیو ند عمیق و ناگستنی دارد با مضمون همه قصه های کوتاهی که « حبیب » به نگارش اورده ودر ان کوشیده است با شناخت عمیقی که از مردم باشنده سرزمین زاد گاه خود دارد - به عواطف درونی و شیوه تبارز احساس عاطفی آدم ها - - در زمینه های فردی بپر دازد کههم بستگی خود را باز مینه های اجتماعی حفظ میکنند و هم چنان که خود را و نهاد عاطفی خود را به شناخت میا ورند ، نیم رخی از جامعه وچگو نگی زندگی گروهی و همگانی را نیز مینمایانند .

نویسنده شخصیت های داستا نهای خود را از میان مردمی بر میگزیند که دو ران کود کی و نو جوانی اش در میان آنان سپری گشته و تیپ هائی نیزکه ارائه مید هد هرچند در کلیت خود میتوا ند نمودی همگانی داشته باشد ، اما درفضای نمایشی که برای انها ترسیم میکردد ، در زبان گفتاری وا سلوب لباس پوشی و کنش ها و واکنشها ی که دارند عنعنه ها و شیوه فکری ملیتی خاص را به نما یش میگذار ند و رنگ محلی میگیر ند . قهر مانان- وشخصیت ها در قصه های حبیب بیشتر از میان طبقات و گروه های ستمکش به انتخاب گرفته شده اند . نهاد عاطفی ادم ها در جریان بر خورد با حادثه های کهبه سراغ شان میاید به برر سی گر فته میشود . و از انجاکه آنها در زنجیر منا سبات غیر عادلانه پیچیده شده ودر زیر ضوا بط سالار منشی کهن و میراث مانده از اعصار دور به سر میبر ند - در بر خورد و رویا روئی با حوادث اگر از سوئی نمود هایرا از زندگی فقر زده - بیمار گون اسیر مانده در چا رچوبه خرافی ترین رواج های محلی و خالیاز هر امید و نوید برای اینده نشانگر میشوند ، ازسوی دیگر نیز نیم رخی از بای و خان وارباب را به تصویر میا ورند و بیداد گری وچپاو لگری و د دمنشی این گروه را - در بر ابر انسا نهای که کار میکنند اما گرسنه اند ،از زمین حاصل بر

میدار ند اما ناچار ند آنرا به بای پیشکش کنند و آنچه هم از نیروی بدنی شان باقی میما ند در بیگاری های اجباری به نفع زور گویان زر سالار هدر دهند که میتوان بهترین اثر نویسنده در این شیوه را سه مزد ور او دا نست .

ایده محتوی در اثر تیا تری شب و شلاق نیز از همین دست رخداد ها بوده ـ نما یشنا مه را به کار های دیگر نو یسنده در زمینه قصه نو یسی پیو ند میدهد و گره میزند شب و شلاق درواـ قع مجموعه ای از حوادث متضاد ودگر گونی است از نمود های زندگی ارباب و مزدور در ده و قشلاق که در دو بخش به ارا ئه میا ید .

در بخش نخست عصر شب نما یا نده میشود وعصر بیدادـ عصر حکومت شلاق و عصر آدـ مکشی های در خفا و طرح ریزی توطئه ها علیه‌بینوا ترین طبقات جامعه در تاریکی ـ با نماد هائی از چگو نگی منا سبات تو لیدی ورابطه دهقان وبرز گر با خان و زمیندار که همه چه از نظر طرح موضوع و چه در شیوه ارائه خصوصیت در اما تیک خود را حفظ میکند و در بیا نی هنری ارائه میشود .

آدم ها وشخصیت های قصه نیزدر این بخش نما یش دارای دورخ و دوچهره هستند رخی که بیانگر خصو صیت های روا نی فردی انها ست و چهره ئی که در ان نهاد عاطفی جمعی و منش رفتاری اجتماعی به گونه ئی به بررسی گرفته میشود که به آسانی میتوان از « من » فردیو منزوی به « من » همگانی و جمعی رسید و از ین راه به قضاوت جا معه نشست .

زمان قصه نمایش ، آخر ین سالها از دوران سلطه ی فر عون گونه ی یك اقلیت بهره کش‌و گرگ منش ـ به توده های وسیع انسانی است که در کسوت برده و اسیر از همه حقوق و مزایا ی عدل وداد محروم بود ند ودر مجموع زند گی شان و جو ه اشترا کی داشت ـ با انسان همه دوره های تاریخ در روند تکا ـ ملی خود و در نمود های بهره دهی و استثمار گری و به استثمار آئی که باید گفت شنا خت نو یسنده از این مقطع تاریخ شناختی است را ستین . و باز تاب این شناخت نیز در باز افرینی برش هائی از زند گی گروهی با عوامل درونی وبیرـ ونی به خوبی نمایانده شده‌است.

اگر این د اوری پشینیان را در کار و هنر تیاتر پذیر ا باـ شیم که هنر تیا تر در مجمو ع مثلثی است که نویسنده ، کارـ گردان و باز یگر اضلاع سه گانه آن به‌شمار میایند ، نا چار باید این اصل را نیز بپذ یریم که یك بخش از تیا تر کاری است ادبی که باید باضوابط و معیار های از نقد ادبی به جدا سا زی سره از ناسرهٔ آن‌بپردازیم واین جدااست از معیارهای که‌در شیوه ارائه هنری ویا بازی اثر وخلق و آفر ینش محیط قصه اثر به کار گر فته میشو د .

در یك قصه ی خوب خواه به شکل داستانی ویا نما یشنا مه و سناریو به همان گونه که دربر خورد وردیا روئی باحوادث باید طرح ها مشخص باشند ،به درستی بتوا نند نمو دی عینی و واقعی داشته باشند و با اوج و فرود مناسب و حادثه آفر ینی به جا گره اندازی وگره گشاـ ئی درست ـ آفریننده هیجان گردند و مقداری از بار عا طفی هنرمند را به خوا ننده ، نگرـ نده ـ ویا شنو ندهٔ اثر هنری القا کنند ، چهار بعد زمانیت مکا نیت ـ زبان و علیت نیز ارـ زش بخصوص میبا بند و چگو ـ نگی بر خورد هنرمند ونویسنده با این ابعاد تاثیر هنری اثر را افزایش ویا کا هش مید هد .

این چهار عامل ، افزون بر نکته های دیگر که به آن اشاره شد در بخش نخست نما یشنا مه شب و شلاق به خوبی در نظر گر فته شده است چنا نکه زمان و قوع حوادث‌مشخص است ودوـ ره ئی از تاریخ معاصر کشور را مینما ید که بیداد اهر یمنی از سوئی وبار وری اگا ها نه ذهنیت ها را از سوی دیگر ، شراره های خا موشی نا پذیر عصیان را برمی افروزانند و شرایط ذهنی ـ عوامل دگر گونی و واژ گونه گی ارزش ها را به میان میاورد . ـ محل و قوع حوـ اد ث شما ل کشور است جا ئی که ملیت ها در بیگا نگی‌ملیتی‌خود رنج‌میبر ند و جائی که اب فروان و زمین حاصل خیز دارد و به همین دلیل نیز با ی ها و خا نها ی اهر یمن کر دار از

انسان مزدور و از مزدور برده میسا زند تا منافع خود را بیشتر حفظ کنندو دام استثما ر رابر ـ ای عده ئی بیشتر ، مستحکم تر پهن سازند . بعد ملیت در نما یشنامه باز بانی سمبو لیك و اشاره ئی به بیان میا ید وزبان نیز ـ زبان گفتاری محل و قوع حوادث ـ یعنی ـ زبان اصلی مردم شمال کشور است که به این ترتیب وحدت و توافق بعد های چهار گانه از چشم نگر نده به دور نمیماند . نویسنده شب و شلاق در هیچ یك از صحنه های بخش نخست نما یشنا مه خود به عنوان تفسیر کننده ویا اندرز گوی ظاهر نمیگردد واین خود آدم ها وشخصیت های نما ـ یش اند که در بر خورد ورو ـ یاروئی خود با حادثه ها بیا نگر خصو صیت های روانی و عاطفی خود میگردند ودر مجموع هریك و یژگی های تیپیك خود را با بازی و مکالمه به بیان میاور ند که ای کاش همین خصو صیت در بخش دوم نمایش نیز حفظ میگر دید وجای برای انتقا د باقی نمیگذا شت .

در این بخش مراد این است که خصلت های متفا وت و از درون باهم متضاد دو نظام ـ یکی سر کوب شده ـ دیگر ی تازه به تولد آمده در مقایسه با هم به بیان آید و نشان دادهشود که چگونه داد جای بیداد را میگیرد و حق بر با طل پیروز ی میابد تا نگرنده رایاری دهد که خود به قضاوت نشیند وبداندکه چرا مردم از ان یك گر یزان بو ـ دند وبااین یك پیوند و آشتی دار ند . که اگر اینمطا لب مانند بخش نخست از بیان هنری بر خوردار میبود ونو یسنده در ان در حد راوی باقی نمی ماند و نمیکو شید که زیر بار احسا سش اندیشه اش را بانشاند هی خود در جریان حوادث به نگرنده القا کند ارزشهنریاثر نیز کاهش نمییافت و جای میدا شت که شب وشلاق رانمایشنامه ئی بدا نیم خوب ـ بی عیب وخا لی از نقص .

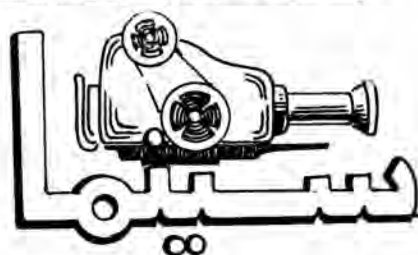
اهداف اتحادیهٔ هنرمندان ج.د.ا

اتحاد یه هنر مندا ن جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستا نعبارتست از ساز ما ن اجتما عی ،داوطلبانه وخلاق کلیه هنر مندان کشو راعم از نقاشا ن رسا ما ن مو سیقی دانان نوازند گان ، خوا نند گان **معمارا ن ، مجسمه سازان و پیکر تراشا ن ،خطاطان، عکاسا ن، کار مندا ن حرفوی و غیر حر فو ی سینما و تیاتر ، کار کنان صنا یع ظریفه دستی و دیگر هنر مندا نی که در حیا ت هنری و فر هنگی** کشور سهم فعال دار ند .

هدف از تاسیس و فعا لیت اتحاد یه هنر مندا ن عبار تست ازمتحد سا ختن و بسیج تمام هنر مندا ن کشور در جهت ر شد، تکامل وشگو فا نی فر هنگ و هنر مردم افغا نستان پر ورش ذوق هنری آ نها و تا مین این ما مو ل که غنای فرهنگی آفر ینش ها و **استعدادو خلا قیت هنر ی مر دمدر خد مت ار ما نها ، اهدا فووظایف انقلاب شکو همند ثور ، حفظو استحکا م دستاورد ها ی انقلا ب وساختما ن جا معه نو ین قرار** داده شود .

یکی دیگر از اهداف فعالیت اتحاد یه هنر مندا ن تا مین اتحاد وهمبستگی هر چه بیشتر کلیه اصنا ف و اقشار مرد م زحمتکش کشور بدور حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان شورای انقلابی وحکو مت جمهور ی دمو کرا تیك افغا نستان و بسیج و تجهیز کتلوی آ نها برای تشکیل جبههملی پدروطن و تحقق اهدا ف وا لا ی انقلابثور برای مبارز ه علیه دشمنا ن انقلاب و مرد م ، بهخاطر حفظ وحراست استقلا ل ملیو تما میت ار ضی کشو ر در را ه اعمار جامعه نو ین، مبنی برعدالت اجتما عی در افغا نستا نو د فاع از صلح و امنیت بین المللیودفاع از جنبش های آزاد ی بخش ملی ونهضت عدم انسلاك در جهان می باشد.

اتحادیه فعالیت خلا قا نه خود را بر اصل زر ین((هنر در خدمت مردم)) استوار سا خته زندگیوا قعی مردم و دور نما ی تکا مل آ نرا در فعا لیت عملی خو یش انعکا س مید هد.



رؤوف راصع

در جشنواره کبوتر صلح فریاد و سکون

- هنر -

کبوتر صلح عنوان جشنواره ئی بود سینمایی که اخیرا به تلاش و کو شش اتحاد یه هنرمندان به مقصد به شنا خت اوری شیوه و شگر دنگرش سینمای کشور و فراهم اوری مجال تازه ئی در بررسی و ارزیا بی فلم هائی که تاکنون به تهیه آمده است دایر گردید و در ان فلم های از افغان فلم ـ نذیر فلم ـ اریا نا فلم ـ شفق فلم و گلستان فلم بانام های‌اندرز مادر ،رابعه بلخی ـ مجسمه ها میخندند ـ سیاه موی وجلالی ـ جنا یتکاران و خانه پنجصد و پنجاه و پنج در معرض دید و قضاوت نگر ندگان وخوا هندگان این گونه اثار قرار گرفت . این نخستین جشنواره سینما ئی فلم های افغانی بود که در تاریخ فعا لیت هنر هفتم در کشور ما دایر گر‌دید ... برای این امکان فراهم امد که با دید ار از این مجموعه ـ با سینمای راستین کشور آشنا گردد و ببیند که در جریان دو دهه فعالیت این پدیده هنری چه گام های سست ویا استواری را در جهت باروای و شگو فائی و ارائه صداقت تصو یری به پیش گذاشته وچه نقشی در باز افرینی وا قعیت و در نشا ندهی نمود های عینی و واقعی زند گی از خود نشان داده و در سیرروند تکا ملی خود به چه پیمانه توانسته است در به پرورش گیری اندیشه ها و ذهنیت های تاریك مانده و یا به انحراف امده ـ در القای مفا هیم و در شعور دهی هنری پیروز مند با شد .

هنر هفتم در کشور ما هنری است نوپا و با اندکی کم یا بیش دو دهه فعا لیت که در کار هنری چون سینما اندك و کم مینماید اما سخن بر این است که در همه ی این سالها ی یا در بخش افزون ان ـ چه عواملی وجود داشته است چه قیدها و زنجیر هائی بر دست وفکر سینما گران ما پیچیده بوده است وچه نا به سامانی ها و نا هنجاری ها ئی به دور این پدیده تار تنیده ودوا ـ نده بوده است که هنر هفتم در کشور ما فقط توانسته است خو ـ دش را از مردن و ساقط شدن به دور دارد و به نفس کشیدن بی رمق و احتضار امیز خود هم چنان دوام دهد . این عوامل و این زنجیر پیچی ها اگر از شرا یط نا مساعد فنی افغان فلم که توا ـ نا ئی ان بیشتر در تهیه فلم های خبر ی و مستند خلاصه میگر دد در گذ ـ ریم نمودی دو گانه داشته است.

در نخستین رخ و چهره از شرایط و ضوا بطا ختناق اور و ابعاد این سبب سازی میبینی که اندیشه کشی عصر شب ـ عصر ـ سیاهی و عصر زور و پول عامل بوده است که روشنفکر سینما گرما که نمیتوا نسته است ـ وا ـ قعیت ها را به پرده اوردو بیان تصو یری را به هنر باز افر ین واقعیت های عمق و درو نی به سازد ـ فر یا دش در گلو به خفه گی امده و سکوت را به گفتن های شعاری میان تهی و پر زرق و برق ترجیح داده ازاین روی عرضه و ارائه یی ندا شته است اما در رخ دوم عواملی دیگر دست اندر کار به وجود اور ی این تنبلی و بطالت بوده است این عوامل را باید در شگر د نا ـ درست تورید کشور در بخش سینما به کاوش گرفت و به جلوه های بازار یا بی آن توجه کر د .

تورید گران فلم های خار جی به کشور به جای انکه بکو شند فراهم اورده هائی را به خورد ـ ذهن مردم ما دهند که در ان نمود هنر تصویری اشکار باشد و بیان تصویری در خد مت باز افرینی و باز نشا ند هی واقعیت ها در امده باشد به جای انکه سینما را به عنوان هنری ملتزم ور سا لتمند و مسوول به شنا ـ خت گیر ند و به نقش تلقینی و القائی قوی ان در بد امو زی توجه داشته باشند معیار های ارز شگذاری انتخاب فلم را در ـ میزان بازار پسندی و مشتر ی یا بی ان به سراغ گر فتند و این موجب گردید که به میزان فراوا ـ نی از بدترین هنری گونه ها ـ ی سینما ئی هند و ایران وتر ـ کیه و کشور های عربی و اروپا و امریکا پرده های سینما ئی کشور ما را در بسته در اختیار گیرد و با شیوه خاص پر داختی که اساس دنیا نگری و جهان بینی سینما گرانی از این دست بودنه تنها تما شاگر ما را در برابر مسخ واقعیت ها به جای وا قعیت قرار دهد بلکه انگیز ه نیز میشود که معیار های ارزش گذاری به فلم دگر گون گر دد و هر انچه نا مفیدوا غوا گراست امو زنده و نیك و خوب به سنجش اید .

این اشتباه و اشتبا هات دیگر در همین زمینه مو جب شد که از سوئی سینما رو ما هرتر فند و اغوائی را در کار سینما وا ـ قعیت انگارد و خود با تمایل روز افزون به رقص های کا باره ئی عشق های رو ما تیك و دور از واقع ، زدو خورد های هر کولی وروئین تنی و نتیجه گیری ـ های نا درست و نا روا از مسایل به طرح امده در فلم و اعتقاد به بی شائبه گی ان دیدی غیر واقع یابد ، رویا پرور و خیا ـ لباف شود ، ذوق هنری اش به انحراف کشانده شود و در نهایت نیز کار به جائی رسد که جز با تما شای حادثه سازی های ازاین مانند لذت نبرد و فلم خوب بی تما شا گر ماند .

از سوی دیگر نیز چنین شیوه و سیاستی توریدی در کار ـ سینما ـ سینما گر جوان ما را وا داشت در فرا اورده های هنر ـ ی خود به جای واقعیت بینی وباز افرینی واقعیت وبه جا ی الهام از درد ها و غصه های راـ ستین مردم وتیپ سازی برا بر و یا نزدیك به واقع به همین معیار های بازار یاب تو جه کند و در کار تهیه فلم د نبال روا بتذال گو نه های هنری تجا ـ رتی خارجی گر دد تا به این وسیله بتواند نگر نده را به دیدن و تما شای فلم خود رغبت دهد و با چوکی های خالی سا لون نما یش رو برو نگرد دکه نگاهی به فلم های ارائه شده در جشنو ـ ازه کبو تر صلح تا ثیر این دو عامل را به خوبی مینما یاند .

(اندرز مادر) نخستین فرا اورده هنری افغان فلم است بعد از به پرده امدن « روز گاران » از همین موسسه که کاری بود تیا تر ی بیش از سینما ئی وبه همین دلیل نیز ما اندرز مادر را اولین ساخته سینما ئی افغان فلم بر میشمار یم .

این فلم اگر به عنوان گام اولی در جهت به راه افتا دن هنر



يك اكت ازفلم مجسمه هامیخندند

هفتم در چو کات ضوابط معیـن ان به نگرش گر فته شودمیتوان از عیب های بی شمار آن چشـم پوشید اما با توجه به اینکـه شا لوده اشتبا هات نیز بـه وسیله همین فلم ها ریخته شد باید هر چند به کوتا هی پیرا ـ مون ان سخنی چند به گفت اید .

سینما هنری است تصویری ـ هنری که باید بیان در ان بـه تصو یر استوار باشد و ایـن تصویر ها با گویائی خود بـا واقعیت افرینی خود با شکـل ارائه هنری خود و با راسـت گرائی نما دی خود بتوا ننـد مفاهیم را به درستی ارائه دهند و از خود تاثیری القائی قـوی در ذهن نگرنده به جای گذارند.

واگر چنین نبا شد هنر هفتم نمیتواند در باز گوئی و باز افر ـ ینی مفا هیم فراوان را در نما د های اندك بنماید و برای هـر تصویر توضیحی لازم میا فتـد که با دیا لوگ ها و گفتگو های درزاز و کسالت اور باید براید .

بزر گترین عیب اند رز مادر در این است که به این اصـل عمده سینمائی توجه ندارد و در مجموع ـ صحنه های فلم سخن بیش از تصویر نقش باز گوئـی را به عهده میگیرد .

کر کتر های ارائه داده شده در اندر ز مادر نیز جهت تیپیـك ندا رند وخصو صیات انان بیشتر فردی گرا یانه است تا گرو هی و جمعی و این موجب میگر دد که تما شا گر نتواند میان حواد ث فلم و حوادث زندگی وا قعـی شبا هتی بیابد و عاطفه اش رابه نحوی با عاطفه گروهی پیو نـد دهد و گره زند .

دید سینما ئی به شیوه هنری گونه های تجارتی هندی وایرا ـ نی نیز در تمام لحظات این فلم حاکم است و حادثه سازی ها بر ـ همان روال و جهتی است که این فلم ها انرابه‌عنوان‌اصالتی درکار خود به پذ یرش گرفته اند و این هادر مجموع سبب شده است که اندز مادر فلمی باشد با سنار ـ یوئی مایه گرفته از مسایل زند ـ گی توده ئی خود ما و پردا خت و ارائه تویری بیگانه از خصو ـ صیت های اجتما عی .

از اندرز مادر که بگذریم وبه همین اندك گفتنی پیرا مون ان بسنده کنیم . میر سیم به فلم رابعه بلخی که باز افرینی ئـی بود از یك قصه اسطـوره ئی کشور ما فلمـی کـه تعدا دی از سینما گرانی انرا به پرده اوردند که هرچند تا پیش ازبه اکـران اوری این فلم هیچ تجربه‌ی عملی در زمینه ندا شتند از با اندیشه های هنر هفتم به شنا خت میا ـ مدند ودر رسالت هنر والتزا م هنـر و مسوول بـودن هنر ادعایی داشتند به همین سبـب هم این گروه که در واقع سینمای ازاد وغیر دولتی کشور را بنیان گذاشتند در نخستین ساخته ی خود به جای انکه بکوشند هندی گونه ی تجارتی را زیر نـام اثر ی داخلی به پرده او رند وبه جای انکه درپی معیار های بـا ـ شند که به فرا اورده شـا ن ویژگی و ارزش بازار یابی دهد و مشتری را با نماد های غیـر عینی ـ غیر واقعی و غیر راستین به اغوای تصویری نشاند ، یکی از بهترین اسطوره های مبارز ـ اتی کشور ما را علیه بیداد وبی عدالتی به انتخاب گر فتند وکو ـ شیدند به سینمای ما جهت تازه و اموز نده بخشند .

اما سینما گران دست انـدر کار رابعه بلخی نتوا نستند بـه گونه ئی که ادعا داشتند نظـر خود را در فلم پیاده کنند و این سبب گردید که کا ستی هـا بیش از افرینش هنری در ایـن فلم رخ نما یانـد واز ارزش ـ اثـر بکا هد .

بیان تصو یری در سینما در عین زمان باید بیا نی سمبو لیك و نشانه ئی هم باشد . با یـد گفتنی های فراوان را بتوان در

ان با یك نماد تصویری به گفت اورد واز هنر استعاره دران مایه گرفت که در غیر ان سینما به تصویر کن کلمات کتاب بدل میگردد ودر نهایت کاری میشود همپائی ـ عکاسی وانهم نه بهشیوه هنری بلکه به نوعی کا پی بر داری بدون اثر ینش و خلا قیت .

فلم رابعه بلخی فاقد بیا ن تصو یری سمبولیك واستعاره ئی است ونماد ها در ان هیچ گفتنی در پس انچه در ظا هر و تصویر نشان مید هند ندارند که به باز گوئی آور ند و ذهن نگر نده را در تلاش کشف چیز هائی ر هنما گردند که بیان ان را سانسورها ویاسیاست روز اجازه نمید هد از این روی بی جهت صحنه های فلم به دراز ی کسالت باری میرسد بی انکه در تاکید های تصویری و حادثه های که پی هم اتفاق میا فتد جز بیان ساده روا یتی اسطور ه نگر نده بامطلب تازه‌یی رو بر و اید .

در پر داخت های اسطوره ئی برای انکه انگیزه های عمل شخصیت ها و قهر مانان از چوکات بسته فردی گرائی و زمان بسته ئی و قوع حواد ث به در اید عواطف به تبارز کشیده شده در ان در روالی همگانی و همه زمانی رخ نمایاند وبه این ترتیب نگرنده از ورای زمانه‌ها ودوران ما بتواند عاطفه اش را با عا طفهٔ گر و هی وا جتماعی و تاریخی پیوند زند، باید (من درونی) با « من » بیرونی « من » فردی با « من » اجتماعی و « من » بسته ئی زمانی با « من » ورای زمان یکی شود و پیوند یابد در حالیکه به این مسایل در فلم رابعه بلخی توجه نگردیده و یا خیلی کم وبه ندرت میتوان در ان نماد های را به سراغ گرفت که این اصل در آن مورد نظر بوده باشد .

عیب دیگر رابعه بلخی در این است که چهار نفر دایر کترا ن با هم اختلاف نظر دارند و این عدم تطابق فکری واند یشوی در بیشتر صحنه ها ی فلم از دید نگرنده به دور نمیما ند .

اما باهمه این معایب که باید انرا ناشی ازبی تجربه گی ها وکم تجربه گی هادانست رابعه بلخی از نظر دکور لباس و فراهم اوری زمینه های برای نما یا ندن جنگ های بزرگ گروهی ایکه در قصه به ان اشاره شده است آثری است بزرگ در شرا یط سینما ئی کشور ما .

بعد از رابعه بلخی ، سینمای ازاد کشور مجسمه ها میخند د را به پرده اورد که اکنون به ارتباط نمایش در جشنواره روی سخن با ان است .

مجسمه ها میخندد رو نوشت ناقصی بود از هنری گونه های تجارتی برخی از کشور های همجوار که به جای انکه بکو شد رنگی محیطی داشته باشد نما د های عینی زندگی مردم مارا در دیده نگرنده قرار دهد ، برداشت ها و نگرش ها در ان عینی باشد ، در مجموع خود بتوا نـد واقعیتی ـ از زندگی گروهی را به بیان اورد و در ان خلا قیت و افرینش جای دنبال روی و کاپی گری را بگیرد بریده های چند از فلم های پر فروش را در روالی ناقص تر از نظر فنی به مقایسه هنری گونه ها در کنار هم چیده وبه این تر تیب کار اغوای نگرنده را در پهنای وسیع اسان گر دانیده بود .

در مجسمه ها میخندد همه حوادث فلم بر محور گزارش گونه هائی از زندگی یك هنر مند وا قعگرا و یك باند قاچاق مواد مخدره دور میخورد . اما اسف انگیز این است که نه زندگی این هنرمند در روالی از واقعگرائی به نما یش میاید و نه باند قاچاق در عملکرد خود ـ ویژه‌گی محیطی دا رد .

در این فلم در بیان زند گی هنر مند به اصطلاح واقعگرابه جای انکه به نمود های فکر ی رو شنفکرانه در عصر شب و سیاهی و اختناق اشاره گر دد و از دید هنرمند او ضاع نا به سامان و نا هنجار زمان و قوع حوادث فلم به بیان تصویری آید رو شنفکر در تار های زرین ورو یایی عشقی پر شور ـ روما نتیتیك و غیر واقعی پیچانده میشود و تمام لحظات زندگی او به ار تباط خواست های فردی و تنی به مطالعه میاید و به همین تر تیب باند قاچا قبری نیز به گونه ئی عملکرد دارد که حتی یك نمونه مانند ان را نیز در محیط ما نمیتوان یافت و باید امثال چنین رو یداد های را در فلم های هندی و ایرانی جست و بس .

در فلم سیاه موی و جلالی که افسانه ئی است بومی و محلی و دومین ساخته است از اریانا فلم نیز اشتبا هات از همین دست را به فراوا نی میتوان به سراغ گر فت .

قصه های روایتی بخش عمده ئی از فرهنگ عامه ی این مرزو بوم اند که هر گونه کا ستی و افزونی بی مورد ونا مسوو لانه

در متن ان گناه است و اگر قرار باشد بر اساس یکی از این قصه ها فلمی به پرده اید کار گردان و پیش از او سناریست باید روایت های چند گونه و گاه متفاوت از همی راکه پیرا مون حوادث قصه اثر و جود دارد ، یکبیك با هم به مقایسه گذارد و از ان میان ان یکی را اساس گیرد که وجوه اشتراکی بیشتری با مجموع قصه های روا یتی در همان زمینه دارا میبا شد ، باید اگر قصه معاصر ویا نزدیك به معاصر است محیط و قوع حوادث انرا از نزدیك ببینند با بزر گسالان اگاه در مورد به سخن نشیند از فورم لباس محل و روا جهای محل وبیان گفتار ی محلی اگاه گردد و بعد با استفا ده - از همه این دانسته گی ها طرح فلمنامه خود را بر یزد تا اثری که ارائه مید هد به دگر گونی ومسخ یك اثر بومی نیا نجا مد .

اما در فلم سیاه موی و جلا لی به هیچ یك از این موارد توجه نگرد یده در فلمبر داری حتی یك شات هم نمیتوان یافت که در محیط و قوع حوادث قصه به انجام امده باشد . زبان گفتاری فلم نیز زبانی غیر از زبان گفتا ری محل زندگی قهر مانان و شخصیت ها ی قصه است و افزون به همه اینکه افزونی های نا روایی نیز در متن قصه صورت گر فته که فقط به خاطر بازار یابی است و اصل قصه را آسیب فرا وانی میر سا نند .

جنا یتکاران تازه ترین محصول هنری سینمای ازاد کشور دومین اثری است که بعد از پیرو زی انقلاب به اکران امده است . از این روی سنار یو در این فلم به جای انکه مایه پذیر از حاد ثه سازی های کلیشه ئی و قرار دادی هنری گونه های تجارتی خارجی باشد پر داختی است به مسایل بنیا دی جامعه ایکه در ان زیست دا ریم .

در جنا یتکاران تلاش تهیه کنند ه بر این است که نمودهای از خان سالاری و پول سالا ری بافجا یعی که در زندگی گرو هی و همگانی پدید میاورند ، تصو یر گردد و تضاد عمیق وا شتی نا پذیر طبقاتی در نماد های از و قایع روزانه نما یانده شود . از این روی سوژه - و مضمون در سنار یوی این فلم میتوا ند رنگی از واقعیت های ملمو سی داشته باشد که توده ها ی وسیع انسانی ما با ان رو برو اند ودر زیر بار پر شکنج ان خرد میشوند اما شیوه ارائه تصویری ، صحنه سازی و حادثه پروری در فلم به گونه ئی است که این مزیت را از بین میبرد وبه اثر رنگی از کاپی گری ودنبال روی را میدهد

در جنا یتکاران هیچ نما دی سمبو لیک ارائه نمیگردد بیان تصو یری در ان هیچ تازگی ئی ندارد - خلاقیت و افر ینش هنری در ان فدای سطحی گرائی و رویه بینی میشود و تیپ های ساخته شده نیز در عملکرد خود وانچه که از نهاد عا طفی شان به بیان میا ورند وبه باز گوئی تصو یری میکشند ، جز جهت حرکتی انفرادی ندارند و به دشو اری میشود تصور گرد - که انان تیپ های زنده ئی اند که از گروه هم تیپ خود در جا معه نما یندگی‌دارند . این فلم هر چند به مقایسه فلم های از مانند مجسمه ها - غلام عشق -سیاه موی و جلالی - اندرز مادر و پنجصد و پنجاه و پنج میتوا ند تا حدی مورد تائید قرار گیرد ، اما میتوا نست فلمی بی عیب ترو ارزنده به پرده اید مشروط به اینکه کار گردان احساس و قضاوت شخصی اش را در وا قعیت های عینی ورخداد ها ی که به‌اساس ان حادثه افرین است مداخله نمیداد وبرای پر کشش ساختن وهیجانی کردن صحنه های فلم به مدد گیری از شیوه های هنری گونه ها نمیپرداخت.



صحنه یی از فلم جنا یتکاران

حادثه افرینی در فلم جنایتکاران اصالت محیطی ندارد. در نمایاندن خصوصیت های محلی انگیزه های عمل، واکنش ها وعملکرد ها زیاده روی مبالغه امیزی شده است تا جائیکه اغلبا حوادث رنگی استثنائی به خود میگیرد که از این مانند است دزدیده شدن دختر جوان از راه مدرسه، بی آبرو گشتن وی، خود کشی اش و واکنش نشان ندادن پدر او که فردی اگاه و روشنفکر نیز نمایانده میشود.

با همه اینها که بر شمردیم دایرکت، فلمبرداری و بازیدر فلم جنایتکاران به طور نسبی خوب است کارگردان در همان جهت مشخص و نادرستی که به حوادث فلم داده است در لحظات اثر خود تسلط دارد. زاویه های دید در کمره خوب به انتخاب گرفته شده اند ودر بازی برخی از بازیگران نیز درخششی چشمگیر دیده میشود.

و بالاخره خانه پنجصد وپنجاه و پنج نیز اثری است در روال هنری گونه ها با همان طرز دید وشیوه برداشت و حادثه افرینی.

در این فلم نیز تمام محتوی مختص است به لحظات عشق های پر شور با دیدی رومانتیك دور از واقعیت و جلوه های بیگانه از خصوصیت های اجتماعی و به این سبب در خانه پنجصد وپنجاه وپنج افرینندگی و خلاقیت، به جای زبان قوی وپر استعاره ی تصویری، به جای صداقت باز نمائی و به جای بازافرینیواقعیت ونشاندهی گوشه های اززندگی درروال محلی وویژگی اجتماعی فقط عشق است که نمایانده میشود و جنگ و سکس و برهنه گرائی و همه چیز های دیگر باز ارباب ومشتری پسند.

اما انچه در این اثر قابل تائید است لابراتوار موفق ان است وبالاخص سوپر امپوز های که در شرایط فنی لابراتواری ما نمایانگر تپش وتلاش فراوان است وواجد ویژگی های هنری.

راه اندازی جشنواره سینمائی کبوتر صلح واعطای دیپلوم های افتخاری به برخی از کارگردانان - فلمبرداران وبازیگران فلم های که در این جشنواره به نمایش امد گامی است مفید در به وجود اوری زمینه های تشویقی ورقابتی در کار سینما وچه خوب است بخش سینماتوگرافی اتحادیه هنرمندان که اکنون مسوولیت امور سینمائی را در کشور عهده مند است به فعالیت خود در همین حد بسنده نکند وافزون از راه اندازی جشنواره های در سطح ملی ومنطقه ئی بکوشد با ترویج سینمائی به نابسامانی ها و ناهنجاری ها در این زمینه پایان دهد و شرایطی را به وجود اورد که نگرندهوسینماروها که ذوق و اندیشه اش زیر تاثیر هنری گونه های خارجی به انحراف امده است، به مرور با ضوابط و معیار های فلم خوب هنری و اگاهی دهنده - واموزنده اشنا شود و در ارزش گذاری های خود منطقی قوی تر و سالم تر را - پیرو شود. از سوی دیگر این بخش اتحادیه باید بکوشد زمینه های رشد و باروری - وشگوفائی هنر هفتم را در کشور مهیا گرداند و با حمایت سازمان های سینمائی غیر دولتی به وجود آوری امکاناتی گردد که این موسسات هم تولید بیشتر بتوانند و هم ناچار نباشند برای بازار یابی و فروش فلم خود معیار های تجارتی را در تهیه های هنری خود اساس کار قرار دهند.

بخش سینماتوگرافی اتحادیه هنرمندان میتواند به همه این نابسامانی های توریدی وتولیدی خاتمه دهد. مشروط به آنکه پیشنهاد های مشخص رادر هر زمینه به مقامات مسوول ارائه دهد که افغان فلم از حالت انتفاعی خود خارج گردد. تورید فلم به وسیله دولت وسازمان های مسوول هنری به انجام - اید، قیمت خدمات افغان فلم برای تهیه کنندگان فلم های هنری ارزان محاسبه شود، مواد خام به فراوانی و قیمت تمام شد در اختیار شان قرار گیرد. در زمان نمایش یك اثر هنری سینمائی داخلی از نمایش فلم های پر فروش در سینما های نزدیك به ان جلوگیری گردد. سالون های نمایش نیز برای فلم های داخلی با شرایط مساعد داده شود و از همه مهم تر اینکه برای فلم های تولید شده بازار یابی شود.

این ها وده ها مورد دیگر که بازهم ما پیرامون ان سخن خواهیم گفت درشرایط کنونی در شمار کار هائی است که باید اتحادیه هنرمندان انرا به انجام اورد.

اعظمی پتنوال

دهنر رسالت

په انسانی ټو لنه کی دکور نیو نظا مو نو سره په اړ و ندهتو گه د هنری پدیدو پیداکوو نکی رو ل ستر اهمیت لری. انسا نی ټو لنه دبیلا بیلو ټولنیز و او بنتو نـو د مخالف لـوری سر ه یـی دهنری پیدا کوو نکی پرو سی د اړ پیـچ ځخهو ده نهشی کولا ی. انسا ند خپل پیدا ینبت لهو خته تر نـن پور ی دخپلو مادی او معنو ی اړتیاوو دپوره کولو اود طبیعتسره دمبارز ی له پاره په هځه او هاند کی دی . اود هنر په معیـــن چوکاټ کی یی د خـپلو ا نسا نـی ییدا کو و نکو کـــا ر و په ذریعه دطبیعت حالات اړو لی . اود ځان دلاپر مختیا او هو سا یی له پاره یی بیلا بیل و سایل جوړ او پهکار اچولی دی.

((هنر چی دوا قعیتو نو بیرته راگرځید نه (انعکا س) ده دسیاسی او اخلا قی روز نی له پاره یوهمهمه وسیله کیدای شی.دوا قعیتو نـو بیلوا لی او رنگا رنگی او هم په هنر کی د هغوی دانعکا س راز ـ راز وا لی د هنر بیلا بیلـــی څا نگی لکه ادبیا ت ، تیا تر ، مو سیقی ، سینما ،تیږ توږ نـــه (حجاری) نقا ښی ، رسا مـــی ، معمار ی ،خطا طی او دا سی نو ر منځته را غلی دی چی البتهنوموړی څا نگی دبشر دژو ند په تاریخی سیر کی یوځای او نا ببره منځته نهدی راغلی، بلکی دبشر دبشپړتیا سره سم یی پهبیلا بیلو ز ما نواو وختونو کیڅا نگی ښکاره شو ی دی او په را تلو نکی کی به هـــم دهنر داسی څا نگی را پیدا شی چی اوس یی مو نږ نه پیژ نو.»

هر انسان د خپلو اړ تیا وو د پوره کولو له پاره انسا نیوسایلو ته اړ دی او داوسایل بی د کار او هنری فعالیت څخه نه شی ترلاسه کیدای . دد ا سی و سا یلـــو رامنځته کو ل او جـوړول دانسان دپیداکوو نکی کار اوفعالیتسره سمه (مستقیمه) رابطه لری.دټولنیزو وسایلو پهرا منځته کولواودطبیعت داو ښتو ن پهسا حه کی د د ی وسایلو دکار دپر مختگ سره سم هنری ذوق لاو ده مو می.

اودټو لنیزو قوا نینو د حا کمیت سره په اړو نده تو گه هنر هـــم اوړی.

انسانی هنر دتاریخ په بیلابیلو دورو کی دبیلا بیلو هغو پو ها نو او لیکوا لو تر سختی حملی لاندی راغلی دی چی دحاکمه پا ټکیخدمت یی کاوه دوی به یواز ی (هنـــر) دهنر له پاره غو ښته او په هنر کی یی شخصی گټی دا خلی کړ یوی. مکر متر قی هنر ددی تیوری پـــر ضد پهټینگه تو گه سره و درید . او (هنرییدټولوله پاره او یاد خلکو لهپاره) و غو ښته پـــه او سنی وخت کی دهنر دپیژ ند نی پهمکله دیرو څه ویلی دی. ځینی وا یـــی ((چی دقوا نینو پر بنسټ په یوه شی یا مو ضوع باند ی دکار کولو قاعدی ته هنروایه شی . او همدا رنگه دوی څرگندوی چی (دنولسمی پیړ ی پهلو مړ یو و ختو نو کید یوه ایستیتیک پیدا ینبت(خلاقیت) دافاد ی (داکسپر سیو ن) لهپاره ښکلی هنرو نه را منځته شول..»

هره عینی پدیده چی په ټو لنیز چاپیر یال کی په الهام ښښوو نکی تو گهپیژ ندل کیږ ی همد غه د انسانی عینی حقا یقو محصـــــول ده چی هنر تریزیږ ی او هنر د ټولنیز شعور دیوهفورم په تو گهپه انسانی فعالیتو نو کی په بنسټیزه تو گه اخکل شوی، او ور دا خـل شوی دی.

دلته که موږ یو ساینټست او یا یو هنر مند سره پر تله کړو ، نو توپیر به یې په روښنا نه توگه را معلوم شي چې ساینټست پدیده په بنسټیزه او ما هیوی توگه سر ه څېړي. خو هنر مند یې په مشخصه توگه څېړي. مثلا په یوه ټولگی کی دبیو لوژ ی استاد شا گردانو ته دگل دجوړ ښت په هکله معلومات ورکوی . شا گردا ن ممکن دومره ور ته متو جه نه وی څکه چې پـه ور څنی ژو ند کی ور سره مخا مخ کیږ ی او یا یې عاد ی خبری گڼي. که دگل په هکله یو شا عر دو ی ته یو شعر ووا یی ، درست ، او قانع کوو نکی تشبیهما تو ړ اندی کړی ، د مشبه او مشبه به هـر اړ خیز و ضعیت او طبیعت ور ته حرکند شي. نو ډیره مینه ورسره ښیي او ښه‌ور ته متو جه‌کیږ ی لله چې انسا ن پر مخ ولاړ او په ټولنیز ژو ند کی یې د ښه اوخراب ښایسته او بدرنگ تر منځ تو پیر وکړای شو نو هنر را منځتـــه شو.

« هنر د ایستیتیک فعا لیت اود ټولنیز شعور یو خا ص فورم دی. هنر دانسا ن کار او د هغه د ننه ایز ی نړی ته ډیره ستره تو جه کړی. عینی حقیقت ټو لنیز ژ و ند او طبیعت بیر ته راگرځوی»

متر قی هنر د استثمـــا ر کیدو نکو پاټکو په‌گټه اود استثمار کوو نکو پاټکو پر ضد په مبارزه کی دسو سیا لیستی یا(ټو لنوال) ریا لیزم په بنسټ پر مخ ځـــی. ټولنوال ریا لیزم د انسانی ژونـد دپیدا کوو نکی اړ خ په ښوو لوکی راټول شوی دی. ټولنوا لریا لیزم دانسانی هنر ، دودی په لور دخلکو کلتور ی مر ستـه را جلبوی‌اوخپله انتقاد ی او انقلا بی جنبه لاپیاوړی کوی.

هنر مند دطبیعت څخه الهـا م اخلی او یاپه‌بل عبار ت د هنر مند شهکارونه دطبیعت دبیلا بیلومنظرو او منځته‌راو ړ نو محصول دی.

هنر مندټو لنیز ژو ند په‌بنسټیزه توگه انسانی کوی . او په ټو لنه کی هر ډول نابرا بری په داسی صور ت کی بیر ته راگرزو ی چې‌د استعمار کیدو نکی پاټکی غمو نه‌او ستږ نز ی پکی له ورا یه ښکاری اود حاکمه پاټکی پر ضد یـــی عادلا نه مبارزی ته رابولی.

پدی هکله الکسی ماکسیمو ویچ پشکوف داسی ویلی دی:

«زموږ مو جود یت هرو خت د غمو نو او کړاوو نو سره ملگر ی دی خو انسا ن دا بی شمار ه‌غمونه او تراژیدی د هنری کار پـه ذریعه له منځه وړی او په‌پله خوا یی‌اړوی. ماته بی ددی ډو ل او ښتــون څخه بل هیڅ شی دحیرا نتیا ا و تعجب وړنه ښکاری . »

ددغه ستر اد یب او هیو مانست په‌گرو هه یواز ی انسان د ښکـلا زیږه وو نکی دی او انسا ن دا د عاطفی او ښکلا یوازینی احسا س کوو نکی دطبیعت دناپایه سرچینو دتړئینولو ،او هغو ی ته دستـر،او ښایسته هنری ر نگ ور کو لو جو گه دی. او دی‌څرگندو ی چې ((په طبیعت کی چې د مو نږ څخه را چاپیر شوی دی اود مو ږ سره مخالف دی. هیڅ ښکلا و جودنه‌لری انسان دښکلا دخپل روح دډیر ی ژور تیا تعمق څخه زیږوی ...»

هنر دانسـ انی ټو لنی سره ،د هغی دسیاسی ، اخلا قی‌او هنری ژده کړو په‌پیژ ند لو او دد و ی‌د ودی له پاره دضرور ی و سا یلو دپه‌کار اچولو سره مر ستـــــه کوی.

په‌هـ نر اودژو ند په سا حه کی ایستیتیك ذوقو نه اود ښکـــــلا احساس دکار په پروسه کی رامنځ ته‌شو او همدا د انسانانو کار دی چې‌دطبیعت دښکلا څخه په الها م اخیستلو سره خپل ټو لنیز ژو ند ته‌رونق‌ور کوی اود سترو هنـر ی راسپړ نو (کشفیاتو) په لور قدم او چتو ی او هنری پرو سه لاغنی کوی.

«د هنر غني وا لی او وده ، د پر کنیز اما تور ی هنر ،د هغـو اود نسبی هنر دیووا لی پـــــه بنسټ ولاړه ده ...»

((د ارسطو په‌گ رو هه هنر په پوره تو که تقلید دی .د هنـــــر مقصد دادی چې انسا نی احساسات یـا عواطف (امو شن) پـــه داسی تو که رارو ندی کړی چې بیابیرته انسان د احساسا تی فشار څخه خلاص‌کړی. او بیر ته یی خپـــل پـا کوا لـــی یا لو مـــړ ی حالت ته راو لی. همدا رنگه دی وا یی چې هنر په تقلید ولاړ دی د مو ـ ضو عاتو تقلید دښکلا د منځنـــی انداز ی څخه زیات دی . همدارنگه دفردی مو ضوع څخه په کا فی‌توگه دما هیت یافور م دکا پی کولو په ذریعه هنر مند د خپل هنـــر مو ـ ضو عا ت اید یالیزه کوی . او یو مکمل ښکلی محصو ل منځتـــــه راوړ ی . هره ښکلا یو معلو م‌ستر توب او ترتیب لری.

دده په‌گرو هه تراژ یدی هـــم یو تقلیدی هنر دی. ترا ژ یدی دښکلی ژ بی د په کار ا چولو پـه ذر یـعه چـــی د شعر د و زن او سندر ی په ذریعه یی ارز ښت زیات شوی وی . دډیر لیری ځایه څخه پیښی جذب او تقلیدوی.

موسیقی، نقاشی او شاعری دهنری اکسپرسیون ورته فورمونه دی. دتراژیدی مناسبی وسیلی، دجدی موضوع داخلاقی پاکوالی، د درسونو اوداستیتیک ذوقیت څخه عبارت دی ...»

دایتالیایی فیلسوف بندیتو ـ کروک (۱۹۵۲ ـ۱۸۶۶) په گروهه هنر دجهان شمولو پیداکوونکی عقل دلومړنی فعالیت په توگه دټولو تیوریکو تجربو پیل دی.»

هنر دحقیقت دبیرته راگرزونی دیوی خاصي پوهې په توگه په انسانی ټولنه کی پریکړونی رول اداکوی او په هره ټولنه کی د هنر موضوع دنوموړی ټولنی په بنسټیزو کورنیو حیاتی موضوعاتو پوری اړه لري. دټولنیز شعور اصلی ونده په خپله د هنرپه سرچینو او جونگونو پوری په تړلی توگه ټینگتیا مومی. اودهنر خاص رول پکی ډیر زیات اهمیت لری. او د «ټولنیز شعور د یوه فورم په توگه د هنر خاص نقشونه د هنر اصلی موضوع اود حقیقت دبیرته راگرځونی، د هنر یفورم او هغو فعالینو په ذریعه، تعیینیږی چی په خپله د هغه په ذریعه په ټولنه کی سرته رسیږی.»

د هنر اصلی موضوع ډیره پراخه ده. دانسانی ژوند هر اړخ پهبر کی نیسی. ددی موضوع پهبراخه ساحه کی دانسان د هڅو او هلوځلو بهیر په ډیره روښانه او شننه ایزه (تحلیلی) توگه څرگنتیا مومی.

ستر هندی لیکوال او شاعر رابندرانات تاگور په خپلو فیلسوفانه او شاعرانه لیکنو کی د هنر اصلی لیاره او حقیقت دانسانی

عاطفی پوری اړونده او تړلی گنلی ده.

دده لیکنی په داسی یوه هنری سبك ولاړی دی چیلوستونکی ته واقعی هنری انځورونه په مخکی دروی. هغه څوك چیدده کوم شعر یا قصه لولی نو پداسی شاعرانه اندازکی څان احساسوی چی انسانی غرایزیی راوپښیږی او زړه یی غواړی چی دده په خوږو اشعارو یا قصو نور خوارهم ورزیات کړی.

اوس به دده دیوی مقالی څخه چی (دهنر څه شی دی؟) تر سرلیك لاندی لیکل شوی ده اود هنر اصلی موضوع یی پهښه توگه روښانه کړی ده یو دوه خبری رانقل کړو.

«... انسانی وجود دیوهکانون پهڅیر دی، چی باید دعواطفو لهلمبو څخه گرم وی. اوداعواطف لهدلمبو اود هغه دړنا دوړانگو پهڅیر هماغه هنر دی»

«...د انسان پهوجود کی، د عاطفی او نشاط دقوت یوه برخه ایښودل شوی ده چی غواړی دسبا دخیرانوونکی تل څخه بهرته لاړه او مومی اود مادی دځلانده لمر په وړاندی څانڅرگند کړی دادی دهنر حقیقت ...»

مترقی هنر د خپلو اړوندو قوانینو پر بنسټ پهټوله کی خپل رسالت پهستره توگه سرته رسوی اود زیارکښو او ټکو بهگټه دښکیلاك گرو دپانگی سره پهاړیبیح هغه عمومي میتودونه چی د خپل برگنیز توب د اهمیت څخه ډك دی، پهکار اچوی.

بورژوا ایډیولوجستان په یوه ټولنه کی د هنر درسالت او ستر رول په هکله څه نه وایی او یایی په مطلقه توگه ردوی. دوی گروهه لری چی «ننني هنر خپل پخوانی اهمیت له لاسه ورکړی دی او یووخت به دا رښتیا شی اود هنر سترفورمونه بهله کاره ولویږی نوره څه اړتیا به ورته ونه لیدل شی. او یا به له منځه ولاړشی همدارنگه دوی څرگندوی چی دننی هنر بیلابیلی پدیدی منفی فعالیتونه سرته رسوی.»

دپورتنی عبارت څخه څرگندیږی چی بورژوازی لیکوالان او متفکرین د هنر پیداکوونکی پروسی ته په کوم ارزښت قایل نه دی. او په هنر کیدښکیلاك گرو پهگټه فعالیتونه سرته رسوی. ددوی اصلی کاراوفعالیت دخلکو په پرگنوکی دبی خبری او ناپوهی پهمنځته راوستلو او د (هنری انځور) دماشین پهزور دښوولو کی راغونډ شویدی

د هنر درسالت دلاپیاوړی کیدلو او ښه پرمختیو لو له پاره باید هنرمند داسی آثار خونښ کړی چی د هنری پدیدو دفورمال او نیچرال اړخ څخه ماسواماهیتا زیارکښی پرگنی د خپلی مبارزی دلوری معلومولو ته راوبولی. په یوه ټولنه کی د هنر درسالتد پیاوړتیا له پاره باید دټولپوهنیز څرگونه بهکار واچول شی. ترڅو چی دنوموړی ټولنی دزیارکښو انسانان د امیدونو انځور په انتگرال توگه طرح شی.

ټاگور د هنر ډیر مختک په ساحه کی هنر د فلسفی سره گډوی او پوهی رول هم پکی ضروری گنی لکه چی وایی: «هنر باید دفلسفی سره ملگری وی او پوهی مسوولی دی چی د هنر لهپاره مواد برابر کړی.»

د هنرسا لت په خا صه تو گه پەدی کی دی چی دحقیقت د بیرته راگرځیدنی اود ایستیتیکو ارزښتو نه دعملی پیدا ینبت یو تو ب چی دټو لنی استیتیك ایډ یالو نه سره راټو لوی‌لا ټینگ کړ ی .ددی اړ خو نو یو تو ب پەگرا فیکه تو گه په یوه هنری انځور کی را گرز ی چی. د هنری در کیوفور م او دپیدا کوو نکی فعا لیت یــوه ټوله شوی نتیجه پەیوه تو گەهنری برا تیك تر ټبو ی . هنـــری انځور په مادی مفهوم کی چی‌د هنر دیوه خا ص‌ډو ل(لکه فور م،رنگ خط، غږ ، حرکت او یانو ر و درا تولیدو ځخه راپیداکیږ ی) گټو ر دی .چی ورو ستە یو هنـــر ی انځور یو مشخص او تصو ر ی عنیت لاس‌ته راوړی او د پیژندلـو وړ گرزی .

هنر دیوی دینا میکی پرو سی پەخیر پەټو لنه کی د خپل فعالیت دپر مختگ له پاره دستـــر و انځور گرانو په پیداکو نکو کارو باندی‌ولاړ دی . په انسا نی ټو لنه کی دیوه متر قی هنر مند رسا لت دهغه دآثرو نـو دستـر و پـوره اړ خو نو دپاخه ارز ښت ځخـــه نمایندگی کو ی . په یوه ټولنەکی همداد هنر مندآثار دی چی دنوموړی ټولنی فر هنگی او کلتور ی پانگه تشکیلوی او غنی کوی یی .

«پەټولنیز ژو ند کی په هنـــر باندی دپو هی دتاثیر په هکلەځینی ساینتستان باور لـــر ی چی پوهه یواز ی نه دا چی د هنر په محتو ی بلکی د هـغه د کـار پـه روش باندی هم تاثیر واردو ی نن ور ځ دهنر په هغه ستیل باند ی ډ یر بحث‌کیږ ی چی دننني پو هی‌دتاثیر لاندی وا قع دی . دانوی ستیـــل داختصار ، صا فـــو الی سلاست‌او دجزئیاتو داقتصاد ځخه عبارت دی ددی ستیل مدا فعین او ساتو نکی داسی گرو هه لری چی ز مو ږ یاغی اود پیښو نه ډ که مرحله(دوران) کی لوستو نکی ، لیدو نکی ، یـا تما شا کو و نکی او د مو سیقـی سره علاقمند تجر به کوو نکـــی داسی یوه هنر ته اړه لری . چی لنډوی. خو دد و ی دا فکر یـــوه افسانه ده او هیڅځا ی نه شـــی نیولای .په انسانی ټو لنه کی د نننی پو هی په ځنگ کی ډ یر ساینس پو ها نو د هنر درسالت په هکله بحثو نه گرم کړی دی د دوی په گرو ه د هنر ی پیـــښو ښننه پــه سمــه تــو گـــه دپو هی د اصولو سره تړ لی ده .

دوی ځرگندو ی په یو ەټو لنه کی هنر هله خپل پریکړو نی رول اداکوی او یوه مثبت مقام ته ځان رسوی چی دپوهی قوا نین‌پەپوره تو گه په ځان تطبیق کړ ی.

دننني زما نی د هنر اصلـــی هدف د مستندو موادو را ټو لو ل او په هغوی باند ی د باور ټینگتیا ده او دا په نننی هنر کی یو لارښوو نکی تمایل گرزید لی دی.

ددغه تمایل و ده او ټینگتیـــا اووده په خوا جلب د هنر ستــر اعتماد دی چی دساینس سره‌ځنگ په ځنگ ارائه کیږی .

په عملی ژو ند کی دکلتور د عملی ودی سره نیغ په نیغه هنراو پو هی هم دیوه او بل سره پـــه تماس پەیوه او بل باندی تاثیـــر واردکړ ی دی اود هنر او پو هی تر منځ داتاثیر نه دا چی نـــن را منځته شو بلکی دشلمی پیړ ی په منځنیو و ختو نو کـــمـی را منځته شوی‌و او په خا صەتوگه په دی نژدی لسیزه کی یی ډیره ټینگښیا او پیچلتیا و میندله.

دهنر او پو هی تر منځ اړ و نـــد قوا نین هنر په بنسټیزه تو گـــه پیاوړ ی او غنی کوی . او پەټولنه کی‌یی‌رسالتتا پرمختیاییاوتینگوی یی(په حقیقی بنسټ هنر او پو هه دډیرو نژ دی خوا صو درلودو نکی دی او دا دوا ړ ه ددی حقیقت په استناد دور ته خوا صو در لودونکی چی ددو ی له پاره او هد ف د پیژ ند نی پەلاس راو ړ ل او زموږ دچار چاپیره نړی کنترو لو ل ،د انسا ن او ټو لنی په باره کـــی د معلو ما ت دحا صلو لو اود هغه دودی او پور ه وا لی دپر مختگ ځخه عبارت دی . خو له بله اړخه د هنر او پو هی تر منځ اختلا ف ددی حقیقت په استناد ټینگ د ی چی د هنر ما هیت درك کیدو نکو اصولو ته نه شی را ښکته کیدای اود هنر پەسا حه کی د ر ك یـا (پیژ ند نه) دپو هی دسا حی سره پەتوپیر دجلا ینځ یا طبیعـــت در لودو نکی ده.

په هنر کی دحقیقت دکا پـــی کولو دمو ضو ع هنداره دانسا ن اود هغه ددا خلی نړی د هغه پـه فعا لیت اود هغه دچار چاپیر ەنړی سره د هغه اړو ندو نو(ارتبا طاتو) ته مخا مخ ایښودل شوی ده .

خود هنر په سا حه کی د درك وړ پرو سی اختصا صی نقشو نه په دی باندی نه دی محدو دشوی پەهمدی تو گه دعلمی حقا یقـــو او قوا نینو راسپړ نه ذ هنیت‌دفع کوی او همدا رنگه دا حقا یـــق او قوا نین (شخصی) خوا ص یا نقشو نه نه لری . هنری‌تعمیـــم هروخت دهنر مند دپیدا کوونکی شخصیت دنایی په توگه را منځته کیږی .

په هنر کی عینی او (شخصی) پهیوه کل ار گانیك کی را غونډیږی اود هنر مند ذ هنیت (چیدذهنیت سره گډ یا متشنج شوی نه و یدی ته گمار ی چی دانسا ن په ژو ند کی نوی او مهم ولټو ی او راو ی سپړی خوداپه پوره تو گه نه شی کولای چی د هنر مند په حقیقت کی دتیپیکی او عمو ما د مهـــم دراسپړ نو څخه راو گرزو ی بلکی هغه په حقیقت کی دفهم(پو هیدنی) اود هغوی دانځورو لو دپرو ســی یوهدننه ایزه (کورنی)برخه ده.

لکهچی مخکی مو وو یل چیهنر دټولنیز شعور دیوه فور م پهتوگه دانسا ن داحساسا تو او لید نــو بیرته راگرځوو نکی دی نو همدا رنگه داد هنر مندو ظیفه ده چیپه ټو لنه کی دانسان دفعالیتو نــوـ مهم او اصلی اړ خو نه په نویتوگه وڅیړی اود خپل ذ هنیت د اصلی ودی پر بنست دانسان داحساساتو انځور په داسی تو گه و با سیچی لیدو نکی یاکتو نکی په عا قلا نه تو گه دانسا ن دژو ند انځورشوی اړ خ په(مستنده) تو گه ســـره وپیژنی.

زموږ په پښتو ادب کی د هنر درسالت اود هغه دستر اهمیتڅخه ډیرو سترو شا عرا نو یادو نـــی کړی دی او هنر یی په خپلـــو شا عرا نه رو یاوو کی دټو لنیډ بنسټ دیوه ستر اړوو نکی عا مل پهتوگه بللی دی زمو ږ دپښتنـــو سترز مر ی پښتون شا عــــــر (خو شالخان بابا) په گرو هه باید انسا ن ځا ن بخت او طالع تهو نه سپار ی او هغه لاره چی په مخکی یی نیو لی ده په خپله پو هه اوهنر باندی پر مخ بوز ی اود نا امید ی لاره و نه نیسی اود پیسو اوما ل څخه هنر ځا نته غور ه گنی لکه چی دی څه ښه وا یی:

که طالع او هنر دواړه سر ه کیږ دی

زه (خو شال) به ښکی و نیســم هنر

لندهه دا چی هنر په ټو لنه کی دخپل اهمیت او سر رسالت پــــه در لود لو سره په پورهتو گه ،د ټو لنی دډیرو نو رو سا حـــو سره په اړ و نده تو گه پر مـــخ ځی او هنر دټو لنیز شعو ر دنورو فور مو نو لکه سیاست او قانو ن پهځیر یواز ی د اقتصادی سا حـی سره په سمه تو گه نه دی تړ ل شوی. داقتصاد سره د هنر اړو ند توب دزیاتو فکتورونو په ذ ر یعه دسیاست ، قانو ن او اخلا قـــو پـــــه منځگړ ی تـــو ب ټینگیږ ی یواز ی اقتصادیسا حه د هنرپهو ده باندی تاثیر نه اچوی بلکه نور مر ستندو ی عوا مل هم شته چی په مر بو طه تار یخـــی مر حله کی دپاټکیز ی مبارز ی ځا نگړ نی اودټو لنی سیا سی او معنوی ژو ند دودی دسا حی پــــه گډو ن په هنر باندی تا ثیــــــر اچوی .

هنر پهټو لنه کی د پر ستـــر فعالیتو نه سر ته رسو یاوټو لنی ته دطبیعت ایستیتیك اړ خو نهپه ډیر ه نژ دی او حقیقی تو گـــــه انځوروی.



به قلم: اسماد هروی

بمناسبت بز رگدا شت هزا رو
دوصد مین سال و فات خالدبرمکی

توجه برمکیان به‌موسیقی

بر مبیا ن خانوا ده فر هنگ دو ستو دا نش گسترو هنو پرور وسیاست مدار ی بو دند که در تاریخ خراسا ن ز مین چه‌پیش از اسلام و چه بعد ازآ ن، شهرت واعتبار بسزا یی دا شتند .و لی در زما ن خلا فت عبا سیا ن‌بویژه در عهد هارو ن الرشید(۱۷۰ ـ ۱۹۳ ه ق) سخاو ت و بخشش مملکتدار ی و دا نش پر ور ی این خاندا ن به اوج ترقی‌و تعا لی‌رسید چنانکه این امر باعث نفوذ سیاسی اجتما عی و مرد می ایشان گردید وبر قدر ت سیا سی خلیفه و قت عباسی اثر نهاد تا اینکه ها رو ن الرشید بنابر تو طئه قبلی در ی قلعرو قمع این خا نوا ده خراسا نی الاصل بلخی فر هنگ گرا افتاد و آنانرا باکشتن جعفر بر مکی فرزند یحیی بر مکی از میان برد. برمکیان معرو ف در بار خلا فت عبا سی عبارت بودند از: خا لد(۹۰ـ۱۶۳ ه ق) وفرزندو ی ابو علی یحیی (۱۱۵ـ۱۹۰ ق) و دو فر ز ند یحیی فضل (۱۴۸ـ۱۹۳ ق) و جعفر (۱۵۰ـ۱۸۷ ق).

اکنون در این مقال نقش ایـن خا ندا ن معتبر و مشهو ر را د ر یکی از پدیده های هنری آ نروزگار یعنی مو سیقی و آواز خوا نی بر رسی کرده و بذل و بخشش وتوجه‌و غمخوار ی آ نانرا در راه تو سعه و گسترش این هنر اصیل خراسان ز مین مورد مطا لعه‌وتدقیق همه‌جانبه و کلی قرار مید هیم.

مسعود ی در مروج الذ هب از ابن خر داد به نقل میکند ، که گو ید:«مو سیقی ذ هن را لطیف واخلاق را ملا یم و جان را شاد وقلب رادلیر و بخیل را بخشنده میکند ، وچون شراب خر ما که غم توان فر سا را می بردو نشا ط می آورد وغم می زداید ، مو سیقی به تنها یی نیز چنین میکند . فضیلت مو سیقی بر سخن چون فضیلت سخن بر گنگی یاشفا بر مر ض است ... ملوك عجم جز به‌آهنگ مطرب یاافسانه ی شیر ین نمی خفتند ... کود ك از مو سیقی لذت می برد و گر یه اش را به خنده مبدل میکند . یحیی بن خالد بن بر مك میگفت: مو سیقی‌آنست که تو را به طرب آردوبر قصا ندو بگر یاند و متاثر کند و جز آ ن‌هر چه باشد رنج و بلا ست »(۱)

حالا که به مفا هیم‌وتوجیها ت‌و تفاسیر و اهمیت انسا نی‌ومرد می وروانی مو سیقی اشاره کرد یم و ارزش آ نرا در روز گار پیشین یاد نمودیم ،نظر می انداز یم بر جا معه شنا سی مو سیقی و چگو نگی سیر تکو ین‌آن‌وبالا خره تو جه بزرگا ن و خا ندانهای مهم از جمله همین خا نوا ده‌بر مکیا ن رابه این فن شر یف و پر اهمیت باز گو مینماییم.

چنانکه مبر هن است موسیقی از همه هنر ها ی ز یبا نشا ط ـ انگیز تر است ز یرا هرو قت که‌شعر و نقاشی از بیان جذبه های درونی و کشش ها ی رو حی وا میمانند ، آنو قت نو بت‌موسیقی فرا میر سد. انکشافو پیشر فت فن مو سیقی مستلز م تهذ یب

---

(۱) ر ك . مروج الذ هب، مسعودی ، تر جمه : ابو القا سم پاینده .بنگاه تر جمه‌و نشر کتاب. ج‌دو م ،ص ۶۲۰

وتمدن بشر در مراحل مختلف ترقی و تکامل آن بوده است. به قول ابن خلدون «فن موسیقی در اجتماع هنگامی متداول میشود که عمران بشری ترقی کند و از حد نیاز مندی های ضروری در گذرد و بمرحله شهر نشینی ، و آنگاه امور تجملی و تفننی برسد . آنوقت این فن به وجود میاید ، زیرا تنها کسی بدان توجه میکند که از لحاظ کلیه نیاز مندیهای ضروری و مهم مانند وسایل معاش و خانه وجز اینها آسوده خاطر باشد و بنابر این به جز کسانی که از همه جهات زندگی در رفاه و آسایش اند دیگران در جستجوی آن نیستند و به منظور تفنن و طلبیدن شیوه های گوناگون لذتها و خوشیها بدان دلبسته می شوند و پیش از پدید آمدن اسلام در روزگار قدرت کشور های غیر عربی فن آواز خوانی و موسیقی در شهر ها و پایتخت های کشور های مزبور رواج بسیار داشته و توسعه یافتن آن همچون دریای بیکرانی بوده است (۱)

از بیان ابن خلدون بخوبی واضح می گردد که تکامل جوامع بشری از مرحله ابتدایی بمرحله ی بعدی و پیشرفته سبب توسعه و گسترش فن موسیقی میگردد و بنابران از چگونگی عروج و نزول این فن شریف انسانی و احساسی میتوان سیر تکامل جوامع بشری راباز گو نمود . مسلما جوامعیکه در گذشته بدین فن توجه نموده وبرآلات و افزار آن کوشیده اند ودر تنظیم و تدوین نغمه ها ، آهنگها و دستگاههای آن همت والایی به خرج داده اند ، یقینا تاثیر جان بخش موسیقی را نیز بهمان پیمانه افزایش بخشیده اند و راه تکامل و تعالی راهموار کرده اند ،ولی جوامعیکه درین راه بنابر داشتن فرهنگ عقب گرا ودیگر معتقدات ذهن گرایانه مانع گسترش موسیقی شده اند ویا اینکه از مفاهیم عالی و کلی و همه جانبه فن موسیقی بردا شت نژادی ، و قبیله گرایانه داشته اند. نه تنها ارتجاعی عمل کرده اند بلکه خود تیشه به ریشه ی فرهنگ ، تمدن و ترقی وتعالی زده اند . از اینجاست که بدین نتیجه میرسیم کهحمایت و پشتیبانی از فن موسیقی که سوابق درخشان و پویایی در کشور ما داشته است ، یکی از نشانه های تهذیب و تمدن شمرده میشودو یکی ازان بخشهای عالی هنری است که باید آنرا در خدمت توده ها گماشت .

موسیقی از کلمه میوز الهه شعر و هنر های زیبای یونانیان گرفته شده است . بعقیده یونانیان این ربته النوع نه دختر داشت و هر یك از آنها موجد علوم و فنون گوناگون از شعر وادب، ترانه و سرودو غیره بودندوبنام میوزیس خوانده میشدندوازهمین کلمه است که عرب موسیقار یا موسیقور رابه معنای رامشگر و خواننده و نوازنده به کار برده وفن نغمه پردازی یا علم پرده را موسیقی مینامند . (۲)

از اشعار شاهنامه فردوسی بر میاید که در بزم بزرگان زنان زیبا رویو قشنگ و خوش الحان بیشتر به بزم موسیقی می نشستند بربط می نواختند و به صورت گروهی بر نامه اجرا میکردند . فردوسی گوید:

نشستند خوبان بربط نواز
یکی عود سوزد یکی عود ساز
سراینده یی این غزل ساز کرد
دف و چنگ و نی را هم آواز کرد

اعراب در فن موسیقی تحت تاثیر خراسان زمین قرار داشتندو اکثر نواها و پرده های مردم خراسان زمین را تقلید کردند . چنانکه تاریخ گواه آنست مردم خراسانزمین از خودموسیقی جداگانه و مشخص داشتند که بیانگر تکامل اجتماعی و مدنی و محیط زیست آنان بوده است . جوامع خراسانی در موسیقی شان نغمه ها رابر دوازده برج قسمت کرده بودند و آنها را در اصطلاح مقامات میگفتند . این تقسیم مربوط به نغمه های ساده ومعمولی بود ولی از نظر زیروبم وپستیو بلندی آواز ، بدو قسمت جداگانه و مطابق ساعات شبانه روز به بیستو چار نوای مختلف قسمت کرده و آنهارا اصلموسیقی قرار داده اند .

در عصر اسلام خراسانیان موسیقی را از سر نو ترکیب کرده و از این جهت بسیاری از نامهای خراسانی را دراصطلاحات عرب مشاهده میکنیم.

گذشته از نغمه های ساده واصیل ،خراسانیان دو آواز را با هم ترکیب کرده الحان مرکب میساختند و آنهارا در اصطلاح خود آهنگ مینامیدند :

(۱) رک. مقدمه ابن خلدون . ج دوم ، چاپ ایران، ص ۸۵۱

(۲) رك. برمکیان ، عبدالرزاق کانپوری ، ترجمه سید مصطفی طباطبایی ، چاپ ایران ص ۱۷۰

مغنی بکی تار ء آ هنگ را
بده راستی قا مت چنگ را

ونغمات نشاط انگیز ی که ا ز تر کیب آواز ها ی خراسا نی و عرب به‌و جود آمد از این قرار بود:

۱ــ بهار نشا ط ،۲ : غریب ، ۳: سوار، ٤: غمز ده ،٥:سرفراز، ٦ــ بسته نگار ، ۷ ــ دلبـــر ، ۸ــ اوج کمال ، ۹ــ نـگـــار ، ۱۰ــ شهر ی ،۱۱ ــ عشرت‌انگیز،

افزون‌بر آ ن ، آواز ها و نوا-های دلکش دیگر ی دا شتند کـــه مشهور ترین آ نها عبار ت بوداز:

۱ــ باغ سیاو شا ن .
۲ــ باد نوروز.
۳ــ بانگ عنقا .
٤ــ بند شهر یار .
٥ــ بهار شکسته .
٦ــ چغانه .
۷ــ پر ده ز نبور.
۸ــ پرده قمری.
۹ــ پرده یا قوت.
۱۰ــ پنجه کبك .
۱۱ ــ نوای خار کش .
۱۲ــ دل انگیز.
۱۳ــ سیر بهار .
۱٤ــ شاد بادو غیره.

آلات مو سیقی در صدر اسلام عبارت بود از بربط ، دف، چنگ نی‌که از آلات مو سیقی بسیا ر قد یمی خراسانیا ن بوده است . دهل، کوس و کر نا (نی بزرگـــ) را معمولا در میدانهای جنگ بصدا می آور ند . از آلا ت مو سیقـــی دیگر مخصو ص خراسانیا ن،طنبور کمانچه . قانو ن(که ابو نصـــر فارا بی آ نرا به‌و جود آورد) و ارگن بوده است . در عهدعباسیان آلات مو سیقی که‌بو سیله سیم به صدا می آمد رو نق گر فت که‌آنها را (معازف) میگفتند و معز فـــه ابت مو سیقی شبیه سار تگـــك امروزي بود.

تر قی مو سیقی عر ب تا حـد زیاد ی مر هو ن کنیزان‌وغـلامانی بود که بواسطه ذوق سلیم آ وازو مـــو سیقی خر ا سا نی را در میان مردم رواج دا دند و بعد در دورا ن خلفا ی عبا سی و بر اثر بخششها و انعا ما ت‌برمکیا ن این فن بیش از حد انتظار مرا حل کمال را پیمود .

یکی از مور خین‌عرب گو ید : پس از خلفا نو بت بر مکیــــان رسید.و آ نها دو ستدا ر دا نش بودند وادباوش معراء را دور خو د جمع کردند و از جمله خوا نندگان مورد علا قه آ نها ابرا هیم‌وپسر ش اسحاق مو صلی بو دند . این دو نفر بواسطه الحان ونغمه های گو-ناگون که از خود میسا ختند د ر مو سیقی شهرت ز یاد پیداکردند. ابرا هیم می پندا شت آواز ها یی را که انسان از خواند ن‌آن عا جز است ارواح در عالم رؤ یا بدو می آموزند . ابرا هیم مو صلـــــــی در فن مو سیقی یگا نه عصر خود بود و در خواند ن آ واز واخترا ع آهنگها و دستگا ههـا ما نـنـــد ندا شت .ابرا هیم مو صلی غالبا آهنگ هایش را بو سیله کنیزکان خوش الحا ن به مجالس نشا ط و با ده‌گسار ی خلفای عبا سی‌و نیز محافل برمکیا ن عر ضه میکر د . وی دریك نو بت از یحیی بر مکی، جهت ارائه آ هنگ دلکش خود ، پنجاه هزار در هم دریا فت داشت که‌پول هنگفتی شمرده میشـــد.

اسحاق مو صلی فرز ندا برا هیم نیز در موسیقی گوی سبقت را از پدرش ربوده بود .او در ســا ل ۱٥۰ ه .ق بد نیا آمد ودر سا ل ۲۳٥ ه .ق و فا ت یا فت و ا ز بر مکیان صد ها هزار در هم و دینار صله‌گر فت .

بر اثر تشو یق بر مکیـــا ن، مردم عشق ز یاد به مو سیقــــی پیدا کر دند و حتی می تـــو ا ن گفت که خلفای عبا سی که‌تا حت تأثیر فر هنگ خراسا ن‌ز میـــن قرار گر فته بو دند . به خا طر ی به موسیقی ونواز ندگان‌علاقمند ی نشان دادند که‌ز مینه برای این‌امر مهم فرا هم‌ش مده‌بود وکنیز کا ن زیادو حتی مردهاهم‌در مجا لــس بزم‌زنان سر شنا س در بار ی‌راه یافته به‌آواز خوانی می‌پردا ختند. در کاخهای رون الر شید بیش ازیك صد کنیز در فن خوا نند گی سر آمدبو دند . در سرای بر مکیا ن بیش از کا خها ی خلیفه مجا لس شادی و سرو ر وبزم مو سیقـــی دایر میشد و هر کدا م از آ نـــان کنیزا ن هنر پیشه از خودداشتند.

دنانیر کنیز یحیی بر مکی به‌قدری خو ش آواز بود که گا هی خلیفه برای شنید ن آواز ش بخا نه یحیی میرفت . در خانه ها ی‌بزر گـــان خراسانی وعرب نیز به تقلید ا ز بر مکیا ن بز مهای مو سیقی‌زنانه تشکیل میشد و پری‌چهره گـــا ن باآوازها ی دلنشین خود ز نا ن‌را سر گرم میسا ختند .تو جه بـــه وسیقی درعهد بر مکیا ن بدا ن پایه رسید که انجمنها ی منا ظره میان طر فدارا ن مو سیقی قد یم ما نند ابن جا مع ، فلیح و یحیـــی ر مکی با هوا خواها ن مو سیقی صلاح شده یو نا نی ، تشکیـــل میگرد ید . خلفا براثر آمیز شـــ باخراسا نیا ن تمدن سا ده و بی پیرایه عرب را بکلی فرا مو شـــ کردند و روح فر هنگ بارورخرا-سا ن ز مین بر آنها غلبه یا فت

وتر قی مو سیقی در عصـــــــر طلا یی اسلام نیز دنبا له نفو ذ همان آداب و سنن و تمد ن سر زمین بارور و فر هنگ گستـــــر خراسا ن بود .

در باره دنا نیر کنیز مینویسند که این کنیز آوازه خوانو خنیاگر وموسیقی دا ن بسیار ما هر یبود کهشهر تی یافت . هارون الرشید چنا ن اظهار علا قه به دنا نیر می کرد کهز بیده ز نش نسبت بــــه او حسدور زید و بدگمان شـــد . هارون غالبا بهخانه یحیی بر مکی میر فت تا آواز دنا نیر را در آنجا بشنود کهزبیده حسد نورز د. یك بار خلیفه هارون الر شید گر دن بندی راکه سی هزار در همارز ش داشت باو بخشید .

هارون کمی بعد از مر گـــك یحیی بر مکی دنانیر را احضا ر کرد و از او تمنای خوا ند ن کر د وگفت:« برم کیا ن بحس اطمینا ن منعم خود شا ن خیانت ورز یدند واز این حیث در خـور مـجازات شدیدی بوده اند و دنا نیر با ید آنهارا فرا مو ش کند و باین فکر باشد که دیگرا ن با اشتیا ق ، صلات و پا داشها یی باو خواهند داد کهچند برابر بیش از آ نخواهد بودکه از صا حب سابق خود در-یافت میداشته است . »

دنانیر درجوا ب خلیفه گفت که او هر چه را دارد از بر کـــت بر مکیان است. حتی افتخـــار تقرب بدربار خلیفه ر ا نیزمدیو ن بهآنهاا ست و پس از انقرا ضـــ آن مردم نیکو کار ، دیگر آ واز نخوا هد خواندو گر یه صدا یش راقطع کرد . هارون مسرور غـلام خودرا احضار کرد و باو گفتآنقدر دنانیر راشکنجه دهد تابخوا ند . دنانیر ناگزیر عود را بـــر گـرفت واشك ریزا ن ،چنان اشعار ی ر ا خواند که قلبخلیفه به رقت آ مدو متاثرشد و دنانیر را مر خصکرد وبنابر بعضی روایا ت دنا نیربیش ازچـــند سا عتـی پس از سقـوط بر مکیان زند گی نکرد .(۱).

بنابر پاره ای روایا ت دیگردنا نیر عمر دراز ی کردو لی همیشه بـــه فکر بر مکیا ن بود.عقیل غلامصالح بن رشید از او تقا ضا یاز دوا ج نمود . دنا نیر که همیشه دا غ بر مکیا ن رابردل دا شت بهنا له هاو تضر ع عقیل وو سا طـــت صالح بن رشید اعتنایی نکرد (۲)

در باره جعفر بر مکی فرز نـد یحیی بر مکی گو یند فر یفتـــه مو سیقی بودو شخصا به فـــن مو سیقی آگا هی دا شت. ابوزکار اعمی خنیاگر و آواز خوان معروف ازدست پروردگان جعفربرمکی بودو چنا ن به آقای خود اراد تومحبت میورز ید کهپس از قبل جعفـــر دیگر میل به ادا مه حیات خو د نداشت و در خواست کرد تاوی رانیز که دست پرور ده جعفـــر بوده است بکشند.

برا در هارو ن الر شیـــد «ابرا هیم بن المهد ی» کـــهاز دو سمت دارا ن مو سیقی بود و خودش نیز مو سیقی می نواخت باجعفر بر مکی دو ست بـــودو همواره اورا می ستود . بنا بـــر روا یتی آواز خوان معرو ف«عریب» دختر جعفر بر مکی بود و چو ن ما در او کنیز کی بود مو سو مبه فاطمه ،جعفر نتوا نســت او ر ا نگهدارد تا اینکه شخص دیگر یبه نام عبد الله(عریب) را تحـــت آموزش گر فت و این د ختـــر مو سیقی و خوانند گی را آمو خت ودربغداد مورد تو جه عمو م قرار گرفت ، ز یرا هم صا حب جما ل بود و هم وا جد کمال ، همشاعره بود وهم موسیقی دان .(۳)

این بود شمه یی از خد مـــات بر مکیا ن کهبه عالم مو سیقــی و هنر آوازه خوا نی نمو دند ویاد فر هنگ بارور شانرا جاو دا نـه ثبت تاریخ نمودند ، یاد شا ن به خیر.

اکنون که ازآن بزر گوا را ن یاد ی می شود ،لازم است ، تاز و سیقی آن عهد نیز پیرو ی به عمل آ ید . چه آن مو سیقی د ر واقع مو سیقی اصیل وو ا قعـــی مردم ما ، سر ز مین ماو کشو رما بوده است که هنوز مقا مها ی آ ن میان مردم ما شایع و رایجمیباشد. وتو جه بدا ن تو جه به مو سیقی وا قعی و اصیل کشو ر مـــا پنداشته می شود .

---

(۱) رك. بر مکیان، لو سیـــن بووا .تر جمه : عبد الحسین میکده ص ۷۰-۶۹

(۲) همان اثر در پیش گفته شده . ص ۷۰

(۳) همان اثر . ص ۱۰۰-۹۹-۹۸

منگل

دنړۍ مشهور هنري خیره لیو نارد و داوینچي و پیژنئ



لیو ناردو چې په داو ینچي سره مشهور دی په کال ۱٤٥۲ کې د اپریل دمیاشتې په پنځلسمه نیټه د ایتالیا د فلو رانس ښار ته ور څر مه په یوه کلي کې چې (دوینچي) نومیږي پیداشوی دی دده ژوکړه عجیبه ده:

وایي چې دده مو ر ده ته د مرګ تر شیبې پورې نه ده معلو مه او نه یې هغه لیدلې ده ، نو ځکه د ده زوکړ ه ر ښتیا هم عجیبه ده. د داوینچي پلار چه (بروانتو نیو) نوم درلود دیتهالیا یو شتمن سړی و. بر سیره پر شتمنۍ هغه یوه دازالو کا له هم لر له، د داوینچي دمیړ ند نی په لړ کې د هغه بیړ ندو نکي په ډاګه سره لیکي: د داو ینچي پلار دیوې ښا یسته کلیوا لې ښځې سره زیا ته مینه در اودله دد ی لیوا لی مینه په نتیجه کې دده پلار بې له نکاح ځخه د نا مشروع مینې په صورت کې داوینچي و زیږ او ه کله چې داوینچي پیداشو مور یې خپل زوی پلار ته ور کړ او دی له یو د کلیوال سره واده وکړ له دی کبله دده زوکړه عجیبه ده چې خپله مور یې نه خپل ژو ند کې نه لیدلې او نه ور ته معلو مه ده،

داوینچي د خپل و خت په یوه نیم اشرا فی چاپیر یا ل کې را لوی او وروزل شو، دا و ینچي له وړو کوالي نه له ریاضي، انځور ګرۍ (رسا مي) ، مو سیقۍ او داسې نورو ښکلو هنرو نو سره مینه درلود له ، کله چې لیو نارد پنځلس

کلنی ته ور سید پلار یی د ده د هنری استعداد له کبله هغــــه دفلورا نس د «وروکیو» د هنرځای ته‌ور وستلو د هغه ځای هنر مندد داو ینچی هنری روز نه او ز د ه

کړه‌په خپله په غاړ ه وا خیستل ، داوینچی چی په هنری کار و کــی طبیعی او فطر ی استعدا د در لود ډیر زر دکمال در جی ته ورسید، دده په بر خه کی د«وروکیو»یا دده استاد وا یی : ما داو ینچی تـــه وظیفه ورکړه چی ته به د مسیــح دتعمید منظره انځو ر او رسم‌کوی داوینچی له‌خه مودی ورو سته په خپله پو هه سره داستا د له خوا ورکړ شوی وظیفه په ډیر ښه‌شان سره سر ته‌ور سو له او خپــل استاد ته‌را غی اود مسیح منظـره یی هغه ته په ډیر در نښت سره وړاندی کړه. د داوینچی استادچی دده منظر ی او رسا می ته خیــــر شو هینښ او حیرا ن پاتی شو ، استاد د خپل شا گرد تابلو ډیره زیاته خو ښه او داور ته جو ته‌شوه چی دډیر ارز ښت او کمال وړ ده اودد غی تابلو په لیدو سره یی په زغر ده وو یل چی زما تررسا می او تابلو ښخه دده تابلو ډ یـــره ښایسته اود هنری ارز ښت د ر لودو نکی ده نو دده داستا دوروکیو په‌برخه کی دا خبره مشهوره ده چی‌کله‌یی د داوینچی تابلوو لیده هغه‌خــپلی هغه ټولی انځور کـــړی تـــا بلـــو گا نی ما تی کــــړ ی. او اوی مجسمه جوړ وو نکـــی ، انځور گر ، نقا ش او مختر ع‌چی په کیمیا ، هیئت ، ریا ضیا تو ، فز یك او فلسفه کی هـــم د استاد ی او تبحر مقام تـــــه رسیدلی وه . دده دا در جه له‌دی وروسته ییښو او کارو ښخه چی دده دبریا لیتو ب دپاره په‌بر خه

شـول څرگند یږی :

د ده دژوند پیژندو نکی لیکــی چی داو ینچی لا ځلویښت کلن نه وو چی د ((سان سکویتو)) صومعی راهبانو له هغه نه‌په ډیـــــر ممینه داو غوښتل چه د دوی د صو معــی له‌پارد یوه په زړه پوری تابلوجوړه او انځور کړی . داوینچی چی‌دپاخه استعداد او هنر خاوند وو د هغــو دپاره د خپل هنر په زور دا ســی یوه تابلو چی ((مغان د عبادت)) بی نوم و جوړه کړه اودغی تابلــــو دهندسی اصولو سره بشپړ تطابق در لود ، د ده داتابلو د صو معی درا هبانو ډیره خوښه شوه .

له ۱٤۸۲ نه وروسته لیونا رد و ((میلان)) ته ولاړ ، په میلان کی‌یی دهغه وخت د نایب السطنه «لودو- یکو» په در بار کی دزیاتوفعالیتو نو په درلود لو سره د تفریحی‌نندار و (نمایشنامو) په‌جوړ ولو او ترتیب د دربار دښځو او معشوقو د کالیو ددولو په ټاکلو کی یی زیا تــــه هڅه ایستله ، دا شان ده د دربار گانی او نقشی انځورولی . پر دغو په‌دیوالو باندی ښایسته تابلــــو- گانو برسیره داو ینچی د بو ټیو په‌پیژندلو کی اوی لاس در لود ، ده طبی بوټی ډیر ښه تشخیصـــن کړی وو او په ښه شان سره یـــی پیژندل ، ده په ځلورانس کی له ځو طبیبانو سره ولیدل د هغو په مرسته یی داناتو می په برخه کی ډیری په زړه پوری څیړ نی سر ته ورسولی ، ده دزیاتو معلو ماتـــو تر لاسه کولو دپاره په عملی تجربه لاس پوری کړدا په دی مفهـــو م چی دی به‌د خپلی تجربی له پــاره دشپی له خوا روغتونو نو ته تلو

او په روغتونو کی به یی دمړیـــو په ځانګړیو کوټو کی د مړیو پـــه مړو وجود ونو باندی د خپلـــــی تجربی دپاره یو لړ مشاهدی تــر سره کوای اود هغو اجساد به یی تشریح کول ، ده پدی وسیله سره دمړیو درگونو ، شراینو ، وریدونو او اندامونو په‌باب خپل معلوما ت په دی برخه کی بشپړول .

پر دغه کار برسیره دی تـــه د مارغانو الوتنی ډیر خوندو ر کاوه داخوند ځکه ده ته پیداشوی وو چی دی یو کار ته متوجه او ځیر شو ی و، هغه دا چی دمرغانو دالو تنـــی تر څنگ دی پدی تخیل کی غر ق شوی وه چی دغسی یو ماشین‌جوړ او اختراع کړی چی د هغه پـــــه مرسته انسان وکولای شــــی ، د مارغانو په شان هوا ته والوزی ...

داو ینچی بی له شکه یو ستـــر هنر مند وکومی د ((باکری)) او تیرو تابلو گانی چی تر اوسه پوری دلندن او پاریس په ملی موزیمونو کی په زیات در نښت او احتــــرام سره ساتل کیږی دا د ده له‌خورا سترو او نه ورکیدونکو شهکارونو څخه شمیرل کیږی ، داو ینچی‌دغه تابلو گانی هغه وخت په بشپـــړه توگه سرته رسولی وی چی پـــه میلان کی یی استو گنه در اود له او خپل هنری ژوند یی په هسکـــه تاپړه تیر اوه . کوم څه چـــــی د داو ینچی شهرت په نړیوا لـــــه کچه او حت کړ د ده هغــــــــه شهکار وته وو چی تراوسه‌نړیوال نوم لری هغه د ((ماشام عدرامریمه وړو کی او عیسی . سنت آن او مونالیزا)) نومیږی .

دداو ینچی تر ټولو مشــهو ره تابلو چی پوره دری کاله یی کـــار

بری کړی «مونالیزا» ده، د داوینچی دغې تابلو په باره کې د اسې نظرو جود لری: مونا لیزا» ما دوو نا الیزا بنا» د ((فرانچسکو د ل ـ جیو کوندو) در یمه نکاح کړی ښځه وه ، ددې په بر خه کې یو نظر داسې وه چې په ۱۵۱۲ کال کې د مدیره هیات دغړی په تو گه وټا کل شی ، نو موړ ی به داو ینچی د خپل کار د دروکالو په موده کې هروور څ دخپل کار ځای ته ور غوښتله اود هغې د ښا یسته څیړ ی له مخې به یې د هغې عکس اوانځور دخپل ټول استعداد او هنری نبوغ په کار اچولو سره کاږه ، ده د هغې څیر ی ته دوه شا عر او لیکوا ل له نظره لیدل ده به د هغې دښندو ناز او رموز ته به ډیره څیر کې سره کتل څو چې د هغې دښندوله څ کاتو نه د هغې دڅیرې دا سې یو غمجن حالت رسم کړ ی چې دا و غمجنو موږ د احساسا تو پښان وي.

ددې کار له پاره لیو نار دوخپل ځای ته دساز او موسیقی هنرمندان ورغوښتل او هغو ته یې و یل داسې سازو نه وکړ ی چې ټول ترا ژیك او غمجن وی پدی وخت کی «الیزابتا» یو زو ی هم مړ شوی و، له دې کبله د هغه څیر ه غمجنه او خواشینه وه ، کله به چې دیو غمجن ساز په غږو لو سره ددې احساسا ت تحر یك شو ل او خپگان به ور ته پیدا شو نو پد غه شیبه کی به داو ینچی د هغې د څیر ی دعکس په رسمو لو پیل کاوه، پدی کوښښ او هڅه سره داو ینچی د دری کالو بازرو ور څو په موده کې دو مره وکولا ی شو ل چې د هغې دوه شکلی تابلو جوړ ه کړ ی، دده تابلو له هغه وخت نه تراو سه پور ی ساری نه لری ،دد غې تابلو په ایستلو کې په ریښتیا سره داو ینچی ز یات هنری ارزښت او استعداد برځای کړی دی ،داپه دی مفهوم کوم مو سکی (مو سکا) چې د هغې په شونډو کی بر یښی دو مره کیفیت یې د هغې تابلو ته ور ښښلی دی چې دی هنری استعداد دا ستا ز ی ا و خلا قیت مقام ته رسو لی او دده ځای او مقام تراوسه په نړی کې په هما غه بڼه سره نه دی ډك شوی .

دلیو ناردو داو ینچی په بر خه کی (جور جیو واساری) په خپل یوه اثر کې چې د «نقاشانو دژو ندا نه شر حه» نو میږ ی دا سې لیکلی دی: داوینچی دعلم او پو هی تږی و، دی دطبیعت داسرا رو څیړو نکی و هغه یوه او عالم وو چې په طبیعی فلسفه پوه، د طبیعی بو ټیو پـه خوا صو ، دآسما نی اجرا مو اود سیورښ می او لمر په مدارو نو اوحر کاتو باندی ډیر ښه پو هیده، داوینچی چې په ۱۵۱۹ کال کې له دی لا لها ندی نړی نه سترگې پټې کړی ور سره دده په زرگونو لیکلی پاڼی او یاد داښتو نه هم خاور ی شو ل ،دد ه آثا ر په ۱۹٦٤ کی دفرا نسو ی متخصصینو له خوا خړ گند او تر مطا لعې لاندی و نیول شول.

ماخذ:
۱ـ دنړی تاریخ
۲ـ دتمدن تاریخ .



وبی او تنها نخواهیم بود

هرکسی کو دور ماند از اصل‌خویش　باز جوید روز گار و صل خویش



استاد سر آهنگ یکی از اشعاربیدل (رح) را برای‌مددی مدیرعمومی موسیقی رادیو افغانستان تفسیر میکند.

بزرگمردی وا ر سته ، دل به عشق سپر ده و از راه خرابا ت به مناجا ت پیو سته را دو هفت روز ی پیش درشهدای صا لحین به‌آغو ش مادر جاو دا نه ا شی (خاك) سپر دیم. سر انجام استاد درویش مشر ب ماسر آ هنگ نیز چون سر انجام همه ز نده جانها بود و ناگز یر به اصل خود بر گشت بدینسا ن برا ی همیشه ر نج جاو دانه دو ر ی از هستی بزر گش پایان گر فت‌و لی درظا هر ، کار نامه های‌بیحساب او درجها ن هنر مو سیقی‌و تلاش بیش از نیم قر ن او در ین سا حت بی کران که بافرازو نشیب ها، شیر ینی ها و تلخی ها شا دی ها و محرو میت ها همراه بودبه نقطه انجام رسید.

سپاس بی‌نهایـت مردم ما،ارادت مندان‌او، شا گردانش و حزب و دو لت انقلا بی ما چنا نچه‌سزا وار مقام او بود در لباس اشك و آه‌و بدرقه را هش که‌کار وانی ازسوار وپیاده را تشکیل میداد ، تبا رز یافت. بدر قه عظیم ، بی بدیل‌وبی سابقه ، چون کار ها ی پر ار جو بی نظیر خود استاد . روا نشـ شاد.

- هنر -

مجله هنر ارگان اتحاد یه هنر مندا ن جمهور ی دموکراتیک افغا نستا ن از دست رفتن ایـن عضو پر افتخار شورای مر کز ی اتحاد یه را که مر حوم سر تـاج مو سیقی سخت به آینده شگوفان آن و بهبود و ضع هنر مندا ن‌رنج دیده کشور از ین طر یق، اعتقا د دا شت . با ا ند و هی بز ر گـ احسا س می کـنند و مقام والای اورا در صف خد متگزا ران صدیق مردم ما ، هنر دو ستا ن و هنر مندا ن خالی می یابد .

اما را هی که استاد رفت را ه همه از خاك‌بر خاستگا ن است ، همه آمد گا ن در صف رو ند گان در انتظار نو بت اند، آنچه ما یه‌ی تسلی خا طر ماو همه دو ستا ن‌و شیفتگان او ست اینست که ما بی او تنها نخوا هیم ما ند. جها ن هنر مو سیقی مابه صحر ا ی خلوت و خ امو شی چهره عو ض نخوا هد کرد.

سرود های استاد فقید در دره ها ،کوهها، کوچه ها ،با غها و وادی های خرم و سر سبز حا ل وآینده وطن ما طنین خوا هدافگند. شاگردان او وجوانان با استعدا دو عاشق هنر ها ی مرد می ، شمع

هنر ی را که استاد مر حو م ا ز محدوده در بار شا هی به میا ن توده ها ی مردم کشیده ودرخدمت آنان قرار داده بود ،فر صـــت خا مو شی نخوا هند داد.ماشا هد ظهو ر صا حب قرانها ی هنری بی شماری خوا هیم شد که از چشمه زلال هنر استاد مر حو م سرآهنگ قطره ها یا جر عه هانو شیده اند وما راتنها نخوا هند گذا شت .

آری اینك ظا هر تلخ حاد ثـه دارا از هنر استاد مر حو م د و ر نگهدا شته استو لی قلبها ی مابا او وپژواك نوا های طرب انـگـیـز جهانشمو ل او در گوش جـا ن ماسالیا ن متما دی ز ند گی‌خواهد کرد.

پس چه‌بهتر که برای شناسایی باکار وپیکار او در سا حه‌انکشاف مو سیقی کلا سیك و مو سیقی‌ملی لحظاتی اندك روی ز ند گی نا مه‌ی او توقف کنیم:

مر حوم استاد محمد حسیـــن سر آ هنگ فرزند مر حوم استاد غلام حسین در سا ل ۱۳۰۲ هـ. ش در کوچه خواجه خورد ك وا قـع گذر خرابا ت شهر کابل بد نیا آمده بود.

در شانز ده سا لگی قبـل از آنکه تعلیمات ابتدایی را به پایان ببر د، از جانب پدرش برای‌کسب دانش عا لی مو سیقی به هنـــد فرستا ده شد.درآنجاسا لیـــا ن مدیدی در خد مت استاد عا شـق علی خا ن به‌کاروآمو زش پرداخت، بعد بو طن مالوف بر گشتو تاختم زند گی در خد مت‌مردم و بخصوص اهل ذو ق و هنر بود .

در سا ل ۱۳۲۹ از طر ف‌ریاست مستقل مطبوعات و قت به لـقـب استاد ی مفتخر شد و چندی بعد هم هنر دو ستا ن به سر آ هنگ معرو فش کردند.

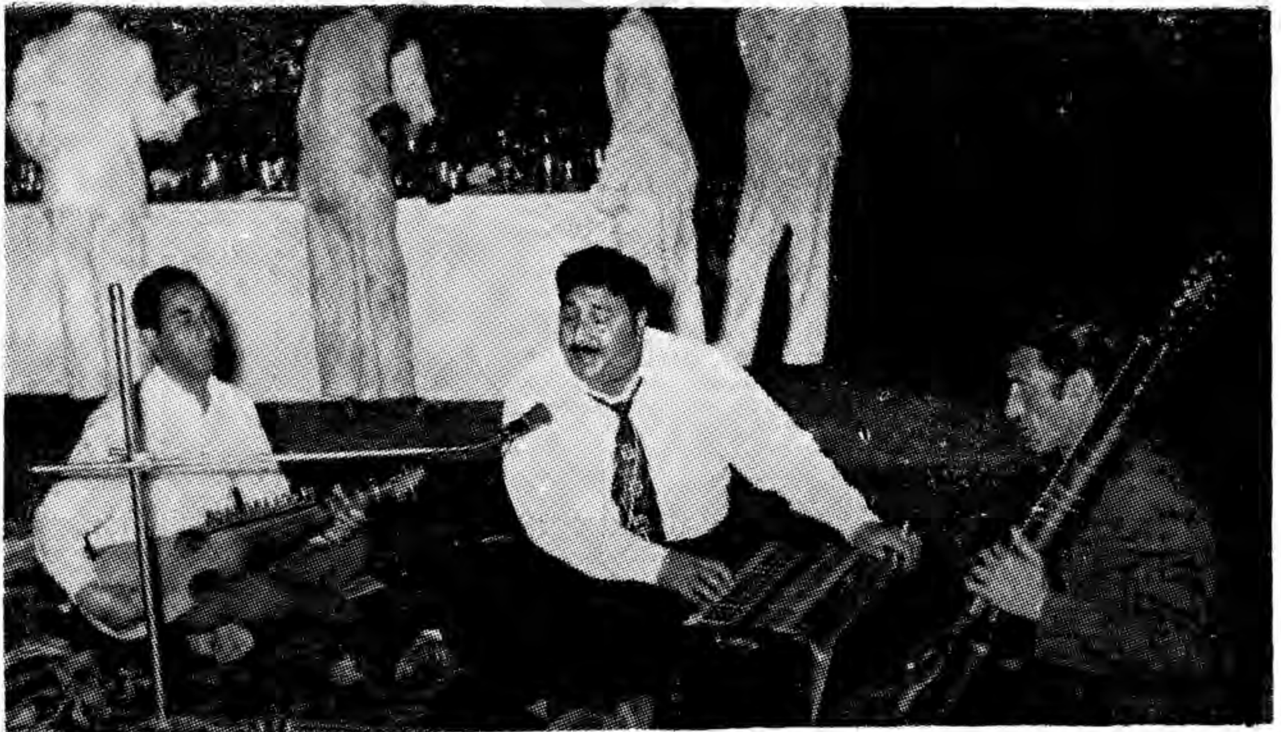
مرحوم سر آ هنگ مسا فر ت های متعدد ی به هندو پاکستا نو اتحاد شو روی داشت و در هربار باکسب القاب و افتخارا ت بیشتر در سا حه هنر مو سیقی کلا سیك، بوطن بر میگشت که ما ستر،داکتر پرو فیسر ، سر تاج مو سیقی ، کوه بلند مو سیقی و با بای‌موسیقی ازآنجمله اند.

استاد سر آ هنگ به عـــلا وه القاب عا لی هنری بیش از بیست مدا ل طلا و نقره نیز ازکنفرا نس های مو سیقی بدست آو رده‌بود.

مر حوم سر آ هنگ در ســا ل ۱۳۶۰ هنگا می که عازم شر کـت درکنفرانس موسیقی بنگلور بود،در بمبئی هند معرو ض به حمله قلبی گردید . مد تی به اثر تو صیـــه وزارت اطلا عات و کلتور که متکفل معالجه اوگردید،درآنجا تحت تداوی قرار گرفت . اوایل جو زای۱۳۶۱ دو باره دچار حمله قلبی گر دیدو علی الرغم همه غمگسار ی ها که‌از جانب حزب ، دو لـــت ، اطبـاو دوستان بر او بذل شد ،شا نزدهم جوزا ۱۳۶۱ به عمر شصت‌سا لگی راه جهان دیگر اختیار کرد .

قالو انا لله و انا الیه‌را جعو ن

خدایش بیا مرزد.



گوشهٔ یکی از کنسرت های‌بیشمار استاد سر آهنگ در هند، سر زمین‌ساز وآواز

دغم توفان

ونړیده غر د هنر پور ته شـــو توفان د غم
ولړ زیده څمکه گڼه ټیټ سو لوآسمان د غم
نسوم پوه له کومه سو دا هسی رنګ فرمان د غم
زړو نه سول زخمی تولی لـه هنر گوسول باران د غم
یویی ووړ له مونږه نه زمونږ دزمانی استاد
زمونږ د موسیقی دهری مستی ترانی استاد

• • •

تیریی کړل کلو نه دهنر پـــه گلستان کی ډیر
وچغید بلبل غوندی د سرو گلو بستان کی ډیر
ستوری دهنر شو د آواز پهلوړ آسمان کی ډیر
داسی هنر ندی چا لیدلی په انسان کی ډیر
گرمی ترانی لری نغمی لـری اتل غوندی
زوری دهنر گوره قدرت لری اتل غوندی

• • •

نسی هیریدی د زمانی په زړه کی کور لری
نسی غلید ی دموسیقی پهزړه کی شور لری
سیند د مو سیقی دی توفانونه لری زور لری
تود لری نغری د هنر بل پکـی سور اور لری
دا بچی به ساتی خرابات دزمانی زړه کی
هسی چی نیسی ساتی مستی نه خمخانی زړه کی



کمال الدین مستان

داستاد په یاد

استاد سر آهنگ ندی مړ ژوندی دی

دموسیقی فن زموږ په‌لرغونی هیواد افغانستان کی دنورو لرغونو او ځینو منو هنرونو په‌څیر زښت زیات عمر لری. ها دچا خبره دیما له‌و خته څخه یی رانیولی تر ننه، اود «باربد» له زمانی څخه‌تر اوسه پوری ... داپروسه ادامه لری اود تاریخ په‌بهیر کی د یرو موسیقی پوهانو او موسیقی غږوونکو، هنری څیرنی، اوسپینی نی کړی دی، په هرصورت زه دلته دموسیقی د هنر په تاریخی څرنګوالی خبری نه لرم ولی یوازی غواړم په‌لږ زیدلی‌قلم او لوید لی ستونی او ویر جنږړه داستاد په‌باب څه‌و لیکم، هو کی. داستاد په‌باب، داستاد محمد حسین سر آهنگ په یاد، دموسیقی دبابا په‌یاد، د موسیقی د لوی میدان دغښتلی‌پهلوان په یاد اودموسیقی دشنه ځنګله دشنه زمری په یاد، یاپه‌بله وینا دخرابات دپیر په باب ... څه‌و لیکم اوڅه‌و ګړیږم که‌څه هم دده په باب خبری کول ما غوندی سړی ته دا سی ښکاری چی خزف دګوهر نه وګڼی...

نهه پنځوس کاله مخکی دخرابات د موسیقی په آسمان کی، یو ستوری وځلید، هو کی ستوری‌وځلید ښه‌و ځلید او رون شو او هسی وځلیده چی له رڼا

اوپلوشونه یی د موسیقی دتلاسیکی موسیقی ډیری پټی خواوی او تت ګوټونه رڼا شول، داستوری استادو هو کی استاد...

ده دخپل هنری خو ځنده او متجسس هنری استعداد له مخی موسیقی ته هم ځلا ور کړه او هم ښکلا هم یی صفا ور کړه هم یی بقا...

هو کی! استاد د موسیقی په دا لوی او پراخ میدان کی، زده‌کړه‌ایز او ښوونیز سخت ګامونه او چت‌کړل، هو کی او چت ګامونه، قلندری‌ګامونه متین او متیقن ګامونه، هلی‌ځلی یی‌و کړی، په خپله یی زده کړل او نورو ته یی ور زده کړل او ومره ښایست لری داډول تګلاره ... هو! استاد دتصوف او عرفان، عشق او محبت، وطن او وطندوستی احساس او درد، مینی او عاطفی ټړی په موسیقی کی وغږول هم یی رنګ ور کی او هم شرنګ.

هم د موسیقی په حال پوهیده او هم په قال، هم یی په کمال پوهیده او هم په جمال کله به یی دعرفان معاریف په خپلو مستو نغمو نازول او کله به یی دخانقاه پیران ناڅول کله به یی په خپله موسیقی یاپه بله وینا په خپل زړه‌وړو نکی غږ کی له مستانو



استاد سرآهنګ خپل کودکی‌تل مطالعه کوله

سره پیالی کړ نګولی او کله به یی دخرابات له خراباتیانو سره‌د موسیقی او غږ په عالی تخیل‌کی مستغرق خراباتیان و ینښول.

استاد به هرو خت، دهر چا په حال اود موسیقی په مقام برابر زړه وړو نکی فریاد دزړو نو، د آسمان تر شنه کمانی چتر لاندی جګاوه او دجذب محشر به‌یی په هرو انګازو کی جوړاوه.

هو کی! دموسیقی نه خبری‌کوو او که په موسیقی کی دشعر او غزل له انتخاب څخه او که په کلیاتو کی له دی فن څخه څه‌و یل وشی پر ته له‌کوم شک او تردید

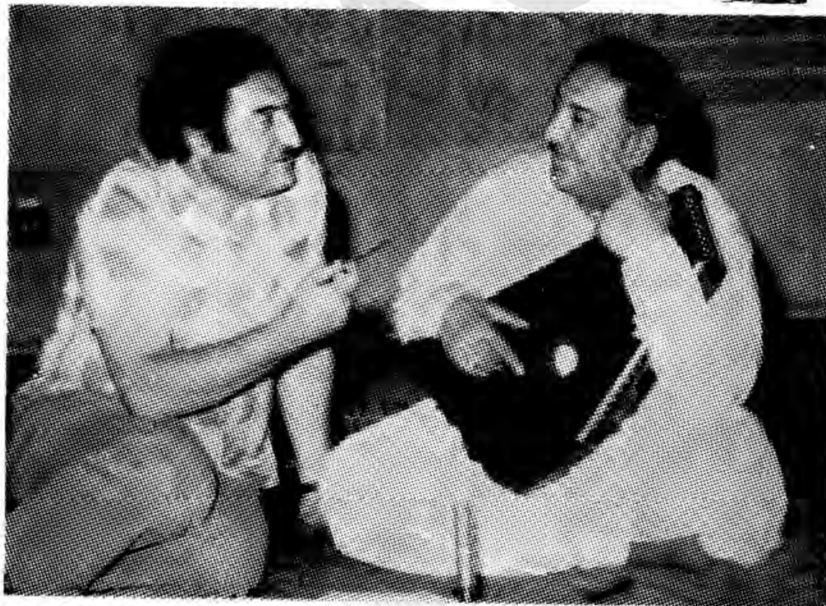
ښخه استاد مو تر ستر گو کیږ ی دمو سیقی لوی استاد ، دا خبرموږ کوو د هند دنیا یی کوی(دچندیگر پو هنتون یی کوی، کلکته‌دآله‌آباد مر کزی پو هنتون د هلی یی‌کوی) اود مو سیقی نړ یوال غږ یـــی کوی.

هنر او هنر مند د فن یکـــی متداو ل هنری تو جیه له مخی یو له‌بله سره نه شلیدو نکی اړ یکی لری څو چی هنر وی او هنر مند وی د هنر ښکلاوی او پایښت ، بقاوی او ښایست ... ځکه هنـــر لوړ تیا مومی او هنر مند مر گـځ نه‌لری او تل‌ژوندی‌دی. نه‌یی‌دزمانی صبر هیرو ی شی او نه یی‌دنسیان قبر . احسا س او عوا طف له‌پامه غورځو ی نه شی اودنسیا ن ا و هیرونی شما ل یی ښوروی نشی ، دهر چا په‌زړه کی، په احساس کی اود هر چا په ادا کی ځا نته کور پیداکوی او شور ، ځپل هنـر ی پایښت او ښایست ته د هنر ی خوځنده پدیدی په‌ځیر تلښت ، او همیشه توب ور کوی.

په هر صور ت استاد دموسیقی په‌پرا خی نړ ی کی کلکی منډ ی وکړی او په نه ستړ ی کیدو نکو هلوځلو سره بابا شو ، هو کی د مو سیقی بابا، ډاکتر ، پروفیسور، لوړ غر، اود مو سیقی زمری‌شو... او دتل له پاره یی داویاړ و گاټه که‌په کوز ه خواکی رحمن بابا،بابا شو او خو شحال ختټ د توری او قلم په‌زور بابا شو نو په بره خوا کی زموږ استاد بابا شو ، دموسیقی بابا ... رینښتینی هنر هنر مندته که‌وغواړ ی او که و نه غوا ړ ی شهرت ور کوی هو کی حقیقـــی شهرت تاریخی شهر ت ملی ا و بین المللی شهرت ... نه لنډوړځنی او کاذب شهرت ، دریښتو نـــی هنر مند او کاذب هنر مند د ډ یرو توپیرو نو اوفر قونو تر منځ‌یولوی توپیر داد ی چی ریښتو نـــی هنر مند ، متعهد او اصا لت من هنرمند نه مری ، ژو ند گتی او بقا، حسن گتی او ښکلا .ولی کا ذ ب هنر مند دعمر لنډ ښت اوفنا...

هو کی! زموږ استاد ځپـــل حسین هنر ته ښکلا ییز پخښت ور کی. ده به هره چا شنی دا سی اورو له چی ته وا دعشق او محبت په اور کی یو پوخ شوی ز ړ ه ـ وړو نکی فریاد او ریدل کیږ ی . استاد پدی لیار کی ډیری لوړ ی‌او ژوړ ی و لید لی له کړ لیچو نو او پیچو مو څخه تیر شو ، هو کـی له هر پیچو می او هر کړ لیچـــی څخه د ځپل ذا تی اوذ هنی هنری استعداد په اسا س دشنه زمر ی په‌څیر او چت شو.

وایی چی انسان مین کیږ ی او هر مین ځا نته یو محبو ب غور ه کوی دچا محبو ب صمدوی اود چا صنم ، دچا کعبه وی دچابتخانه ، ولی د استاد محبوبا مو سیقی وه هوکی ! دی په مو سیقی مین وو. او په دا ځپلی محبو بی‌ژو ندی‌و ، بیا هم و یل شوی چی مینه او رده ما سوی له محبو بی نور تو ل‌شیان دمین تر ستر گو ورکیږ ی یعنـی یواز ی محبوبا پا تی کیږ ی اونور تول محو دی استاد ته هـــم د مو سیقی همغسی محبو باو ه چی ماسوی ور ته له مو سیقی پر ته‌نور څه نه‌و موسیقی هم دده غایه وه‌او هم محبوبا هم تر مو سیقی‌جاریده او هم په مو سیقی ناز یده دد ه هنر افغانی هنر وو ، انسانی هنر اوکلیاتو کی جها نی هنر او دا په وطن مین استاد ، دپلار وطنی ملی جبهی غړی اود هنر مندا نو د اتحاد یی د مر کزی شو را غړ ی بالا خره له دنیا نه ستر گی پټـی کړ ی ، رباب غلی شو او شابا ز ولوید او موسیقی غمجنه شوه.



استاد سر آهنگ دراډیو افغانستان‌دموسیقی دلو ی مدیر پو ښتنوته ځواب وایی .

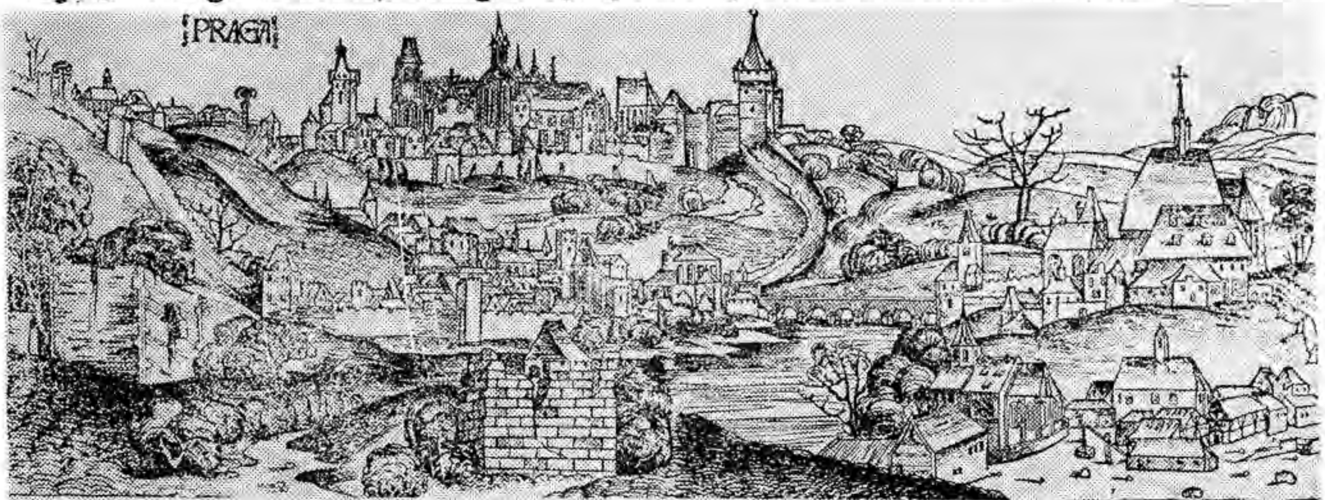
از دوکتور سیدشریف حسینی

پراگ یا شهر طلائی

در این نوشته سعی بعمل آمده است تا بصورت کوتاه و جامع یکی از قدیم ترین شهر های اروپا به هنر دوستان معرفی گردد انتخاب من از شهر پراگ منحیث نمونه برای آن بود که این شهر تاریخی مرکز وحدت فکر و عمل در تمام امور اجتماعی و کلتوری بوده و برای ارزیابی دوره های مختلف ساختمانی این کشور مثال برازنده شده میتوانند .

اولین علامت بود وباش و زندگی انسانها در ساحه امروزئ شهر پراگ طبق نظریات و کشفیات باستان شناسان از دوره تراش سنگ وانمود گردیده است . در عصر پا لیولیت جدید ، در تمام نقاط و ارتفاعات تپه هائ شهر امروزئ پراگ مردم زندگی داشتند . از طرف دیگر اعمار مسکن و امرار حیات در این منطقه تعداد زیاد کاروان های تجارتی را بخود جلب نمود . زیرا انها در دو جناح دریای لتاوا بازار خوب تجارتی را با شرایط گسترش و رونق آن احساس و خرگاه هائی را برای فروش امتعه تجارتی خویش برپا کردند که بعدا منحیث یك مرکز تجارتی عرض اندام کرد .

در قرن (٦) میلادی این سر زمین توسط سلاو ها اداره میشد در قرن ۹ میلادی در بین انها طایفه چك به سر کردگی قوم پری مسل ها حکمروائی را بدست گرفتند . پری مسل ها پیرو مذهب عیسوی بودند ودر سال ۸۹۰ میلادی کلیسائی پاته ماری را بنیان گذاری کردند بعدا در اطراف شهر کوچك حصار بلندی اعمار گردید تا مرکز تجارتی جدید التشکیل در پناه آن نگهداری گردد و از جانب دیگر مرکز وحدت چك ها که تازه روح سیاسی بران دمیده بود ، از حملات خارجی ها در امان بماند . چنانچه ابراهیم ابن یعقوب که از بازرگانان مسلمان هسپانیه بود در تعریف ازین شهر مینویسد که شهر کوچك پراگ با دیوار هائی از از مواد ساختمانی سنگ و چونه



پانوراماى شهر پراگ با نمودارى ازقلاع قديمى وبرجهاى زيباى‌آن

اعمار گردیده وبه شهر قــدرت استحکام بخشیده است .

در قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی این شهر جدید التا سیس رونق بهتر می‌یابند . ساختمان های اعمــار شده از چوب و گل و یران گرـ دیده و با استفــاده ازمــوا د تعمیراتی بهتر یعنی سنـگ و چونه بنا های محکمتر و بهتر به شیوه مهند سی رومان ساختــه میشو د .

در قرن ۱۳ میلادی بــرا ی آبا دانی شهر پراگ در چو کات قانون اساسی یك پرو گرام ثاـ بت و روشن شهری طر ح گردید تا با رعایت و ظایف وقوا نین مختلفه وضع شده شهری ، مردم زندگی بازر گانی و کلتوری مرـ فه تری را دنبال نما یند . در حصار شهر دروازه های بزر گ دا رای برج های با شکوه علا وه گر دیده وبه ترتیب یك نا حیـه دیگر باد اشتن مرکز تجارتــی بزر گتر و فرا ختر بنیان گذاری شد . در در یای ولتا وا سـدی اعمـا گــر د یــد تـا اهالی پراگ از شر سیلا بهـا ی مدهش ونا گهانی نجات یا بند . اعمار خانه های فا میلی شکــل بهتری بخود گر فت .

این قوا نین گستر ده شهر ی شهر پراگ را به سبك جدید آن زمان که بنام گوتیك مشهور اـ ست رهبری نمود . در ســا ل ۱۲۳۰ ناحیه دیگر عرض اندا م نمود که امروز بنام ستاری مه‌یه ستو (شهر کهنه) یاد میگر دد .

افتخار نام شهر بزرگ گوتیك را پراگ در زمان چـــار لس چهارم بدست اورد . چار لــس چهارم در دوره ۳۲ سال حکمرـ وائی خویش از سال ۱۳٤٦ الی ۱۳۷۸ میلا دی توا نست شهــر



پراگ امروزی با ساختمانهای مودرن رهایشی وبازرگانی

پراگ را به اندازه گستر شدهد که مقام شهر چهارم را از نگاه بزرگی در جهان و مقام شهر اول را از نگاه حجم ساختمان در اروپا کسب نماید.

کاتدرال سنت ویت پوهنتون چارلس و پل چارلس که یکی از قدیم ترین پل های سنگی جهان است، بنیان گذاری شدو ساختمان شهر جدید آن زمان پراگ را که نووئی مه یه ستو نام دارد، سبب گردید در زمان وی ساختمان صومعه و کلیسا های بزرگ براه افتاد که البته از عرق ریزی و خود گذری های مرد توانا و چیره دست مهندس و مجسمه ساز پتر پالر باید نام برد.

در زمان هوسیت ها جلو تمام این پیشرفت های سرسام آور ساختمانی گرفته شده و بنابر منازعه سیاسی و مذهبی، اقتصاد منسجم مختل میگردد.

البته بعداً زتحکیم مناسبات اقتصادی چهره گوتیک پراگ با سرمایه گذاری جدید بالا گرفت و ساختمان قصر پراگ که برای یک مدت معطل شده بود، در قدم اول براه انداخته میشود.

در سال های ۱۴۸۰ - ۱۵۱۰ مهندس دربار بنام بندیکت رایت در ساختمان بزرگترین هال قرون وسطی پراگ بنام ولادسلاو سکی مبادرت میورزد.

بالاخره بعد از سال ۱۵۲۰ در زمان هابسبورگ ها (فردیناند اول) پراگ دستخوش یک بحران سیاسی گردیدوبالاثر مقام اول به روش رنسانس داده شد. در این عصر قصر باستانی شاهی بنام کرالوو سکی لیتو هرادك توسط معمار ایتالوی بنام پاو لا دیلا ستلی اعمار گردید.

بعد از حریق قصر پراگ و مالا ستره ناکه در سال ۱۵۴۱ بوقوع پیوست مردم با احساسات نهایت گرم ساختمانی در اعمار این ناحیه پرداختند.

اوج ترقی روش ساختمانی عصر رنسانس در زمان رودلف دوم بود که در قصر پراگ چندین هال دیگر بنا گردید. در این دوره که دوره شگوفانی نامیده میشود در پراگ تعداد بیشمار معماران - نقاشان - صنعتگران - منجمان و کیمیادانان گرد امده بودند. بعد از بین رفتن رودلف در سال ۱۶۲۰ و با بوجود امدن فردیناند دوم که به شکست چك ها انجامید، شهر پراگ را یك بحران عظیم اقتصادی دامنگیر شد.

دوره شگوفائی و دوره مقام اول کلتوری ان در اروپا ختم گردید پراگ اسم پایتخت را از دست داده منحیث یك ایالت عرض وجود نمود.

در حوالی سال ۱۷۰۰ نسل جدید معماران وتعلیم یافتهگان رشته ساختمانی بمیان آمد. نسلیکه از آغاز در نظر داشت نسبت به کمیت کیفیت را بالا ببرد. چنانچه با ساختمان قصرها و کلیسا های بزرگ فرضیه خویش را جامه عمل پوشانیدند. از مهندسین مشهور آن زمان دنزی هو فرو ماتی بودند.

از ساختمانهای عصر سنت نیکولاس و شترن بر سکی که نمایندگی از عصر باروك پراگ مینماید، میتوان نامبرد. در این دوره نه تنها در ساحه ساختمانی توجه کامل مبذول گردید بلکه مجسمه سازئی نیز اوج گرفت وبسیاری از مجسمه های پابرجای پل چارلس که در دو جناح آن موقعیت دارند، از همان زمان میباشد. علاوه بران حکاکی شیشه نمایانگر قدرت و خلاقیت مردم چك در این هنر گردید.

روش ساختمانی روکوکو در نیمه قرن ۱۸ فورم و اندازه ساختمانی را از نگاه تناسب خورد تر ساخت وروی همرفته یك روش زود گذر بود.

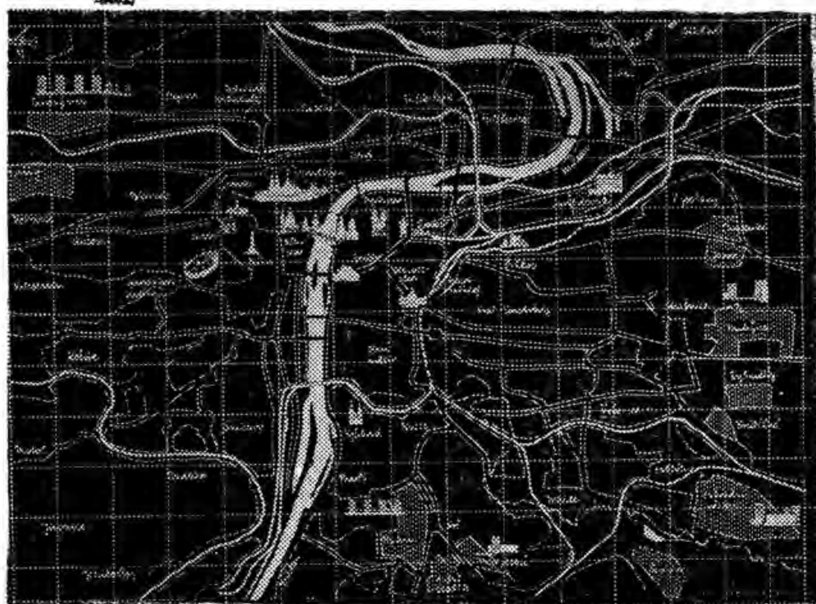
با بوجود امدن دوره دیگر که بنام کلاسیسیزم یاد میشود شکل و فورم اثار معماری ساده تر تبارز نمود در نیمه قرن ۱۹ نواحی جدید بنام سمی خوف و کارلین به شهر پراگ ملحق گردید.

اصلاً سطح کلتوری پراگ بعداً از ظفر سیاسی و ملی چك ها در اواسطقرن ۱۹ اوجمیگیرد.

انجمن های ملی و دولتی به تعمیر و ساختمان ضرورت احساس میکنند. امکانات و شرایط مساعد ساختمانی را مهندسین نسل جدید از قبیل اولمن زتیك و سخولز مهیا میسازند.

تیاتر ملی پراگ بنام نارودنی دیوادلو و تعمیر امروزی گار های دل انگیزو با شکوه موزیم ملی ارت و غیره از یادگار هائی دل انگیز و با شکوه این عصر است که بعداً با ثر تلاشهای مهندسین مشهور باسم یان کو تیراسبك مهندسی

-هنر-



پلان عمومـی عمران مجدد شهر پراگ

مدرن برام اندا خته شد امـا پابندی به رسم و رواج و عقیده موروثی و محافظه کارئی بعضی از کار شناسان سا ختما نـی و مهند سین باعث گردید که نفوذ مطابق اید یالوژئی نوین را سـد شده و پرو گرام تحقق بخشیدن انرا به تعو یق اندازد . بالا ثـر بیست سال دیگر ,مفکوره هـا ی نوین و قدیم در حال زدو خورد و مختلط باقی ماندند تا اینکـه در سـال هـای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ با بو جود امدن جمهور یت مستقل چکو سلوا کیا که در ۱۹۱۸ صورت گرفت ، شهر پراگ موقعیت خویش را منحیث پا یتخت رسما باز یافت و بمو فقیت تیـو ری جدید یعنی پاك وروشن فکشنالیزم (تیوری تابع مقرارت یـا تنظیم و ترتیب) در اثر جدوجهد مهند سین نسل جـوان و مترقی پیر یزی شد .

سا ختمان های بعدی پرا گ از نگـاه هنـر معمـا ری شکـل دلخو ه تری بخود اختیار کرد . هنوز این آفتاب طلوع کـر ده نور خود را به اعماق پراگ پخش نکرده بود که جنگ نا بهنگـا م عمومی دوم در گرفت و کشو ر چکو سلواکیا نظر به مو قعیـت خاص خویش به صحنه جنـگ کشانیده شد . مگر برای اینکه شهر طلائی پراگ به خاك و خون کشیده نشود دو لت چکو سلواکیا از مقا ومت بیمورد در جنگ دست کشید ودر ختم جنـگ عمومی دوم که‌مردم این بوم‌وبر اداره اینده مملکت خو یـش را بدست گر فتند ، عشق شهـر پراگ در قلوب مردم چکو سلواکیا عمیق ترو فزو نتر گرد ید. باثر زحمات ومسا عی خستگـی نا پذیر مردم هنر پرور آن نـو سازی ها اغاز ویلا نهای سـاختمانی با شکل علمی ترو بهتـر با ساس غایه و هدف و بـا استفاده از تکنو لوژی جد یـد سا ختمانی عملی گر دید .

مفکوره آینده نگـر ی و پلانسازی جدید مبین این وا قعیت است که شهر پراگ بانو ساز ی هایش هیچگـاه دور از ادو ار گذشته یعنی ادوار یکه بـا ساختما نهای با شکوه ودل انگیـز خود هسته تار یخی شهر پراگ‌را زیبائی خاص و ممتاز بخشید ه است ، نخوا هد ما ند .

از عرصه چند سال با ینطرف در پهلوی سا ختما نهای جد ید خـا ص مهنـد سـی و مـد رن کـه بـا ظرا فیت و معماری اعمار میگر د د پروگرام مترو سازی ، راه هـا ی ترا نسپورت زیر زمینی پرا گ که یکی ازاهداف‌پر ارزش دولت چکو سلوا کیا است ، بسر عـت سر سام اوری جلو میرود .

از انجا ئیکه پرابلم خا نـه سازی در تمام جهان یك مشکل عمده محسوب میشود باید تذکر داد که در چکو سلواکیا تو جـه خاص در پرو گرام خانه ساز ی مبذول میگر دد چنا نچه از سال ۱۹۴٦ الی ۱۹۸۰ که سی و پنج سال را احتوا می نماید زیا ده‌از ۷ / ۲ ملیون خانه جدیدا اعمار گـر د یـد ه اسـت کـه در ان بیـش از نصـف نفوس چکو سلوا کیا فعلا سکونت دارند . و طبق پلان مطروحه این رقم بزودی قوس صعو دی خویش را خوا هد پیمـود .

تذکر باید داد که امـروز پراگ از نگـاه سـا ختمـا نهای ادوار گذشته مورد دلچسپی خاص جها نیان و خاصه جها نگردان قرار گرفته وسالانه یکتعداد زیاد تور یست‌ها از سرا سـر جهان برای دیدن این شهر زیبا و افسا نوی میایند ,و البته نـه تنها از یاد گار های تاریخی این شهر انگشت تعجب میگز نـد بلکه سا ختمانهای جدید نیـز انها را به حیرت و ا میـدا رد .

به قلم عزیز الدین و کیلـــــی پوپلزایی

هنر هفت قلم

یاهفت خط اسلام در افغانستان

هفت خط، اصلا نام هفت خـــط بود که در جا م جمشید قـــرا ر یافته بود .و اما مرد م افغا نستان بعضا اصطلا حـا هفت قلم راکـه کنایه از هفت خط معروف (ثلث ، ریحان ، محقق ، نسخ ،تو قیع ، رقاع و تعلیق) است نیز به آ ن‌نام می شنا سند .و از همین جهـــت درآغاز نگار ش خـو یش تصریـح نمودم که هفت خط و هفت قلـــم اصطلا حا از هم فرق دا رد . و چنانکه سنگ هفت نقش هرا ت‌را هفت قلم می شنا سند . و ایـــن بر خلا ف کتب توا ریخ وفر هنگ لغات می نماید .چه باید سنگـــک هفت نقش گفته شود .ز یرا کـــه هفت قلم مخصو ص هفت نو ع‌خط اسلام است .وعنوا نی که قرارداده ام توضیح همین اصطلاح است.تا جو یند گا ن هنر نام اصطلا حـــی را از نام علمی تشخیص دا ده در پی افواه نرو ند.

در خاندانها ی بز رگ و متوسط افغا نستا ن رسم تشکیل مدر سه های خصوصی‌مشق ، خو شنویسی ودر سخوا نی و اشعار و قصصـ حماسی و تار یخی از دیر زما نه‌ها رواج دا شت . و این ذو ق نفیس رابیشتر طبقا ت دا نشمندو منور رعایت کرده استا دا ن ما هر رابا هر گونه اعزاز و اکرام به تدر یس وتعلیم فرز ندا ن مقرر میساختند. چه در ادوار سابق هنر هـــا ی خو شنو یسی ،اد بی ، نقا شی و تمام‌علوم و صنایع به طور ار ثـی وخاندا نی با قی میماند.

استعداد خطا طی و خط نو یسی در افغا نستا ن ازقرون بسیـــا ر متماد ی وجود داشته و همیـــــن استعداد وقدر ت طبیعی و فطـر ی مردم این سر ز مین در رشته های هنر خط بود ،که در عهد پر تـــو تجلی دین مقد س اسلام بـــــه نو شتن مقد سا ت و مکا تبــات اسلام به کار آور ده شد . و برای ثبوت این قدامت، اسناد ا نـکـار ناپذیری در دست دا ریم مثلا :

نو شته ی عصر کنشکا مر بوط قرن دوم مسیحی . آنچه از سـرخ کو تل بدست آمده است وکتا به حاو ی دو رسم الخط یو نا نی و آرا می که از قند هار از دور ه ای امپرا تور ی آشو کا بدست آ مده وکتابهای ولا یا ت ننگر هـــارو لغمان وظرو ف سفالین اد وا ر قبل التاریخ مـزین با خـطـوط و نقو ش اشکال هند سی که ا ز خاکر یز قند هار کشف گر د یده وظروف بر نجی دارای صنا یـــع خطا طی و نقا شی که از غز نه به دست آمده ، یکایك از سوا بـــق ممتد هنر خط و خـو شنو یـسی‌و نقا شی ، این مهد مد نیت هـــا ی قدیم حکایت میکنند وثا بت مـــی دار ند که گنجینه های آثار قلم‌را ازبسیار زما نه ها بار ث دا شتیم. تاگردانیدیم آن قوه معنو ی را د ر راه آمو زش و پرور ش خطو ط اسلا می.

چون صنایع زیبای قلم پیش از زما نه های ظهور اسلام در خا ك باستانی ما نوجود دا شت ، بعد از پرتو وصو ل قرآ ن کر یـــم به مهد این سرزمیـــن ، خطا طـان،

صفحات این اثر که محصول یکسال زحمات
قلمی و نمونه عزم و ایثار این یکتن خطاط و
نقاش و مورخ افغان است تنها از نگاه مساعدت
بعالم علم و عرفان و حفظ شئون ادبی و هنری
کشور عزیز افغانستان و رهنمونی طلاب معارف
و افراد هنر اموز ترتیب یافته تا اگر کسانی
بخواندن و نوشتن امثال این خطها در
وطن مبادرت ورزند و اساسا این رویه را تعقیب
نمایند وسیله سهلتر مقاصد علمی و هنری
شان یکی هم همین مجموعه زیبا باشد

مطبعه دولتی کابل : ۱۳۴۱

عزیز الدین وکیلی

از نمونه های خط کوفی شیوه دوره جدید ونوع کتابتی.

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحی القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما
فی السموات وما فی الارض من ذا الذی يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات
والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلی العظيم لا اكراه فی الدين
قد تبين الرشد من الغی فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك
بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سميع عليم

الراقم عزیز الدین وکیلی

فی (۲۶) ماه سرطان سنة ۱۳۵۲ هجری شمسی

خط کوفی متمایل بطرز کتابتی وهم تزئینی .

هنر خو شنو یسی و نقا شی‌قدیمی خودرا به شکل خطا طی اسلا می یعنی انواع خط کو فی تبد یـــل ومصروف خد مت دین وو طـــن شدند و سر ما یه ها ی مقد سی از خود به یاد گارگذا شتند . چه همانطوری که دین مقد س اسلا م از سر ز مین عرب به خا ك میهن عزیز ما افغا نستا ن رسیده ا ست لسان عرب و خط عر ب نیز تو ام به‌پرتووصول قر آن پا ك به خـاك اسلامی افغانی مـــا د ر یك و قت خیلی تابان و در خشا ن رسید ه است .واو لین رسم الخط مـرو ج افغا نستا ن ، در اوایل دوره‌اسلام خط کو فی است و هما ن نــو ع قدیمتر آن که در مکه معظمه تکمیل گردیده‌وبه نام مکی یاد میشود ، بیشتر مروج متون دینی در خا ك میهن عزیز ما گر د یده است .

نخستین مهد روا ج و تر قـــی خط کو فی و معقلی در افغا نستان خطه زابلستا ن کهن است .

که روشن تر ین مثا لهـــا ی بر جسته تر قی و رواج خط کوفی زابلستان را از دوره امپر ا توری آل ناصر می توان دریا فت . چه همان ذ خیره قدر ت و استعدا د بود که دراین دوره امپرا تور ی‌قوی وغنی بکار آورده شد و صنعــت زابلی محسوب گردید.

در باره ایجاد خط اسلام،در نزد علماء تاریخ بحثها ی و جود دارد که در بعضی موارد اختلا فا تـــی نیز بهم رسیده و قابل تا مل می نماید.و لی از آغاز عهد اســـلام باین حقیقت مسلم کا ملا معتقد یم که علماء و ما هرین این فن‌بزرگ در ابتکارا ت فنی خطوط مقد س اسلا می پیو سته ز حمت کشیده اند تا به نتایج پر افتخـــا ر ی رسیدند و اشکال مثبت و فنا نا- پذ یر رایکی بعد دیگر به و جو د آور دند.

اولین خط افغا نستا ن در عهد اسلام‌که‌و سیله مکاتبه و مفا همـه قرار یافته ، خط کو فی و معقلی است .چو ن خط کو فی در قر ن اول اسلام در مکه مکر مه‌و مدینه طیبه به‌و جود آمدو در مر حلـــه پختگی رسید ،اربا ب فن‌و حکمت عملی این هنر نخست در مد ینـه منور ه و سپس در دیگربلاداسلامی. دربهتر سا ختن مظا هر فنی ،و صنعتی‌آ ن و به‌و جود آوردن اقلام واقسام آن کو شش و مسا عی‌زیاد نمودند وقرآ ن کر یم در قـــر ون اول اسلام تمام بهمین خطوخا صتا همان نو عی که به نا م مکـــی شنا خته می شود ، نو شته شده است .

کوفی:

خط کو فی‌ومعقلی او لین خـــط اسلام است . و در نیمه قرن او ل اسلام به افغا نستا ن پر تونزو ل افگند. سر ز مین مقد .س افغا نی مان بعلاوه‌آنکه از او لین مستقبلین و معتقد ین این فن شر یف بو د، به‌سهم خود در پر ور ش‌ونگهداری وترو یج وتر قی این هنر بز رگ قلمی اسلا مـی‌نیز به قدر تـوان‌و امکان کو شید .و خطه‌زابلستا ن را در قلمرو افغا نستا ن مهداولین نسبت بسایر ولا یا ت معرو ف‌این سر ز مین دیر ین قرار داد .ونیز سایربلاد اسلا می که در مجاور ت قلمرو امروز ی مان قرار دار ند،در حصول این هنر پر افتخار،سوابق در خشانی دارند که‌آثار تار یـخ شا هد عظمت هر یك سرز میـن است.

قرآن مبار ك درقرو ن اول‌اسلام تماما بهمین خط و خا صتا بهما ن شیوه و روش او لی که در مکـــه مکرمه و مد ینـــه طیبـه، شکـل تکا ملی خودرا پیموده و بمر حله پختگی رسیده است به نام مکـی شنا خته می شود ،رواج گر فتـه وصحف مجیدی به یاد گارگذ اشته است.

قرآن کر یم بخط حضر ت‌امیر- المو منین عثمان (رض) روی‌پوست آهو وقرآ ن کریم به خط حضــرت امام حسن (رض) که دو صد سال قبل در اداره خز ینته الا شرا ف وهشتاد سال قبل در اداره شا ذو نا در و بعد از استر داد استقلا ل در موز ه کابل و حال در آر شیف ملی افغا نستا ن حفظ ونگا هدار ی می شود .همان طرز و اسلـــو ب او لین است.

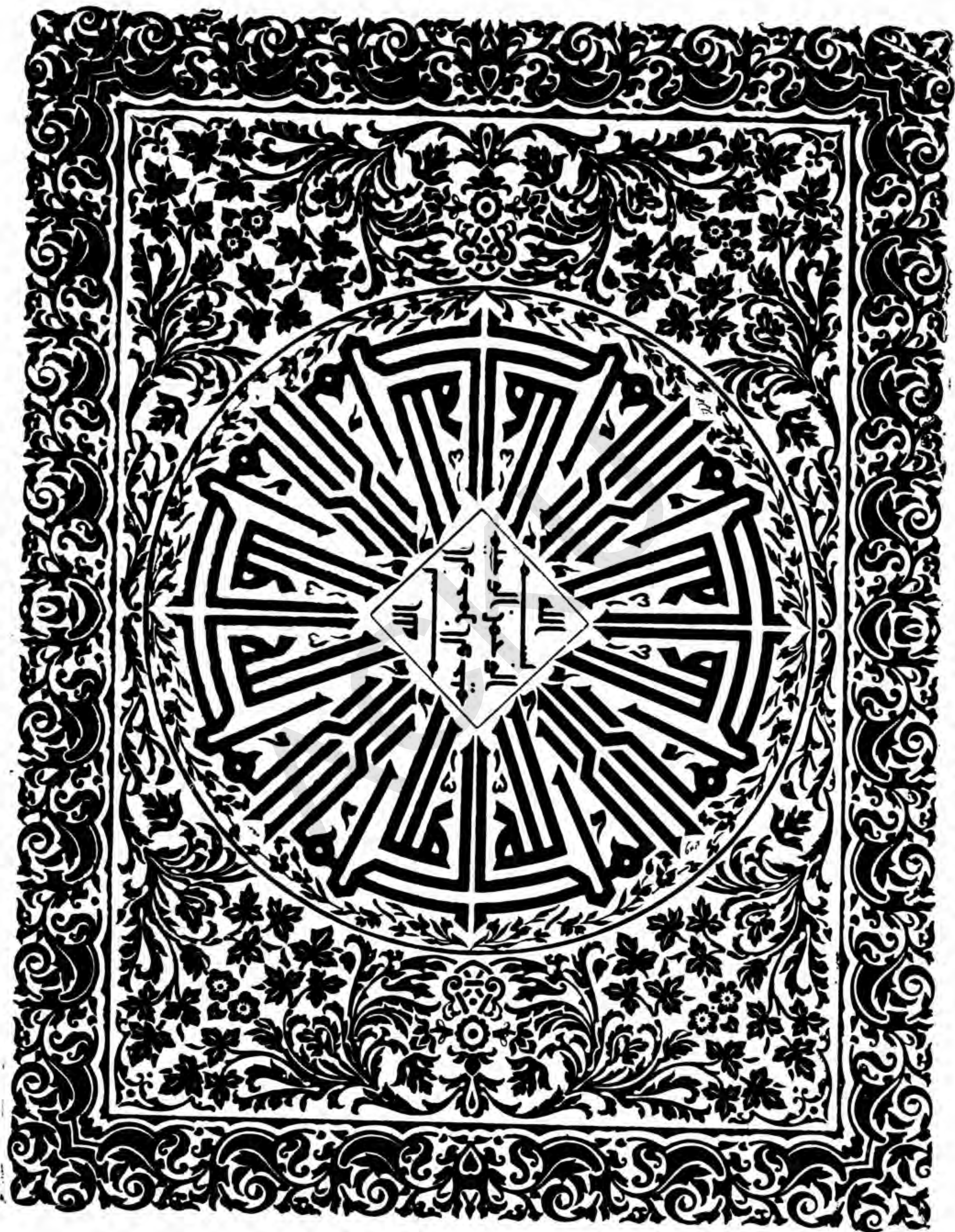
قرآن کر یم قید کتا بخا نـــه قد س رضو ی مشهد خراســا ن بخط حضر ت امیر المو منین علی کرم الله‌و جهه وقرآن کر یم بخط حضرت امام حسن(رض) قیـــد کتابخانه قد س رضو ی مشهــد خراسا ن که در ســـنـــه ۱۱٦۷ ق احمد شاه بابا و اعضاء دو لــت امپرا توری اش بز یار ت آن د و اثر متبرك مشر ف و مو فق گشته اند. مناسب د یده اند که‌درهمانجا نگا هدار ی شود . همه بیك شیوه وبا اندك تفاو ت نگا شته شده‌ودر موزیم تاشکند مر کز از بکستا ن شو روی نیز یك نسخه قر آ ن - کریم پیرو همان شیوه مو جـــود ومحفوظ است .و خود در ســـا ل ۱۳٤۷ ش به زیار ت آن مشر ف شده ام.

خط کو فی معمو ل افغا نستا ن وسایر بلاد ازنظر اسم یکی است. واما ازلحاظ تنوع صور ی، شیو ه هاو اشکال مختلف پیدا کر د ه ، چه در هریك قرن بانواع مختلف تحول و توسعه یافته و پس‌از چهار قر ن اول عهد اسلام‌صوز ت نسخ نما هم در بعضی نگار شـس کسب کرده که شبا هت به خـط رقاع و ریحا ن آنعهد میر سا ند. واز همین جهت تنوع سبك هـا وشیوه ها است که خطو ط کو فی هم مینا مند .در حالیکه اساسا آن همه یکنوع خط است . تا آنکه هر یك نوع و شیوه را از باعـث شنا خت بنا می مشهور سا خته اند . و انواع مهار ت های‌تزئینی رابهر یك شیوه به‌کار برده ا ندکه حتی از نظر پیچو تا ب اشکـا ل متنوع ، بعضی کلما ت‌و جملا ت را استادا ن فن‌خط امروز ی بد قـت خوانده می توا نند .صنا یع اصلی وبدیعی خطو ط کو فی یك میرا ث پر افتخار و مشتر ك تمام مما لك اسلام و محرك بزرگ قواعد علمی وفنی هر فرد جوینده این اسا س متین قدیم است . که همه خطو ط عرب تا اکنو ن به‌سی شیوه منقسم گشته ، ازان سر چشمه گر فتـه است.

دلیل تنو ع شیوه ها و رو ش های‌صور ی آن این است کـه خطاطا ن و بر گز یدگا ن علم وفن قرون او ل اسلام انواع علمی‌وفنی آنرا تا هفت شیوه مجزا و متضا د از یکد یگر به‌و جود آور ده بـه غنای معنو ی اسلا می خود افزوده اندو روشنها ی بعدی ازان منشعب گر دیده است .و از هما ن جهـت است که خط کو فی هم خط کتابتی وهم خط تزئینی و تجملی در آثار عمرا نی هر مملکت قبول شد ه ، حتی به دروازه ها و چو کا تهاو روا ق ها و طاق هاو الوا ح قبور با مظا هر مختلف صور ی آ نرا نقش کرده اند . اینکه خط‌کو فی با همه اعتبارا ت اولی آن ا ز نو شتن متون دینی بر کنار ماند سبب آ نرا باید علما تصر یـح کرد که: متون دینی به تسهیـل وتوضیح کلمات یعنی فصل‌ووصل ورموز و علی الخصو ص تشکیـل اعراب ثلاثه (فتحه ،کسر ه،ضمه‌و شدو سکون) خیلی ضرور تـدا رد تا مردم صحیح و در ست تلا و ت بتوا نند.بنابر ین ملا حظـا ت وهم ا زجهت استکتا ب و سر یع نو یسی و عام‌فهم قرار دادن‌اشکال ورموز او قا ف و سایرخصوصیات مشکلات علمی ز یاد در امـو ر تحصیل و افهام و تفهیم مسا یـل در همه علوم وفنو ن موجودبود ، دانشمندا ن و ما هرا ن درجه اول فن خط در پی آن شدند تا خـط سهلتر و خواناتر به‌و جودبیاورند. ومطابق باین حسن نیت و جد یت هر چه تما متر بود که خط قرآنی اختراع گر دید و نسخ نام‌گذ اشته شد که شرح آ نرا تحت عنو ا ن خود ش مینو یسم .و چه تسمیه‌آن آن اینکه اقسام خطو ط کو فی را از حلقه های علمی و ادارا ت‌دولتی منسوخ قرار داد.

در قدیم در اطرا ف دیوار ها و درواز ه هاو ظرو ف اشکـا ل رز می و حما سی را تر سیـم مینمو دند و شعار همت‌و غیر ت قرار میدا دند .ولی از آ غـا ز ظهور دین مقد س اسلام به جا ی آن تظاهـرات و تـجملات، انـواع واشکا ل خطو ط کو فی را رو ا ج دا دند .واز حر فها ی الف ولا م وکاف ، اشکال مر غو ب‌و مقبو ل رابه کار آور دند . که هم‌عباراتی ازمقدسات‌دین‌وهم صنعتی‌ازتزئینات دینی جلب نظر کا فه ملت مسلمان مینمود.

و اینکه خط کو فی بعـد از اخترا ع خط نسخ‌و دیگر خطو ط بعدی اسلا می ،چطو ر در مرو ر تاریخ محفوظ ماند ؟ سبب ایـن است که خط کو فی برای عنوانها وکتابه ها ، یعنی الوا ح‌زوی‌دیوا ر ها و مینار ها ، زیبا یی‌و کیفیت تاریخی دارد وجلب نظر خا صـ مینماید .و هم اینکه چون او لین خط قرون اول اسلام است.ازجهت تقد یس و حفظ مفا خر تا ریخ‌تمدن اسلا می نیز تاییدو نگا هدا ر ی گردید .و خو شبختی کا ملی که دست داده این است که‌درافغانستان خطاطا ن دوره ها ی متقد م‌وجدید ومعاصر ، در حمایت ونگا هدار ی اساسات متین و انوا ع اقـلا م مختلف آن ما نند سایر ر شته‌های علوم وفنو ن اسلا می خد مـا ت شایانی نموده اند .ز یرا که‌تاریخ خط و خو شنو یسی اسلا می‌بپایه همین اصل استوار و دیگر خطو ط قرون جدید اسلا می زا ده همیـن خط است . افغا نستا ن سهـم فعال و مز ید خود را در حفـظ واحیاء و ابقاء اقسام اقلام خطو ط کو فی بهر عصر ثا بت نشا نداده ودر امروز هم دارد کسانی کـه بدون مسا عدت رسمی در ایـن رشته به قدر توا ن شخص خو د خدمت میکنند ، د ر حـا لی‌که خطوط کو فی رواج کتا بتی هـم ندارد . چون مسا له حفظ مفا خر تاریخ مدنظر مر دمان چـیز فـهم است و تاریخ صنایع و اد بیـات ایجاب چنین حقایق و استدراکا ت مینماید ،قدر ت مندا ن اصول خط وکتابت در حمایت آن صنعـت



خط طغرای کوفی با نقاشی حواشی اثر خامه

هفت قلم

ابن مقله وضع کرد این شش خط از خط عرب

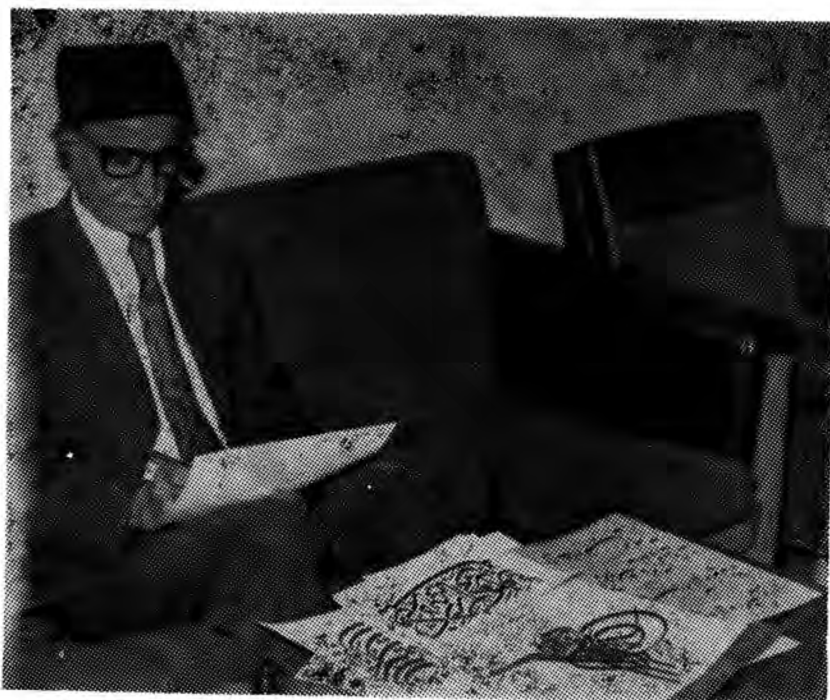
ثلث و ریحان و محقق نسخ و توقیع و رقاع

بعد از آن از خط توقیع و رقاع اهل قلم

هفتمی خط دگر تعلیق بعض از اختراع

الراقم عزیزالدین وکیلی

خط تعلیق



استاد عزیز الدین وکیلی پوپلزایی درشصت و سو مین سال زندگی خویش هنو ز هم خوش وخوب وبی عیب می نو یسد .

سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو

العزیز الحکیم یا ایها الذین امنوا لم تقولون

ما لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون

لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ، یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ

مِنَ الْقُرْآنِ الْکَرِیْم

عزیز الدین وکیلی

خط رقاع که بنام خط تزئینی کوفی هم شناخته می شود.

کوشیده و می کوشند .و تا ریخ ملل شا هد است که افغا نستا ن از لحاظ داشتن خطو ط قد یمه از هیچیک مملکتی عقب نما نده‌وعا مل در جه اول‌آن‌وجود پر اعتبارخاندان هاو شخصیت ها ی با استعدا دفن خو شنو یسی است . که این ذوق نفیس را هیچو قت از دست نداده اند و نیز مقاما ت علمی‌و کلتور ی افغانستان در عصر مطابع همدراین راه خد ما ت شایا نی به پیرو ی گذ شتگا ن این خا ك وآب نمو ده اند .

نســـخ:

کلمه نسخ در لغت بمعنی دو ر کردن چیز ی را به چیز ی که‌بهتر ازان باشد .و بمعنی کتاب‌نوشتن، ونیز نام خطی است از شش خط که خطوط دیگر ماقبل آن منسو خ شدند .و بهمین سبب نســـخ گو یند.

واصطلاح علمی‌و فنی آن بمعنی منسو خ کننده خطو ط کو فی ا ز نو شتن متون دینی و مکاتبا ت علمی و دو لتی است . و این نو ع خط خوانا ازآنجا که مخصو صــ نو شتن قرآ ن مجید و فر قـــا ن حمید قرار گر فت ، به نام خـــط قرآنی نیز مشهور گــردید . واما در مراحل اول باین صور ت و کیفیت فنی‌و اختصا صی دوره های بعدی نر سیده بود . این خطنسبت بوضا حت و خوانا یی آن از جمیع خط عر بی نهایت رواج گر فت . چنانکه در عهد مطابع تمام حرو ف جراید و مجلات تمام ممالك کـــا به‌السنه ا سلا مـی‌نشر و پخش‌می شمود ، خط نسخ عربی است . و بعد ازان خطو ط ثلث، ر قعـــه ، دیوا نی ،تعلیق ،نستعلیق نسبت دیگر خطوط در عالم کتا بت ، و صحافت عمو میت پیدا کـــر د ه است .

خط نسخ بدوره ها ی اول طور نا مکمل و بدوره متا خر یـــن از مرحله آغاز به‌کیفیت اعجاز رسید. وطوری که در بخش خط کو فـــی گفتم: چون نو شتن و خواند ن خطوط کو فی دشوار ی هـــــای داشت .لذا علما و ما هرین فن خط در پی ایجاد خط منسوخ کنند ه‌آن شدند ،و تصمیم گر فتند شکلی وطرز ی را در عالم کتا بت بوجود بیاور ند که‌و سیله پیشر فـــت علوم گردد. بقرار این مفکور ه سه نفر از مرد م شهر انبار نز دیك بغداد به‌نام‌های (مرامر، ا سلم ، عا مر) از وا ضعین خط عـــر ب مو فق گر دیده و در به‌و جـو د آورد ن‌صور ت و شکل و فصـل ووصل و بنیاد گذار ی نقطه های حرو ف زحما تی کشید نـــد. چنانچه مرا مر خطا ط ا ز رو ی اشتیا ق تمام بعالم علم و اد ب نام هشت حرف ابجد را با لا ی هشت پسر خود گذا شت. زیرا که خطاطا ن بعد از الفبا حرو ف ابجد را مشق مینمایند . و بعد از دور ه حیا ت آن سه نفـــر خطاط ، ابن‌مقله به‌تاریخ پنجشنبه بیستم شوال المکر م سنه ۲۷۲ ق دربغداد چشم بد نیا کشود .ودر هما ن سر زمین تحصیل علم‌نمود وبه تاریخ یکشنبه دهم شوا ل سنه۳۲۸ ق در بغدا د چشم ا ز دنیا پوشید. و همین خطا ط نامور در سنه۳۱۰ ق از خط کو فـــی‌و معقلی وغیر آ ن شش خطاخترا ع نمود. برای هر حر ف طرزخا ص را داده و اسا می آن شش نوع‌خط را شا عری باین مصراع آور د ه است:

(ثلث‌و توقیع و محقق ، نسخ وریحان و رقاع)

واین بیت نیز تایید آن است:

ابن مقله وضع کرد ایـــن شش خط از خط عرب

ثلث و ریحا ن و محقق ، نسخ وتوقیع و رقاع

ازین بیت باز هم ثابت‌میگر دد که خط اول اسلام کو فی بو ده‌که ابن‌مقله بدر یـا فت خـطو ط شش گانه موفق شده از دیگر خطا طـان شهرت بیشتر برده .چنا نکه قطعه نظمی باین مفهو م گفته شده که: حکمت لقمان و خط ابن مقله وزهد ابرا هیم‌بن‌اد هم‌هر گاه جمـــع شودبو جود یك انسا ن وآن‌انسان مفلس باشد .پس بقدر یك در هم ارزش ندارد .

خط متمایل به نسخ و یا نسخ‌نما از مرور یکهزار سال قبل به خا ك موطن عزیز ما ن جلوه ظهور نموده واما چون نو بت دوره تکا مـــل صور ی آن هنوز نر سیده بو د از انواع خط کو فی کمتر تشخیص میشد . و چـــو ن مرگ ابـن مقله سی‌و سه سال‌قبل از زما ن‌پیدایش محمود بن سبکتکین اتفاق افتا ده می توان گفت که خطو ط شش‌گانه ایجاد کرده او تا دورا ن قدر ت‌و فرما نروا ی بزرگ محمود غزنوی که دوره او جو ینده آثار بر جسته علوم‌و فنو ن بود و تا عهدزندگانی حکیم سنا یی بو فر ت بد یـــار زابلستا ن رسیده باشد . ز براکه زابلیا ن در مسایل علمی‌واد بـی روابط مستقیم بابغداد یا ن‌داشتند. چنانکه مکاتبه غز نو یا ن بـــا سامانیا ن جاری بود .

خوا جه عماد الدين يا قو ت معتصمی رانيز وا ضع خط نسخ میدا نند . و در كشف اللغا ت از وی بنام مخترع خط نسخ يادشده ولی حقيقت ندارد . چه او درعهد خود و بشيوه تازه خود نسخ نو يس ماهر بود و از روی هما ن شهرت حسن خط به‌نام مختر عهم ياد كرده اند . چنانكه مو ليناجامی دروصف او گفته است: مو جب شهر ت نشد يا قوت را جز حسن خط.

ياقو ت از افغا نستا ن وا ر د بغداد شده و خط نسخ رابا صو ل جديد و بهتر از پيشتر نو شتو از هما ن در جه ليا قت درز با ن عرب به نام (قبلته الخطا طين) ياد شده است. طوری كه قبلا گفتم چون عبارا ت مقد سا ت‌به تشكيل اعرا ب يعنی حر كا ت حر ف ضرورت دارد، ا ستا دان فن خط در پی آن شدند تا خط سهل تر و خوانا تر بو جود بياور ند. و آ ن وقت كه خط قرآ نی به‌و جود آمد، وچون خطو ط كو فی را از نوشتن قرآن كريم منسوخ نمود ، نسخ نام گذا شته شد .

چون اين دقله بدوره سلا طين غز نو ی افغا نستا ن معا صر ت دارد ،می توا ن باور كرد كه خط نسخ از مرور يكهزار سال، درخاك مقد س افغا نستا ن ر سيده و مروج گشته باشد .و اما چون انواع شش گانه تا هنوز بحد عمو ميت و كيفيت وا قعی خو د نر سيده بود ، نمی توان‌پندا شت كه ما نند دوره ها ی بعدی رواجی داشته ، چرا كه خط نسخ دردوره های اول يعنی در دور ه انتقا لی خط كو فی ، نسخ كو فی نمابنظر مير سيد . و در قرن ششم و هفتم رو نقی بحد كمال پيدا كرده ودر بلاد پښتوزبا ن و دری ز با ن در اوايل يعنی دور ه انتقا لی خط‌كوفی قرآ ن كريم را به خط تعليق در ی نيز می نو شتند و اما از مرور هشت صد سا ل قبل هم شكل خط نسخ و محقق وثلث نز د يك باسا ليب دوره ها ی مابعدنرسيده بود. تا آنكه پس از هفت، هشت قرن او ل چهره ها ی او لين‌خود را تبد يل و اساس استا د ی دوره عثمانی را مرتبه امتياز و اختصاص كا مل بخشيد . و اما نسخ نويسی خراسا نی يعنی افغا نستا ن‌كنونی وبلاد همسايه آ ن به شيوه ها ی ديگر نيز با قی ماند . چنا نكه نسخ نو يسی كشميری‌و سند ی‌و هندی روشنها ی ديگر پيداكرد .

در كشور عزيز ما عبا رات‌پښتو ودری را كه از جهت صحت تلفظ دارای اعراب نو شته اند، به نام حرو ف معرب ياد ميكر دند.معرب بمعنی اعرا ب داده شده و اعراب، حركا ت حرو ف راگو يند.وازجهت اينكه مردم به صحت الفا ظ معتاد گردند، عبارات علمی و ا د بی‌را بدان معيار مير سانيدند. چنا نكه در متو ن قديم لسان پښتو ، و باالخصو ص قند هار يا ن بطور عموم اعرا ب‌ثلاثه رابه كار بر ده اندو خط نسخ را مخصو ص متو ن پښتو از همين جهت قبول كر ده اند . ز يرا كه اعرا ب بد يگر خطوط آنقدر ساز ش ندارد.

ونسخ معر ب همان است كه دارای تشكيل اعرا ب و نسخ غير معرب آن است كه فاقد تشكيل اعرا ب باشد ، ما نند حر و ف جرايد و مجلات مروج امروزی .



گزارش اساسی اتحادیهٔ هنرمندان ج.د.ا

در دومین پلینوم اتحادیه

مورخ ۲۳حمل۱۳۶۱هوتل آریانا، کابل

پس از مراسم افتتاح که با نواختن سرود ملی صورت گرفت ، استاد غوث الدین نقاش شهیر وطن ورئیس اتحادیه هنرمندان جمهوری دیموکراتیک افغانستان با ابراز اعتقاد به پیروزی های هر چه بیشتر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در امر بر آورده ساختن اهداف والای انقلاب شکوهمند ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در پرتو مصوبات وفیصله های ارجمند کنفرانس سرتاسری ح . د . خ . ا . ،از رفیق اسلم اکرم معاون ومنشی اول اتحادیه هنرمندان ج . د . ا . دعوت کرد تا گزارش اساسی هیات رئیسه اتحادیه را پیرامون کارهائی که در فاصله پلینوم اول تا دوم انجام یافته است ، در محضر شاملین جلسه قرائت کنند .

به اجازه هیات محترم رئیسه اعضای محترم شورای مرکزی اتحادیه هنرمندان. ج . د . ا . و مهمانان عزیز !

اجازه بدهید به نمایندگی از همه هنرمندان شریف و وطنپرست کشور نخست برگزاری — پیروزمندانه کنفرانس سرتاسری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را که فیصله ها وتصامیم پرارزش آن در حیات سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی کشور ما ، دگرگونی های بیشمار و مثبتی را به ارمغان خواهد آورد و تطبیق اهداف والای آن در امر تعمیم روحیه برادری ، برابری و تساوی حقوق تمام ملیت های ساکن در افغانستان ، و بر آورده شدن ارمانهای ملی ما ، نقش بی نظیری خواهد داشت ، از صمیم قلب به شما تهنیت بگویم و از انجاکه یك رویداد بزرگ تاریخی و سیاسی در زندگی مردم ماست اتحادیه هنرمندان مندرجات پیام سودمند آن را تایید و پشتیبانی می نماید .

اتحادیه هنرمندان ج . د . ا ـ تعهد شریفانه می سپارد تا در تحقق برنامه عمل حزب دیموکراتیک خلق افغانستان که بیانگر خواستهای پاکیزه حزب و مردم کشور ماست ، از همه امکانات دست داشته استفاده نماید .

ما در حالیکه از سیاست اجتماعی خویش در رابطه به ملیت ها ، اقوام ، قبایل ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران، جوانان اعم از زن و مرد و تمام زحمت کشان ـ افغانستان ، پشتیبانی بیدریغ خود را اعلام میداریم . سعیو تلاش صادقانه ـ بخرج خواهیم داد تا . جهت وحدت و نزدیکی هر چه بیشتر برادران هموطن خویش ، باشکوفان ساختن و گسترش هنر اصیل و مردمی ، رسالت هنر و هنرمند را چنانکه باید و شاید در خدمت این آرزوی پاك قرار دهیم . با روحیه عالی و با اتحاد نظر و عمل در جهت ساختمان افغانستان نوین ، آزاد ، سربلند و پر غرور بر زمیم .

ما یقین کامل داریم چنانکه در برنامه عمل ذکر شده ،هموطنان شرافتمند ما با اعتماد کامل به دور حزب پر افتخار ودولت انقلابی ما جمع امده ، از طریق کار وپیکار انقلابی خویش ، برتمام پروپاگند های خاینانه وزهراگین دشمنان انقلاب ووطن ما ، خط بطلان

خواهند کشید . توده ها ئـــی ملیونی مردم ما که نقطه اتکا ی حزب و دولت اند ، با بهم پیو-ستگی بیشتر ووحدت ارگا نیك حزب و دولت ، بر همه دشواری ها و ونا بساما نی های میرا ث گذشته غلبه خواهند کرد . زیرا حزب ودولت بیشتر از پیـــش سیاست اقتصادی خویش را در جهت ایجاد پایه های محکم رشـد یابنده و پرتحرك صنعتی و تو-سعه سکتور دولتی عیار نمو ده مبارزه طبقه کار گر ، دهقا ن و همه زحمت کشان کشور بـــر تمام عرصه های زند گی اجتما-عی ، تـــاثیـــرات مثبت و روز افزون خود را وارد خواهد سا-خت و نقش رهبری کننده حزب را بیش از پیش تحقق می بخشد.

حزب با در نظر داشت سنن و عنعنات پسندیده ملی مردم ما و احکام دین مقدس اسلام ،تطبیق و اجرائی سیاست ارضی را بـه همکاری بیدریغ مردم شر یـفـو وطن پرست افغا نستان منـو ط میداند . زیرا اکنون که پلا نها و اجرا آت انسانی حزب ودولت انقلابی ما مورد تا یید وپشتیبا-نی آنها قرار گرفته است ، هیچ نیروئی ضد انقلاب و ضد ترقی نمیتوا ند سر راه انکشاف وسیر تکاملی ما بسوی یك زند گـــی مر فه و شگوفان گر د د .

رو شنفکران در حیات جامعه افغانی ورشد هر چه بیشتـــــر جنبش انقلابی آن ، نقش مهم و پر مسوولیت دار ند . در آینده نیز برپایه مساعی هدف منـــد ح . د . خ . ا ــ ودولت جمهوری د یمو کراتیك افغا نستـــان ، اهمیت نقش رو شنفکر ان انقلا-بی ، افزایش خوا هد یافـــت .

در پیام کمیته مر کزی ح .د. خ . ا ــ که در کنگره مو ســـس اتحاد یه ما قرائت گر دید ،امده که مقام هنر مندان در ج . د . ا ــ بس عالی وار جمند است . حزب و دولت آنها رابحیث کمك کننده مطمئن خودرا امر توضیح اهد-اف والای انقلاب و افشای دروغ بافی‌ها وافترا آت دشمنان انقلا-ب تلقی میکنـــــد .

با سپاس بیکران ازین تو جه بس عظیم بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح . د . خ . ا ــ دو لت . ج . د . ا ــ و بخصـــو ص از رفیق گرا نمایه وار جمنـــــد ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دیمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس شـــورا ی انقلابی جمهوری دیمو کرا تیك افغا نستان در برابر ارباب هنر که در گذشته ها ارجی به آنـان گذاشته نمی شد و قشر از نظـر افتاده جامعه بودند ، با نها یـت افتخار امروز مشا هده میکنیـم که مارا بحیث اعضای مطمئــن و کمك کننده فعال حزب ودولت می شنا سند و قشر پیشتاز جا-معه خطاب میکنند . پس برماست تا از دل وجان در راه به ثمر ر-سا ندن پلانهای علما تنعفزکگ حزب و دولت انقلابی ما ، تا پای جان بر زمیم وبا سمت دهی هنر پر غنای خود ، وظیفه خطیر ملی خویش را به انجام رسا نیم .

هنـر منـدا ن شـرا فتمنـد افغـــا نستـــان انقلا بـــی :

با بخاطر سپردن آنچه گفتـه آمد و اینکه در برنامه عمل بـه نقش کار و پیکار هنری ما مقام خاصی داده است ، ایجـا ب میکند تا اتحادیه ما با علاقمندی بیشتر ازامروز به همکاری‌هنر-مندان ورو شنفکران شر یف ، در جهت تحقق مشی فرهنگی حز ب دیمو کراتیك خلق افغا نستـــان وبر آورده ساختن همه اهدا ف ار جمند آن که فردای شگو فا ن توده های ملیونی ما را تضمیـن میکند ، مساعی همه جانبه خود را دریغ ندا ریـــم .

اعضای اتحادیه بادل جان‌هنر ظریف شان را در خدمت مـر دم رنجدیده و زحمت کش شـــان قرار میدهند . ما از توجه حزب و دولت انقلابی ج . د . ا سپا-سگزار یم که به هنر و زند گی هنر مندان توجه همه جانبه مبذ-ول میدا رند تا حق نا شنا سی ، بی توجهی ، توهین و تحقیر دو-لت‌ها وطبقات استثمار گـــر مسلط بر جامعه گذشته را نسبت به هنر و هنر مند ، جبران گر-دد .این التفات وقدر گذار ی‌بر هنر وهنر مند ، بی شبهه شایق د لبستگی بیشتر مـا بـه کـار وتولید مثمر وجهت یا فتـــه انقلابی ، بی نها یت موثر افتاده و فشرده گزارش که نمـو دار تلاش اتحادیه هنر منـــد ان و اعضای آن در کوتاه مدت فاصله بین دو پلینوم ، شکل گر فتـه است ، گواه نیات بی آلا یش ، در گفتار وعمل ماست .

اتحا دیه تا کنون این عناصر ارجمند را به عضویت اتحاد یه هنر مندان ج . د . ا جذب کرده است :

در بخش نقاشی	۱۴۰ نفر
در بخش تیاتر	۱۵۰نفر
در بخش موسیقی	۱۲۰نفر
در بخش سینما تو گرافـــی	۱۸۰ نفـــر
در بخش مهندسی	۱۰۰نفر
در بخش ساز ما نهای ولایتی	۱۵۰۰ نفــر

به ارتباط این مطلب لازم است از ایجاد ساز ما نهای اولیه هنری اتحاد یه در بخش های مختلف و کمسیون هائی که‌از اعضا ی محترم اتحاد یه ترکیب شد ه است . نیز یاد آوری کنیم .

اعضای اتحا دیه فعلا به ۲۵ سازمان اولیه در بخش های مختلف‌و در مراکز ارگا نهای هنری دولتی تعیین و مصر وف فعا لیت هستند .

در بخش سینما تو گرا فی اتحادیه ـ ۷ ـ سازمان او لیه

در بخش مو سیقی اتحاد یه ـ ۷ ـ ساز مان او لیه

در بخش نقا شی اتحاد یه ـ ۸ ـ سا زمان او لیه

در بخش تیاتر اتحا دیه ـ ۳ ـ سا زمان اولیه

در بخش مهند سی اتحاد یه ـ ۲ ـ سا زمان اولیه

فعالیت اتحاد یه ما به شش کمسیون تقسیم گرد یده که امید واریم با فعال بودن ـ اعضای محترم کمسیون و سهم گیری جدی ایشان در جلسات بتوا نیم در سمت دهی و فعا لیت های هنری خویش در جهت شگو فان شدن هنر در کشور ، خد مات بیشتری را انجام بدهیم . بعد از ایجا د اتحا دیه بنا به اسا سنامه ان که در جهت رشد ، شگو فانی هنر در کشور مکلفیت هائی دارد ، توانسته‌ایم‌عده‌ئی‌از هنر مندان جوان کشور را جهت تحصیلات عالی به کشور های شوروی ، بلغاریا و چکو سلواکیا اعزام نما ییم .

اتحا دیه با درك این مطالب که در ساحه بین المللی چه مکلفیت های دارد بخاطر همبستگی با هنر مندان در سطح جهانی با اتحادیه های هنر مندان تمام کشور های دوست از طریق مکا- تبه روا بط محکم بر قرار ساخته و موا فقا تی را نیز منبی بر صرف مساعی مشترك ، تا سیس نمایشا گا ها و کمك های متقابل به امضا ر سا نیده است .

اتحا دیه سعی و تلاش فراوان نمود تا هنر مندان محبو ب کشور ما که‌در شرایط مرگبار رژیم های مستبد گذشته ، محروم از تمامی نعمات زندگی بود ند مخصوصا در قسمت صحت ایشان کو چکترین توجه صو رت نمیگر فت از هر گونه کمك در یغ ننما ید .

چنانچه همین اکنون بیش از شصت نفر از هنر مندان ما از طریق اتحاد یه شامل بیمه صحی گردیده و عدهٔ هم که امکان معا- لجه شان در کشور نبود به کمك دولت انقلابی ما و بخصوص ـ به اساس رهنمائی های شخص رفیق « کار مل » که توجه عمیق به هنرو هنرمند کشور دار ند به اتحاد شوروی اعزام گرد یده اند و تعدادی هم در داخل کشور به تحت معاینه و تداوی قرار گرفتند . و این همکا ری د ر بخش سلا مت هنر مندا ن از طریق اتحاد یه دوام دارد .

اتحادیه به ابتکار عده زیاد هنر مندان محبوب کشور در تهیه اثار بر ارزش هنری که نما یا- نگر سهم گیری هنر مندان شر- یف کشور به امر انقلاب دولت و حزب قهر مان ما بعد از ـ پیروزی مرحله نوین و تکا ملی آن میباشد ، اقدا مات جدی نموده است که تهیه اقسام و انواع مختلف آر م ها پوستر ها ی سیاسی و اجتماعی برای سا زمان صلح و همبستگی ، اتحاد یه کوپر اتیف های زراعتی اتحاد- یه نو یسند گان ، اتحا دیه‌ژور- نا لستان ـ کنگره رو حا نیو ن شر افتمند کشور ،کنگره معلمین و کنگره جبهه‌وسیع ملی پدروطن دایر نمو دن سیمنیار پو ستر سازی و موضوعات دیگر ،

همچنان افتتاح بیش از (۱۰) نما یشگاه نقا شی پو ستر های سیاسی و خطاطی و مینا توری ، نمایش درامه های تیا تری ، کنسرت های متعدد در مر کز و ولایات ، فستیوال فلم های تو- لیدی کشور به پیشواز کنفرا- نس سر تاسری ح ـ د ـ خ ـ ا اهنگهای سیاسی که عنقر یب افتتاح خواهد شد ، نما یشگاه- عکاسی ، سهم گیری اعضا ی محترم اتحادیه مادر امر تزئین و تهیه مطالب هنری به ار تبا ط کنفرا نس سرتا سری حزب د- خ ـ ا را باید بر شمرد که سلسله آن ادامه دارد .

اعضای محترم شو رای مرکزی مهما نان گرامی :

هرانچه تا اینجا گفته امد یم موضو عات ساز ماند هی و تشکیلا تی واساس بنیاد و حل مسایل اداری و حسابی اتحاد یه را تشکیل میدهد ولی سرا غاز فعا لیت و سمت دهی هنر دارای محتوای انقلابی در کشور ما بعد از این شروع میشود . در پلان کار سال ۱۳۶۱ ـ اتحاد یه دایر شدن فستیوال اهنگهای سیا سی

لایت ـ محلی ـ کلا سیك وغزل مد نظر گرفته شده تا بادر نظر داشت نکات‌فوق درهنر موسیقی با پخش سرود های رزمـــی و انقلابی مورال وروحیه همو طنان یا پخش ـ آهنگ های مرد می در کوه ها ، دره‌ها ، کار گاه ها فاـ بریکه ها وجبهات گرم مبارزه ـ بخاطر پیروزی‌های بیشترانقلاـ ب ثور عطش علا قمند آن هنـر مو سیقی را فرو نشا نیم .

در فستیوال فلم ها با بنمایش گذاشتن فلم هائی که نما یانگر قهر مانی ها رز مندگی مرد مـان عاشق به میهن ما وا نعکاس داـ دن تما می رو یداد های انقلابی و پیو ند و همبستگی مر دمـان کشور برای سا ختمان یك جاـ معه مرفه و شگو فان خدمتی را انجام بدهیم وبامقایسه فلم های مبتذل و با زاری کشور هـــای غربی هنر وا قعا عالی سینما را اوج بد هیـــم .

در کانکور های نقا شی کـه در نظر داریم باز تاب آنچـــه انقلاب ثور و بخصوص مرحلـه تکا ملی آن با خود آورده است ، نمو دار با شد .

هرانجه زیباست و جامعه را بـه پیش میبرد ، تصویر خواهد شد به همین ترتیب کنفرانس ها و سیمینار های علمی هنـر ی ، نما یشگاه های مجسمه سازی ، خطاطی ، عکاسی ، کار تـون ـ پو ستر نیز در پلان ـ ســا ل ۱۳٦۱ اتحاد یه گنجا نیده شده که از یکطرف در از دیاداند وـ خته های هنری کار آمـوزان و از جانب یگر آشنا شدن شان بـه دقایق هنر پیشتر فته کشـو ر های مترقی و اعمـا ر جـا معـه عاری از تنا قضات طبقا تـی و دیگر مو ضوعات ارز شمند روز کمك فرا وان نمـــا یـــد .

حضار محتـــر م !

بادرك وظایف هنری‌و اینکـه چگو نه میتوان ممد و همکـــار خوب ار گا نهای هنری دو لتـی شده بتوانیم وقت فوقتاً پیشنهاـ داتی به مقا مات مربوط ارا ئـــه نمود ه ایم که خو شبختانه توجه واقعا هنر دو ستانه مقا مات حزـ بی و دولتی خود به نتایج مثبت رسیده ایم وامید وار یم که بـا وحدت نظر وعمل اتحاد یه وارـ گا نهای هنری دولتی وظیفـــه اساسی خود را که سمت د هـی هنر در جامعه میبا شد موفقا ـ نه انجام بد هیـــم .

هنر مندان محترم و هنر دوـ ستان مهر بان در جهت شگو فان ساختن هنر مردمی را با نظر ـ یات سالم و سازنده خود یار ی رسا نید بدور اتحاد یه هنـرـ مندان ج ـ د ـ ا بسیج شوید و با سهم گیری و عضویـــت در جبهه ملی پدر وطن این ساز مان سر تاسری وحدت مردم افغاـ نستان با هنر نمائی انقلا بی خود به همو طنان خویش دین تـارـ یخی خود را ادا نما ئیـــد .

فروز انتر باد مشعل هنـــر انقلابی در افغا نستان انقلا بـی به پیش در راه تطبیق بر نامه عمل ح ـ د ـ خ ـ ا ـ

پس از ایراد بیا نیه های تاـ یبدی در باره گزارش اسا سی‌از طرف رفقــا : تورن عبدا لحی عضو هیات رئیسه اتحاد یـــه ، استاد رفیق صادق استاد غلامـ علی امید ، استاد مهوش ،محمدـ دین زاخیل و استاد ننگیا لـــی عضو شورای مر کزی اتحاد یـه هنر مندان ج . د . ا ـ گزار ش اساسی به اتفاق آرا تصو یـب گردید . متعا قبا از محتـــر م عبدا لحکیم خلیق تقا ضا شد تـا پیشنهاد هیات رئیســه را رو ی موضو عات تشکیلاتی قرا ئـت کنـــــد .

بعد از رای‌گیری روی‌پیشنهاد که به اتفاق آرا تایید گرد ید ، ذوات آتی جدیداً به عضو یـت شو رای مرکزی اتحاد یـــه پز یر فته هد نــد .

۱ ـ دکر من محمد حنیف قوـ ما ندان پو هنځی مو زیـــك
۲ ـ عزیز گندمی نقا ش
۳ ـ جلال پیروز دایرکتر فلم
٤ ـ توریالی شفق دایرکترفلم
٥ ـ وحیدالله رمق فلمبر دار
٦ ـ دو کتور سید شریـفـ حسینی مهند س
۷ ـ دکرمن عبدا لخالق نعمت مهند س
۸ ـ انجنیر محمد ایـــو بـ مسعو دی مهند س
۹ ـ عبداسمیع رنگین نقاش
۱۰ ـ احمدشاه گردیزی نقاش
۱۱ ـ سلیمان علم فلمبر دار و هنر پیشه سینمـــا
۱۲ ـسعید محمد مشعل هنرـ یار هنر پیشه سینما و تیا تـــر
۱۳ ـ حبیبه عسکر هنر پیشه سینما و تیا تـــر
۱٤ نجیب الله سلطانی مکیاژـ ور و هنر پیشه تیا تر
۱٥ ـ عزیز الله هدف مکیاژ ور و هنر پیشه سینما و تیا تـــر
۱٦ ـ گلز مان آوا ز خـــوا ن
۱۷ ـ محمد شفیع عظیمـــی آهنگسا ز

پیشنهاد دوم نیز در مورد قبولی ارتقای اعضای شورای مرکزی به عضویت هیات رئیسه اتحادیه هنرمندان ج . د . ا ـ ارائه و ذوات آتی به حیث اعضای جدید هیات رئیسه پذیرفته شدند .

۱ ـ دگرمن محمد حنیف

۲ ـ انجنیر محمد ایوب مسعودی

در انجام جلسه ظاهر هوایدا عضو هیات رئیسه اتحادیه طرح قطع نامه دومین پلنیوم اتحادیه هنرمندان جمهوری دیموکراتیك افغانستان را قرائت کرد .

ما اعضای شورای مرکزی اتحادیه هنرمندان ج . د . ا تدویر کنفرانس سرتاسری ح . د . خ . ا . را رویدا عظیم سیاسی و تاریخی می شماریم .

اتحادیه مطابق دستور برنامه عمل در قسمت سیاست فرهنگی ح . د خ . ا که همه جانبه بررسی شده بخاطر انکشاف و گسترش وسمت دهی هنر سعی و تلاش نموده در تحقق ان صرف مساعی میکند تا از دستاورد های فرهنگی همه مردمان ملیت ها اقوام و قبایل افغانستان ، خلقهای سایر کشور های اسلامی ، کشورهای سوسیالستی و سایر کشور های جهان استفاده نماید . در جهت تطبیق ، توسعه و تکمیل و بهتر شدن سینما ـ موسیقی ـ تیاتر نقاشی و مهندسی که بمنظور تنویر اذهان توده های مردم در جهت تبلیغ اندیشه های صلح ترقی اجتماعی ، دوستی خلقها افشای نیرنگها و توطه های دشمنان انقلاب و وطن محبوب ما مفید واقع گردد تلاش بیکران میکند .

ما سیاست اجتماعی ح . د . خ . ا . در رابطه با ملیتها اقوام قبایل کارگران دهقانان ، جوانان و تمام زحمتکشان وطن پشتیبانی مینمائیم .

ما سیاست اقتصادی ح . د . خ . ا . را که پایه های محکم‌رشد یابنده و پر تحرك صنعتی و تحکیم و توسعه سکتور دولتی را تامین میکند با قاطعیت تائید مینمآییم . از سیاست اصلاحات دموکراتیك ارضی در ج. د. ا که بادر نظر داشت سنن وعنعنات پسندیده ملی مردم ما واحکام دین مقدس طرح گردیده حمایت میکنیم .

از مطالب حل بنیادی مسله ملی در کشور بر پایه برابری‌و برادری که بدون هیچگونه تبعیض و امتیاز با در نظر داشت منافع خواسته ها و حقوق ملی تمام ملیتها اقوام و قبایل کشور اعم از پشتون ، تاجك، ازبك ، هزاره ترکمن‌ـ بلوچ نورستانی‌و اقلیت های‌ملی دیگرکه‌دربر نامه عمل‌ح . د. خ . ا ازان تذکررفته تائید و پشتیبانی مینمایم .

ما بخاطر فراهم اوری امکانات وسیع جهت رشد و انکشاف مکاتب و متود های خلاق هنر در افغانستان بطور قاطع علیه هنر های ضد مردمی و ضد انسانی که امپریالیزم جهانی پخش میکند مبارزه میکنیم .

ما اعضای اتحادیه هنرمندان ج . د . ا باید یالوژی ضد انقلابی آشتی ناپذیر بوده ماهیت انرا با استفاده از تمام اشکال کار خلاقانه خود در بین مردم افشا نموده و تمام مردم‌را با روحیه عالی و طنپرستی ـ انقلاب و انترناسیونالیزم واقعی تجهیز مینمائیم .

اتحادیه هنرمندان ج . د . ا در فعالیت سازنده واجتماعی خود برای باز هم نزدیکتر شدن و همکاری وارتباط متقابل عملی بین تمام بخشهای هنری با اتحادیه های نویسنده گان ژورنالستان ، سازمانهای دموکراتیك جوانان و زنان، اتحادیه های صنفی سعی بلیغ بخرج میدهد .

ما هنرمندان ج . د . ا همبستگی خلل ناپذیر خود رابا هنرمندان جهان مترقی در مبارزات شان بخاطر تامین صلح دموکراسی، استقلال ملی،پیشرفت اجتماعی اعلام میداریم .

ما هنرمندان تعهد میسپاریم که دوش بدوش حزب و دولت انقلابی خویش ودیگر ـ سازمانهای اجتماعی و مردم زحمتکش افغانستان در مبارزه علیه امپریالیزم ، هژمونیزم و هر نوع تبعیض استعمار نوو کهنه پیکار نمائیم

ما بمردم خود بحزب د. خ . ا . شورای انقلابی و حکومت ج . د . ا اطمینان میدهیم که در ساختمان جامعه عادلانه نوین در کشور خویش سهم فعال بگیریم .

و شرف و افتخار و حثیت میهن خود را با سربلندی حفظ نمائیم .

وبه همین ترتیب پیام‌اتحادیه هنرمندان ج . د . ا به تمام هنرمندان و هنردوستان وطن محبوب مان افغانستان آزاد آباد

وپر غرور و مستقل این است :
همو طنان دلیر ،هنر دوستان مهربان ، هنرمندان شریف حالا دیگر زمان بی تفاوتی وکونه اندیشی گذشته عصر افرینش هنرها و جولان قلم ها و و قت تبارز بهترین پدیده ها است . هنرمندان ما باید به اینده به امید و ایمان کامل بنگرند و در دل شنونده گان ، تماشا چیان وخواننده گان خود خو شبینی وعشق بوطن را بیشتر ازپیش بو جود اور ند هنر باید بمثابه کتاب درس زند گی وسیله پر توان تربیه افراد جامعه در مرکز ـ اهداف والای انقلاب شکو همند ثور قرار بگیرد . باید تابلو ها مجسمه ها،سرودها، آثارموسیقی فلمها ونمایشنامه ها وآن چیز های را که در زندگی مو جود است وجامعه را به پیش حرکت میدهد ، بازیبای تصویر نمایید.
در آثار یکه می افر یننند باید سیمای قهر مانان مبارز زمان مایعنی سیمای کار گرا ن ـ د هقا نان ، کسبه ز حمتکش سر بازان قهر مان ـ ځارندو یان رو شنفکران که بخاطر حفظ و حرا ست دستاورد های انقلاب ثور بخصوص مرحله نو ین و تکاملی آن برضد دشمنان سوگند خورده مردم، وطن وانقلا ب مبارزه می کنند ، ترسیم نمائید.
رو شنفکران پیشرو افغانستان انقلابی همیشه به شایسته ترین سنن انقلا بی و وطنپر ستانه وفادار بوده با استواری و سر بلندی به ارمانهای عالی انقلاب ثور خد مت نموده وسهم شایسته را در امر پیروزی اهداف انقلاب ادا مه خوا هند داد .
هنر مندان کشور مرد خیزما افغا نستان انقلا بی !
در جهت شگو فان ساختن هنرمردمی مارا بانظریات سالم و ساز نده خود یاری رسا نید بدور اتحاد یه هنر مندان ج .د. ا بسیج شوید و با سهم گیری و عضو یت در جبهه ملی پدر وطن این سازمان سر تاسری و حدت مردم افغا نستان با هنر نما ئی انقلا بی خود بههمو طنان خویش دین تاریخی خود را ادا نمائید .
فرو زان ترباد مشعل هنرانقلابی در افغا نستان انقلا بی

• • •

قطع نامه به اتفاق آرا به تصویب رسید و باین تر تیب کار دومین پلنیوم اتحاد یه هنر مندان مورخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱ بپا یان رسید .



منظرهٔ: ازاجلاس دومین پلینوم اتحادیه هنر مندان جمهو ری دمو کراتیك افغا نستان

سرود انترناسیونال

برخیزید نفرین گشتگان خاک ای گشنگی را محکومین !
فریاد عدالت خیزد بیباک از انفجار واپسین
ای اردوی عظیم بردگان کهنه جهان براندازیم
دیگر شود بنیاد این جهان هیچ بوده را هر چیز سازیم
این است نبرد آخرین یکجا شویم فردا

انترناسیونال شود سرشت انسانها

شاهان معدن و ثروتها ناپاک و غرقه در آزین
جز تاراج دنیای زحمتها بوده است شان دیگر آیین
هر آنچه آفرید دنیای کار رفتیده در کیسه هاشان
تنها وام خود هستند خواستار مردم را استرداد آن

این است نبرد آخرین

ما هستیم کارگران و دهقانان اردوی بیشمار کار
زمین باشد ملکیت انسان نابود شود جمع مفت خوار
تا کی این گرگان و لاشخواران از تن ما گیرند توشه
گر گم شوند یکی سحرگاهان خورشید تابد همیشه

این است نبرد آخرین



مجله هنر نوت موسیقی «سرود انترنا سیونال» را توام بامتن دری آن درآغاز این شماره به نسل جوان وهمه پیروان اندیشه های والای طراز نوین اهدء میکند .

شرح اشتراك

سالانه در مرکز وولایات ۸۰- افغانی

قیمت یك شماره ۱۵-افغانی

درخارج کشور سالانه ۱۵- دالر

آدرس :

انصاری واټ ـ عمارت مطابع دولتی
مدیریت مجله هنر
کابل ـ افغانستان
نمبر حساب (۵۷۵۸بر۴) دافغانستان بانك

HONAR

Bimonthly Magazine
Organ of the Artists' Union
of Democratic Republic
of Afghanistan

Subscription Rate:
One year in Afghanistan Afs. 80.-
One year in Foreign Countries US $ 15.-
Price per copy-Afs. 15.-

Address:
Honar Magazine.
Ansari Road, Government
Printing House,
Kabul. Afghanistan

مجلهٔ هنر ارگان نشراتی اتحادیه هنرمندان ج.د.ا، درسال روان مشترک می پذیرد.

هنر مجله ایست آگاهی دهنده، آموزنده و گام گذار در جهت دهی هنر اصیل کشور با روحیهٔ انقلابی در باروری، شگوفانی و غنامندی هنرهای زیبا را نوید می دهد.

مجلهٔ هنر در پنج بخش هنر، تیاتر، سینما، موسیقی، نقاشی و معمار به نشر می آید و تازه ترین و برگزیده ترین نقدها و پژوهش های هنری را به چاپ می رساند.

هنر دریچه ایست گشوده بسوی زمینه های شناخت راستین هنر در ابعاد وسیع و گسترده آن.

به هنر مشترک شوید و با مطالعه مضامین و مطالب آن سطح آگاهی و دانش هنری خود را بلند ببرید.